

اساء

آستانه

درویش ماج الدین سعیدی

درنیاک

بگوشش

مترجم داشت پروه

++++++

اسناد آستانه درویش تاج الدین حسن ولی در نیاک. محمد تقی داشت پژوه. تهران: دانشگاه تهران، 1344.

[باز چاپ "اسناد آستانه درویش تاج الدین حسن ولی در نیاک لاریجان" ، از نسخه های خطی، دفتر 4

ب.ت [648 - 481 : (1344)]

++++++

بیشکن به تبرستان
www.tabarestan.info

اسناد آستانه

سر کار فیض آثار تقوی شعرا

زبدة المُتَشَرِّعِينَ قطب العارفين خداوند مخدوم
دو رو بش ناج الدین حسن ولی



قریب نیاک از بلوک لاریجان از شهرستان آمل

۵۹

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

بگوش
محمد تقی دانش پژوه

چاپخانه دانشگاه

۱۳۴۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

در راه تهران به شهر آمل از جاده هراز، پس از پلور، در دره سییر همین رودخانه
میان سلکتو روته از بالا و وانه از پایین منطقه ایست خاص که یکسوی آن کوهالبرز یا
بلوچستان نام دارد و در برابر آن کوهیست کوتاه‌تر که دهای کوتاه عمود بردره رود هراز در برابر
روته و منتهی بروستای نوا در این کوه کوتاه‌تر می‌شود.
در بالای این دره کوتاه از یکسوی رستای نیاک است و در برابر و بالاتر از آن رستای
کوچکتر است بنام کنارنگام که در سندهای کهن باین نام و همچنین بنام کنار انجام
خوانده شده است.

از جاهایی که در این سندها می‌خوانیم آذاب یا آزو و قله‌های پلها ریانله‌های با باغ‌خیردشت
یا بی خیردشت که در اعراف همین نیاک واقع است می‌باشد و نام نوا او ایرو و مون و اونه نیز در
این اسناد دیده می‌شود.

در سفرنامه مازندران ناصرالدین شاه مورخ ۱۲۹۲ (چاپ سنگی ۱۲۹۴) در تهران
در ص ۲۷۸ (بعضی) یادی از نیاک نشده ولی از آفاسید ایوطالب شاهان دشتی و آقا میرزا
حسن نیاکی که در آمل بددیار شاه رقه بودند نام برده شده است (ص ۲۴۳) (۱).
دمر گان J. De Morgan در کتاب هیئت علمی در ایران Mission Sientifique en Perse
جلد یکم (مطالعات جغرافیایی) چاپ ۱۸۹۴ پاریس در متن از نیاک تامی
برده ولی در فهرست نام‌جایهای آخر کتاب از این کلمه بد و خط فارسی و اروپایی یاد کرده
است. یاد است که دمر گان از این رستای جستجو نکرده است.

در رستای نیاک مردمی زیست می‌کنند که پیشها به بازار گانی و کشاورزی و دامپروری
می‌پرداختند و آنون مانند مردم دیگر مناطق مازندرانند. آنها از یک خانواده‌اند و
خود را مید‌هاشمی میدانند و از نسل سید عالی یا سید علی برادر سید حسن ولی که در همین

۱- در همینجا آمده که راه تازه آمل به تهران را من از دوسال پیش (۱۲۹۰) دستور داده‌ام که
پسر پرمی حسن علی خان وزیر فراید بسازند. خود او و همین سفر یا تشریفاتی را در باز کرده است.

روستا مزار و آستانه او هست. در این مزار که «آستانه متبرکه منوره و سرکار فیض آثار و اطاق سرا» خوانده می شده است قبری است از همین سید حسن ولی با درست پگویم درویش تاج الدین حسن ولی و قبری از همین سید علی یاد روشی علی و قبری از درویش سهراب، مرگ نشست درویش حسن ولی را که این مزار بنامش خوانده می شود تا آنجا که من جستجو کردم در جانی ندیده ام. سادات نیاک دامستانهای شیرین و شگفت انگیزی درباره او و برادرش دارند که خوب است آنها را کسی گرد یاورد که از رهگذر فرهنگ توده مردم بسیار او را تنهاد است.

در باره نسب درویش تاج الدین حسن ولی و سادات نیاک گذشتند از آنچه که برسز زبان آنها است و دامستانش را سیمه بسیمه نگاه داشته چیزی بجز آنچه که در جنگ سده یازدهم که یاد خواهم کرد آمده است ندیده و در کتابهای خوانده ام مکرر فرمانی که فتح علی شاه قاجار برای سادات نیاک صادر کرده و در آن از سعادت آنان یاد شده است.

نگارنده دو سه سال پیش در نیاک نزد قید مبرور عالم روحانی بزرگوار آقا سید حسن حجت نیاکی جنگی دیدم از سده ۱۱ که آغاز و انجام آن اتفاقد بود. در این جنگ نسب سادات نیاک را نوشته اند. آنچه از آن با شتابزدگی یادداشت کردند اینست: درویش میرزا نامی بازدیگانش در نیاک در جوار بقعه درویش سید حسن ولی میزیسته است. این درویش میرزا پسر حسین پسر علی پسر حسین پسر محمد پسر علی است و همه ایتها در گذشته و نزدیک بقعة سید حسن ولی بخاک سپرده شدند.

سید حسن ولی برادر این علی است و هردو پسر حسن اند که پسر پیرزاد است که از ورامین بلارجان و سپس به تترستاق رفته است و او پسر حسن پسر عبدالله است. عطا الله پسر همین عبدالله پدر سادات ورامین است. این عبدالله پسر لطف الله است که بیش از پدر در گذشته است و او پسر سید مرشد علامه قتع الله است پسر تاج الدین پسر فضل الله پسر محمد که از مکه به ورامین رسیده و در آنجا در گذشته و در رتبه امام زاده یعنی بن علی بن عبدالرحمن شجری بخاک سپرده شده است. نسب او اب امام حسن ع میرزا. پس سید حسن ولی و برادرش علی نواده حسن سبط هستند و از دودمان عبداللهین لطف الله پدر سید عماد الدین فتح الحسنی. آنچه بیاد مانده اینست که عبارت را در اینجا بسیار آشته و بریشان دیدند و مطلب در آن روشن نیست.

شجره نسب این خاندان چنانکه مرحوم حجت بنگارنده گفته است چنین است که آن مرحوم پسر محمد پسر حسن پسر اشرف پسر محمد تقی پسر علی پسر عبد الغفار پسر محمد حسین پسر صالح پسر اسکندر پسر علی پسر محمد پسر علی (برادر سید حسن ولی)

پسر حسن پسر پیرزاد پسر حسن پسر عبدالله پسر تاج الدین لطف الله پسر محمد پسر حسن پسر حمزه پسر ابی الهول محمد پسر حمزه سرا هنگ پسر علی پسر زید پسر علی پسر عبدالله الرحمن شجری پسر قاسم پسر حسن پسر زید پسر حسن پسر علی (ع) بوده است.

باری براین آستانه و مزار و قباتی در نیاک و توا و مون و رینه و ایران وقف شده بود و استادی مربوط یغزید و وقف آنها در دست است که اینک از آنها یاد و بخی از آنها در اینجا می بینم.

از این استاد آنچه مانده به صد و چهل و هفت طغرا میرسد و از تاریخ ۲۴ آغاز پیشکش به نویسنده تابه تاریخ ۱۳۷۵ قمری و بیست و شش طغرا آن از سده نهم و بیشتر در زمان خود درویش تاج الدین حسن ولی نوشته شده و قاله خرد زینهای خود داشت.

توینند گان استاد سده نهم تخریج الدین این محمد جلال قاضی نوابی و محمد بن شمس الدین محمد هبة الله نوابی و رکن الدین بن علاء الدین خطیب سه اجری و عبد الحق بن زین الدین بن کرم الدین قاضی نوابی و عبد العزیز بن محمد هبة الله نوابی و مولانا نوابی نوابی هستند. یکی سجل حکیم الدین بن تاج الدین قاضی و یکی سجل محمد حاجی بن فضل الله دریا باری و یکی سجل شکرانه بن زین العابدین دارد و در بیشتر اینها گواهی گواهان دیده می شود.

شش طغرا از این استاد از سده دهم است و تاریخ ۹۲۸ تا ۹۷۷ دارد یکی از اینها میرکن بن قوام الدین و سه تارا قضل بواسیه نوشته است.

چهارده طغرا از شماره ۲۲ تا شماره ۲۶ از سده یازدهم است که سه فرمان صفوی در میان آنها هست. از شماره ۴ تا ۶۲ از سده دوازدهم است که پنج فرمان در آنها دیده می شود. از ۶۳ تا ۱۰۸ از سده سیزدهم و از ۱۱۰ تا ۱۴۷ از سده چهاردهم و بیشتر این دسته کمتر باین آستانه مربوط است و گویا اوضاع شخصی متولیان رایشتر میرساند ولی از رهگذر تاریخ و جغرافیای محلی بسیار مودمند است.

از این استاد بیویه از سندهای سدقه نهم تا دوازدهم میتوان سرگشته از درویش تاج الدین حسن ولی استباط نمود و تا اندازه ای بزندگی او بی برد.

درویش تاج الدین حسن ولی چنانکه خواهیم دید خود از پارسایان و عارفان بشمار می آمده و از دودمان این گروه هم بوده و اورا مانند شاه نعمت الله ولی کرمانی (۷۲۱-۸۴۴) و سید سهراب ولی بدخشنانی شیعی اسماعیلی مؤلف سی و شش صفحه دو سال ۶ درستند ها ولی با «ولی الله» (سند مورخ ربیع ۹۲۳) می خوانده اند و از اینها وصف کرده اند:

سرکار با برگات تقوی شعرا مالک راه یقین خداوند و مخدوم سلاطین الزهاد و العباد حضرت مفخرالعرفاء والفقراء والصالحين قدوة الفقراء قطب العارفین والصالکین و المحققین زیدۃ المشایخ والصلحاء والمشترعین والمتورعین تاج الملأ والعق والدین افتخار المتورعین قدوة (عمدة) العارفین والصالکین المخصوص بینظر (معنایت) رب العالمین درویش حسن ابوالحسین (یا) بلحسین (یا) ابن مرحوم ابوالحسین (سند مورخ ۱۳۵۴) بجنبه نام پدر اوست که در دنبال نام بسیاری از این خاندان این کلمه آمد و آنها را ابوالحسین و بلحسین هم میخواندند اند.

در سندهایی که در بود او نوشته شده در دنبال نام او آمد: «ادام الله انفاسه و برکاته الشريفة، ادام الله انفاس برکاته، دام ورمه، زیدت برکاته، زید فقره، دام سعادته»

در سندهای پس از درگذشت او دعاهاي «نور الله مرقله، قدمن سره، جتاب رضوان متاب نور مرقده» دیله میشود، پس اورا عارف و پارسا و پیرهیز گاری ارجمند میدانسته اند. این را میدانیم که درویشان گروهی بودند صوفی مشن که در طبرستان میزیستند و در هر شهر آن دسته ای از آنها بوده اند. در تاریخ طبرستان مرعشی بارها باهن نام درمیخوریم بلکه در وقت نامه مظفر بتکچی هم از آنها یاد شده است. از این رو است که درباره تاج الدین حسن ولی هم درویش گفته اند چه در سندهای مورخ ۱۳۲۰ ج ۱۰۶ تا شوال ۱۳۲۸ ازاو بنام درویش حسن یاد گشته و عنوان سیاست باو داده نشده است و گویا در آن زمانها بعلم و عرفان و پارسانی بیش از نسب ظاهری ارج مینهاده اند ولی در سندهای بعدی اورا «سید» خوانده اند چه:

۱- در سند مورخ شوال ۱۳۲۷ آمد است: «مزار کثیر الانوار سید تاج الدین حسن ولی».

۲- در عنوان سند مورخ شوال ۱۳۲۹ آمد است: «درویش سید حسن ولی».

۳- در سند مورخ ج ۱۰۹۱ آمد است: «سرکار سیدالصالکین و پرهان الاتقیاء والمحققین سید تاج الدین حسن ولی الله».

۴- در سند مدد ۱۳۲۹ آمد: «سیدالحسین التمجیب شیخ شیوخ الزاهد رفیع-الدینی والدین امیر سید حسن طاب ثراه».

۵- در سند مورخ وجوب ۱۱۱۸ آمد: «سرکار حضرت سیدالصالکین و قطب العارفین».

۶- در سند مورخ شوال ۱۱۲۳ آمد: «سرکار سید حسن علیه الرحمه».

۷- در سند مورخ ۶ رجب ۱۱۵۰ آمد: «سرکار مزار کثیر الانوار سیدالراشدین و افضل المرتضیین والمحققین سید حسن ولی علیه الرحمه».

۸- در سند مورخ ۱۱۵۷/۱ آمد: «سیدالصالکین سید حسن ولی».

۹- در سند مورخ ۱۱۲۹/۲ آمد: «آستانه سرکار قیض آثار قطب الصالکین امام زاده و اجب التعظیم والتکریم سید حسن ولی».

۱۰- در سند مورخ ۱۲۱ آمد: «سید حسن ولی».

۱۱- در دو سند مورخ ۲۳ محرم ۱۲۵۵ و ۱۲۷۱ آمد: حضرت هدایت پناهولایت دستگاه ارشاد شعار حقیقت آثار الصالکین مسالک ربانی ناسک مناسک سیحانی تاج الملأ والحق والدین سید حسن ولی طیب الله ثراه و جمل الجنة مثواه».

بیشکش به تبرستان ۱۲- در سند مورخ رجب ۱۲۸۸ آمد: «ارشاد شعار... ربانی طیب الله ثراه آقا سید حسن ولی».

www.tabarestan.info

۱۳- در سند مدد ۱۳۱۵ و ۱۴۵ آمد: «حضرت آقا سید حسن ولی».

۱۴- در سند مورخ ۱۳۰۷ آمد: «قطب الاقطب و زیدۃ اولی الالباب حصور از ساده من اولاد برگزیده حضرت احدی آقا سید حسن ولی علی آیائه سلام الملک الخفی و الجلی».

۱۵- در سند مورخ ۱۳۱۴ آمد: «جناب مستطاب قطب الاقطب آقا سید حسن ولی و علی اجداده المعصومین سلام الملک الخفی و الجلی».

۱۶- در سند مورخ ج ۱/۱۳۰۰ آمد: «قطب الصالکین سید حسن ولی علیه السلام».

در بیانی از سندهای اخیر دیگرهم از او بعنوان «سید» یاد گشته است.

مرحوم حجت بنگارنه گفته است که سید حسن ولی در ۷۲ سالگی باش ۸۶ در گذشته است. این تاریخ باید درست باشد چه بر در و رودی همین آستانه تاریخ ۸۶ ذقی ۲۰ می ۱۳۶۸ ویرضندوق آن تاریخ محرم ۸۶۸ کنده اند و نباید تا گذاردن در آستانه از مرگ او بیش از یک مالی گذشته باشد و قبله هایی که در بود درویش حسن ولی نوشته شده از تاریخ ۸۲۲ است تا ۸۶۰ و قبله مورخ ۸۷۸ تاریخ آن دست خورده می نماید.

در سند مورخ شعبان ۸۴۲ از «مفخرالقراء والصلحاء افتخارالمتورعین درویش محمد بنالحسین» یاد شده که گویا برادر درویش حسن ولی باشد.

در سند مدد ۹ از «درویش علی» برادر او و درویش الباس فرزند درویش علی و از درویش محمد و فرزندانش یاد شده و از این سند گویا بر میاید که درویش محمد هم برادر اوست و خود او اموال خویش را باتها داده و خود فرزندی نداشته است.

در سندهای سورخ ع ۹۷۳/۲ و سورخ ۹۷۵ از «درویش علی لبن الموصوم» درویش حسین ابوالحسین، یادشده و نوشته شده که هم زمان با ملک یهمن بوده است. این یکی پیداست که برادر او نیست.

این آستانه در سندها «آستانه مزار کثیر الحقایق و کثیر الانوار» و «آستانه نورانیه» و مانند آستان قدمی رضوی و آستان شاهزاده عبدالعظیم حسنی «سرکار فیض آثار» خوانده شده و بارگاهی در آن هست که اکنون تعمیر و مرمت گردیده اند بالواح و کتیبه ها و نوشته هایی که اینک برمی شمریم:

۱- در لیة در روودی آستانه درویش تاج الدین حسن ولی چنین کنده شده: «ذر حضرت افادت پناه عدالت دستگاه معز الدلوه والدین امیر حسین کیا ابن المرحوم السعید الامیر الكبير المتوفی بجوار الملک الولی سید الحق والدین امیر غفران خدابده... فی دوام دولته وعدالته طاب ثراه فی عشرین شهر ذی القعده منته ست و سین و ثمانعائمه عمل استاد بایزید ابن استاد محمد نجار جیلارودی».

۲- در جبهه شرقی صندوق درونی همین آستانه در بالا پنین کنده است: «ذر کرده امیر اعظم امیر حسین بن امیر داود طاب ثراه فی تاریخ محروم سنّة ثمان و سین ثمانعائمه».

در پایین آن کنده اند: «عمل استاد علی بن محمد مطالبان اترهای».

۳- لوح سنگی کنده کاری شده ای روی زمین بوده که اکنون از جایش برداشته و در جای دیگر گذاشده اند. این لوح دوره ای است در یک روی آن در بالا آمده «سفید کرد این [مقبره را] درویش بابو محمد شاه» در میانه آن آمله «درویش اویس سنّة ۱۰۳۲، آنچه در پایین آن کنده اند اینک مایده شده است.

در روی دیگر این سنگ آنچه بر جای مانده و تو ایستم بخوانم ایست: «هذا قی مرقده».

۴- لوح سنگی دیگری در آنجا هست و در آن کنده اند «وقات المرحوم استاد کمال الدین نجار سنّة ۱۱۰۶».

۵- در لوح منگی دیگر که شکسته شده چنین کنده شده است: «وقات المرحوم میرزا محمود ولد مرحوم میرزا زین العابدین خان لاریجانی».

۶- زیارت ناسه دوره ای بخط امیر محمد علی [بن مید معلم مقیم] حسنه لاریجانی نیاکنی ابوالحسین متخلص و شهیر به مرکب در این آستانه هست که در هفتاد سالگی

نوشته و فرسوده وصالی شده است و دو یک روایت تاریخ آن تنها رقم ۹، مانده و شاید ۱۲۲۹ باشد.

این مرکب همانست که نامش در دو سند مورخ ۱۲۵۰ و ۱۲۷۱ آمده و از آن دو بر می آید که او از طرف حاجی ملامحمد جعفر استرابادی بواسطت ملاعلی محمد هزارجریبی متصدی موقعات این آستانه بوده و مأمور شده بود که منافع آنها را بستیاری سید علی درویش مدعاً تویت تولیت بارث بمصرف برساند.

مجموعه ای در دانشگاه تهران بشماره ۲۸۲ هست بخط همین مرکب مورخ

۱۲۳۵ و ۱۲۳۹ که در آن صحیفة الانام او و رساله ای در مرکب مازی گویا از هموروج تھفظ ائمّه منظوم سید نعمة الله فکرت لاریجانی با طالب دیگر در آن دیده می شود (فهرست دانشگاه ۲۳: ۳۲۰۱) او از شاگردان ملامحمد جعفر استرابادی بوده است.

۷- لوح مرمر کنده کاری شده ای بدیوار شمالی نصب بوده و اکنون از آنجا برداشته اند و گفته ام در جایش دوباره بگذارند.

در آن تاریخ در گذشت متبیجه خانم سادر سیر محمد علی (گویا همان مرکب) در روز سه شنبه ۱۷ محرم ۱۲۴۵ دیماه قدیم (یزد گردی) ۱۲۴۷ دیده می شود.

۸- در اوح مرمری که بدیوار بوده و اکنون برداشته اند در جای اندود رجای دیگری است تاریخ مرگ میرزا ابراهیم پسر میرزا محمد علی (گویا همان مرکب) در روز پنجم شنبه ۲۵ صفر ۱۲۴۷ (رقم ۷۷ «ساییده شده») کنده شده است.

۹- در لوح سنگی که در آنجا هست تاریخ مرگ میرعباس پسر حاجی میرآقای نیاکی در ذی الحجه ۱۲۴۳ کنده شده است.

۱۰- در روی صندوق سید علی یاد درویش علی که باید برادر درویش حسن ولی باشد و اکنون «سید عالی» می خوانند چنین کنده شده است: «بانی این بنای خیر تصریح الحسنی بدستیاری استاد غلامعلی و مشهدی یعقوب علی اتمام پذیرفت سنّة ۱۲۹۴».

درویش تاج الدین حسن ولی بگواهی سند سورخ ۸۳۲ مالک روستای نیاک بوده و بگواهی استاد دیگر رقباتی هم خریده و املاک و اسباب و گوستنده داشته و بسیاری از املاک خود را بگواهی همین استاد وقف کرده است.

او دوازده خروار تخم انشان از زینهای خود را برادرش درویش علی و پسر او درویش الیام داده و دوازده خروار دیگر به درویش محمد و فرزندانش بخشیده بود.

بگواهی سند مورخ ۱۲۵۵ و ۱۲۷۱ و ۱۲۵۵ وقف نامه او که ناگزیر طوماری دراز میبوده است در مال ۱۲۵۵ در درست تبوده است. چه شده و چه کرده اند نمیدانیم. برس رسانها است که آن را با صنهان برده اند؛ شاید هنگامی که بتظلم به دیوانها موقوفات صفوی مراجعت می کرده اند در آنجا گذاشته اند یا بعد گم و نابود کرده اند و شاید هم روزی مانند وقف نامه سعدیه کاشان و جامع الخیرات یزد از زیرخاک و آوارخانه های نیاک بیرون بیاید. از اینروی رقبات موقوفه درست معلوم نیست که چه ها است و چه تغیراتی در آنها رخ داده است. در دو سند یادشده سیزده رقبه برشمرده شده همچنانکه در ایندو هشت گونه مصروف برای آنها می بینیم.

یکی از وجوده مصارف موقوفات درویش حسن ولی «اطاق سرا» است که مهمانسرایی بوده و هر کسی که در روستای نیاک میامده سه شبانه روز در آنجامی توانست بماند و همان آستانه باشد. نام این مهمانخانه را نمیدانم خود اوچه گذاشته است. این مهمانسرای درنامه کهنه که چند سطیر از آن مانده و در پشت آن مهر مورخ ۱۲۶ دیله میشود « وناقه سرای حضرت درویش » خوانده شده است. این جایگاه در سند مورخ ۹۴۳ « اتاق سرای درویش حسن ولی » و در سند مورخ ذق ۱۰۲۲ « اطاق سرای و در سند مورخ ذق ۱۱۰۲ « تکیه سید حسن » و در سند مورخ رجب ۱۱۱۸ « اطاق سرا » خوانده شده است.

چنین بنیادهای خیر و نیکوکاری در میانه مسلمانان معمول بوده و در جامع الخیرات بماندان همچون رباط و خانقه و دارالسیاده بر میخوریم که رکن الدین محمد یزدی در شهرستان یزد وقف کرده بود و در همین کتاب (ص ۱۱۰) آنکه هرمسافری می تواند روز در خانقه بماند و بذریابی شود.

در طالقان هم تکیه هایی بوده که بی نوایان و درویشان و رهگذریان و مسافران در آنجا می مانده اند و فرمانهای بسیاری از یادداشان صفوی درباره آنها صادر شده است (فرهنگ ایران زین جلد ۱۲ ص ۲۶۸).

چنانکه گفته ایم درویش حسن ولی رقباتی را وقف کرده و باید طومار وقف نامه ای توشه باشد. این طومار گویا در ۱۰۰۱ در دست نبوده و در همین سال است که در تولیت موقوفات نزاع شده بود. در ۱۲۵۵ که بیقین آن را نداشته اند ولی در سند مورخ ۱۳۰۷ از « وقف نامه » و « صحیفة الوقف » یادشده است. آیا این وقف نامه را بیندازند با اینکه مراد صورت مجلسها و استاد دیگر است.

- متولی موقوفات که و با چه شرایطی باید باشد نمیدانیم. نام برخی از متولیان چنانکه از استاد برماید بدبختگونه است:
- ۱- نزدیک ۸۹۶ گویا درویش حسین متولی رقبات وقفه اتاق سرا بوده است (نامه دارای مهر ۸۹۶).
 - ۲- درسال ۱۰۱۰ در تولیت « بقعة اتاق سرای درویش حسن ولی در لاریجان که بر صادرین و واردین وقف نموده است » میان « شریعت مأب تقی ایاب قاضی فضل الله » و بستگان درویش گفتگوشده بود و قرارشده که « مادات و قضاط و عدول مومنین و ارباب بیشکش به نتوهالی و کدخدایان » در این مورد بروسی و حکومت کنند (سند مورخ ۱۰۱۰ صفر ۱۰)
 - ۳- در ۱۰۳۹ و ۱۰۴۰ درویش میرزا گویا متولی بوده است چه در میان سندهای سندهای ۱۱ یکی تقسیم نامه درویش میرزا است که تاریخ ۱۰۴۲ دارد و او همان است که در چند سند مسخر از آن مانده و در پشت آن مهر مورخ ۱۲۶ دیله میشود « وناقه سرای حضرت درویش » خوانده شده است. این جایگاه در سند مورخ ۹۴۳ « اتاق سرای درویش حسن ولی » و در سند مورخ ۱۰۳۹ « بقعة اتاق سرای درویش حسن ولی » و در سند مورخ ذق ۱۰۲۲ « اطاق سرای و در سند مورخ ذق ۱۱۰۲ « تکیه سید حسن » و در سند مورخ رجب ۱۱۱۸ « اطاق سرا » خوانده شده است.
 - ۴- در ۱۰۶۸ و ۱۰۹۶ تولیت یا سید درویش میرزا علی بوده است.
 - ۵- در ۱۱۰۹ ۱۱۱۷ و ۱۱۲۹ میر محمد زمان پسر میر عبداللطیف حسینی لاریجانی متولی رسی بوده است.
 - ۶- در ۱۱۳۰ ۱۱۴۹ ۱۱۵۷ و ۱۱۵۹ پسران او میر عبداللطیف و میر محمد مقیم و میر بهاء الدین تولیت داشته اند.
 - ۷- در ۱۲۱۱ درویش میرمحمد رضا متولی بوده است.
 - ۸- در ۱۲۵۵ چون دیدند که وقف نامه ای در دست نیست بلستور شریعتدار استرا بازی تصدی موقوفات با واسطه میر محمد علی مرکب نیا کی لاریجانی به سید علی درویش که مدعی تولیت بارث بوده است داده شده بود.
 - ۹- در ۱۲۸۸ و ۱۲۹۶ تولیت شرعی بامیدر رضای نیا کی بوده است.
 - ۱۰- در ۱۳۰۷ ۱۳۱۴ و ۱۳۰۷ تولیت در دست سید اسد الله پسر میر عباس بوده است.
 - ۱۱- در ۱۲۲۱ تولیت را پسرش سید محمود داشته است.
 - ۱۲- در ۱۲۲۱ و ۱۳۲۹ سید محمد صالح متولی بوده است.
 - ۱۳- در ۱۳۷۵ سید محمود ابوالحسین نیا کی تولیت را داشته است.

- ۱۴- وقف نامه های حاجیه خانم تاج ماه بیگم دختر میرزا بزرگ قائم مقام سو رخ ۹۵۷ و ۹۹۷ است (شیوه ۲۹۸۷ دانشگاه).
- ۱۵- وقف نامه حاجی میرزا موسی خان در ۱۲۵۰ و حاجی ستم بیک ایشک آقاسی شیوه پسرش میرزا علی مشکات الملک در ۱۲۷۵ همه اینها در تبریز (دانشگاه ۵۰.۲۷) در دست سادات شیرنگ کنول در استرآباد بوده است (ص ۸۰۱ و ۱۷۰ ترجمه فارسی).
- ۱۶- وقف نامه آذربایجان که از اردبیل و مشکین شهر آغاز میشود بخط نستعلیق و سیاق و بساخت دفتر محاسبات (فیلم ۲۰۰۰ دانشگاه).
- ۱۷- وقف نامه قرآن عقی قلی خان (دانشگاه ۲۴۰۴/۱).
- ۱۸- فرمان در باره وقف بودن روستای سید کلایه مستعار برای مزار سید فضل الله با تولیت میرجمال الدین نواده او مورخ صفر ۱۰۰۸.
- ۱۹- وقف نامه شاه عباس در اصفهان مورخ ۱۰۱۳ (دانشگاه ۲۸۱۷).
- ۲۰- وقف نامه میرزا محمد صادق پسر میرصدراالدین محمدوزیر آذربایجان و کاشان و فارس برای مسجد طالبیه تبریز مورخ ۱۰۶۸ (نشریه ۴۱۶۹ و ۳۶۰:۴) که در اینجا از چند وقف نامه دیگر از نیمة دوم سده ۱۳ هم یاد شده است.
- ۲۱- وقف نامه میرزا رضا نوشتة آفاح‌شنامه مورخ ۸۲ در اصفهان (دانشگاه ۲۸۱۳/۱۹۹۷).
- ۲۲- وقف نامه ظهیریه از سردار ابراهیم ظهیرالدوله وزیر آذربایجان در زمان شاه سلیمان برای مرقد شاه عیام مریوط بقم و اصفهان و آستانه سید حمزه در سرخاب تبریز مورخ ۱۰۹۰ (نشریه ۴۲۶:۴).
- ۲۳- وقف نامه اعتمادالدوله شیخ علی خان زنگنه برای مدرسه همدان مورخ شعبان ۱۱۰۰ (دانشگاه ۴۴:۱۱۰).
- ۲۴- وقف نامه او مورخ ۱۱۱۰ (فیلم ۲۱۸۱ دانشگاه).
- ۲۵- وقف نامه شاه سلطان حسین صفوی مریوط به رساله و کتابی مورخ ۱۱۱۳ (دانشگاه ۱۴۰۹/۱).
- ۲۶- وقف نامه او بخط میرزا احمد نیریزی مورخ ۱۱۲۹ (شماره های ۸۰۴۹ و ۸۰۵۰).
- موزه ایران باستان - نشریه ۲۱۷:۲۱۸۲).
- ۲۷- وقف نامه محمد تقی خان برای مدرسه جدیده خانیه محله تبریزیان شهر بزد مورخ ۱۱۸۸ (نشریه ۴۶۹:۴).
- ۲۸- وقف نامه یونس بیک لاریجانی در آمل مورخ ۱۲۳۷.
- ۲۹- وقف نامه اهرستان بزد مورخ ۱۲۰۹.

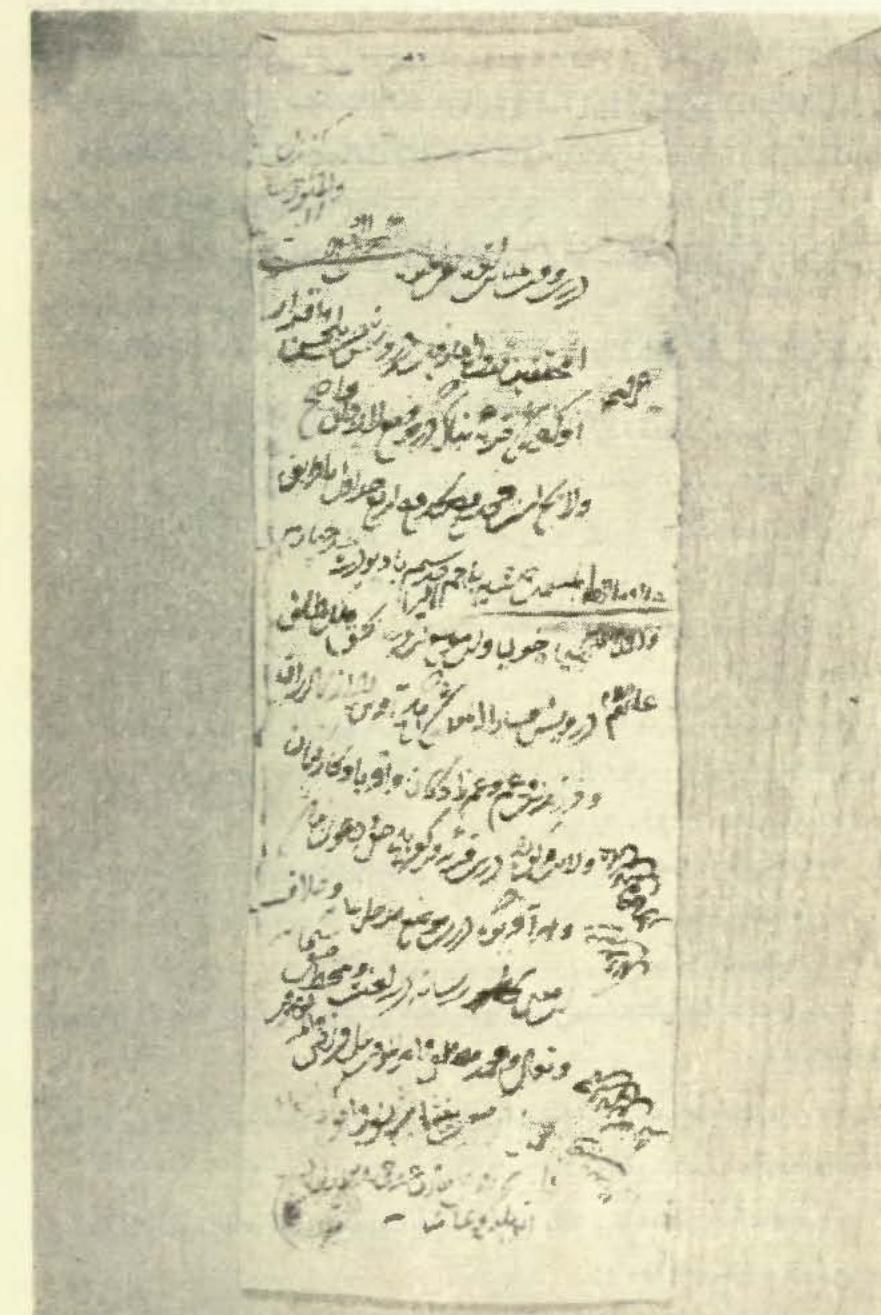
۳۰- وقف نامه های حاجیه خانم تاج ماه بیگم دختر میرزا بزرگ قائم مقام سو رخ ۱۲۶۰ و وقف نامه حاجی میرزا موسی خان در ۱۲۵۰ و حاجی ستم بیک ایشک آقاسی شیوه پسرش میرزا علی مشکات الملک در ۱۲۷۵ همه اینها در تبریز (دانشگاه ۵۰.۲۷) در دست سادات شیرنگ کنول در استرآباد بوده است (ص ۸۰۱ و ۱۷۰ ترجمه فارسی).

۳۱- وقف نامه میرزا محمد صادق برای دکانهای بزد مورخ ۱۲۷۱ (تاریخچه وقف در اسلام علی اکبر شهابی ص ۶).

۳۲- وقف نامه میرزا هاشم خان وکیل الرعایا برای مسجد پیروزگر اردبیل مورخ ۱۳۱۷ (همانجا ص ۲).

اینکه چند طقرا منته آستانه سرکار فیض آثار تقوی شعواری قطب العارفین خداوند مخدوم درویش تاج الدین حسن ولی را در اینجا می آوریم:

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info



قباله چهارحد نیاک مورخ ۸۲۲/۱ ج ۲۱

قباله چهارحد نیاک

در این وقت... قطب المتصوّعين... المحققین قدوة العارفین درویش حسن بلحسین
و اقرار او کرده شد قریه نیاک که در موضع لاریجان واضح ولاجع است محدود بحدود اربع:
حداول با طریق المسلمين.

حد دوم با چم ایرا.

حد سیم بادیودره.

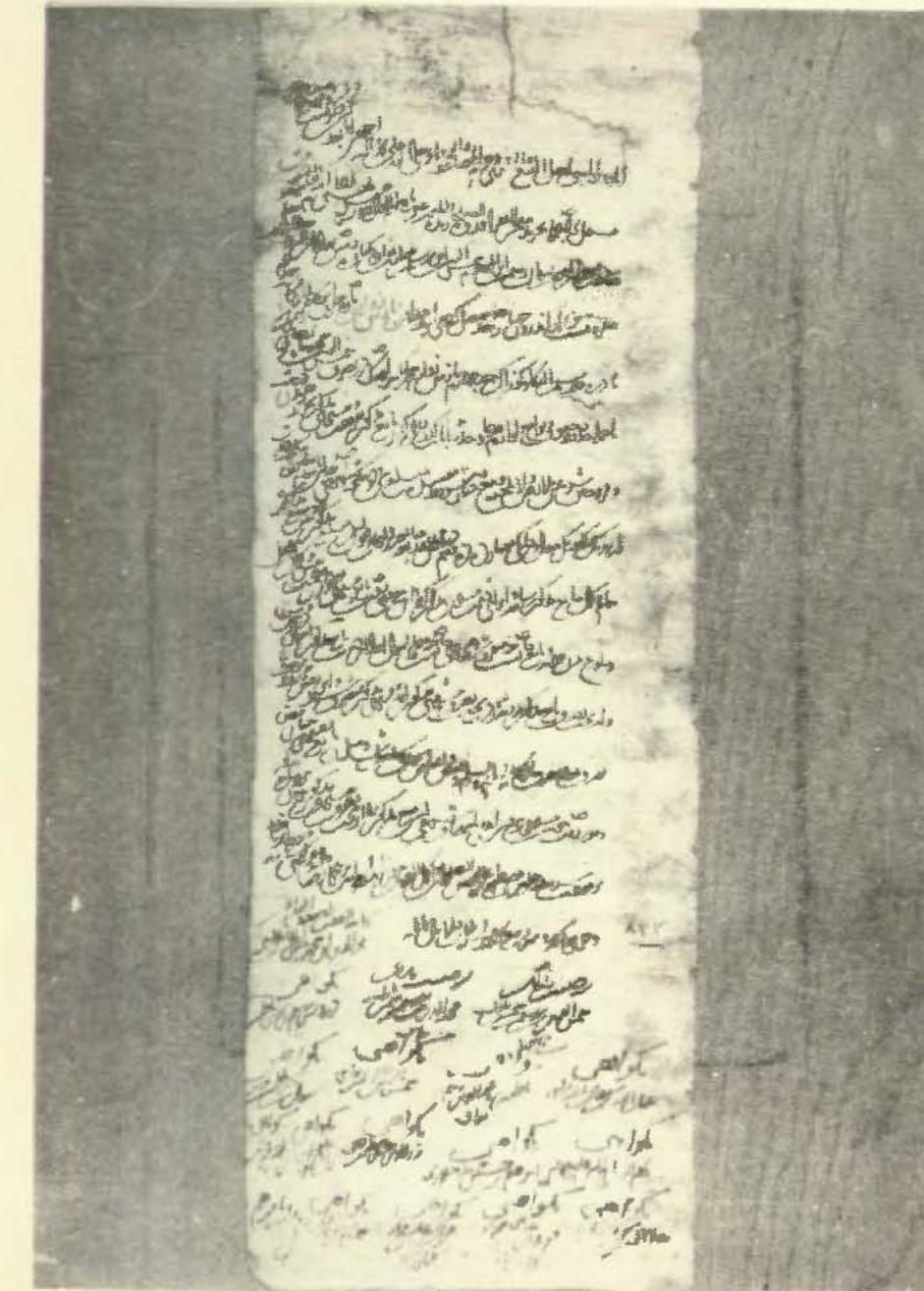
حد چهارم با سیاه خوئی.

بیشکش به تبرستان و این موضع مزبور را بحق ملک مطلق درویش مشارا لیه نموده شد
کلینی قریه مذکور هیچ حق و دعوی نیاشد و هر آنریده‌ای که درین موضع مدخل نماید
و خلاف این معنی بظهور برساند در لعنت و سخط حق سبعانه و تعالی و محمد مصطفی و
امیر المؤمنین علی مرتضی و ائمه معصومین بوده باشد... اعتماد نماید. تحریر این
فی حاجی عشرين جمادی الاولی لسنة ائمی ثلثین وثمانمائه.
مهرناخوانا.

رضیت بذلک محمدان بن امیر تقی ضماندار

رضیت بذلک علی بن امیر تقی ضماندار.

(با چند کلمه ناخوانا در هامش و متن)



سند دیده گیلاز مورخ ع ٨٢٣/١ نوشته فخرالدین ابن محمد جلال القاضی نوابی

الحمد لله الذي احل البيع والشرى وحرم المضاعفة والريوا . وصلى الله على محمد وآله اجمعين .

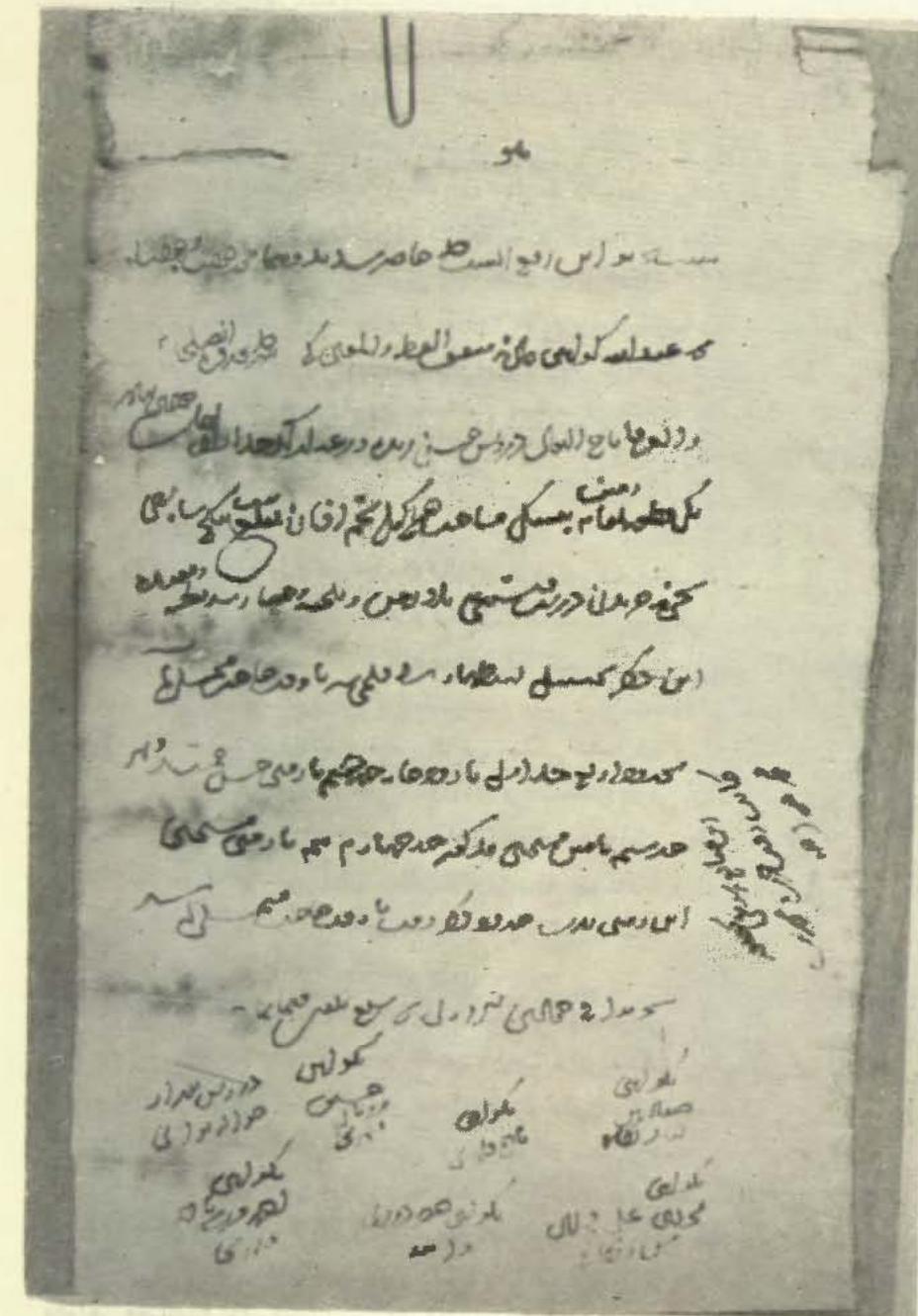
اما بعد این ذكريست واضح ومشروع مشتمل براین جمله که بغيريد فخرالقراء قدوة الصالحاء زيدة المتشرين عن تاج العلة والدين درویش حسن بلحسين ادام الله اقسامه از خدمت صاحب اعظم اقتحار زمان رسم این المرحوم شمس الدين این رسم باطیب نوابی یکیاره زمین که بنهاهه بست بد جلاز مفلی معروفست بزواراء اندرون چهارحد که متصل کرده می آید :

حد اول بازمن زواری تازه(؟) که بتصرف ابراهیم سلامی باشد ، حدود بادره ، حد سیم بالتكاو کوزاک ، حد چهارم بازمن زوار محمد کیا سراهنگ که درتصرف شمس الدين پیشکش به تبرس باع مذکور بفروخت و مشتری مذکور بغيريد خردمند دوست و فروختن شرعی بلا وهن ولا تلجه و بع خیار وشروط مفسدة . بعلق سی و دو تنکجه شاهرخی که نیمة آن باشد عیارهه هریک تنکجه یکت مثقال و دانگی بعيار ده ، وهم در مجلس عقد مبايعه بعذار ایجاد و قبول آن مبلغ که ثمن مبيع مذکور است تمام و کمال بایع مذکور رسانید و ایرای ذمت مشتری مذکور کرد .

واین بیع وقتی رفت که بایع و مشتری هردو در صحت نفس و کمال عقل وبلغ بدن بودند و باع داشت که چه بیفروشد و مشتری دانست که چه بیمی خرد و انتقال افتاد از دست بایع مذکور انتقال درست شرعی و از تحت تصرف بایع مذکور بدرشد و در تحت تصرف مشتری مذکور آمد و مشتری مذکور متصرف شد واین زمین محلنود موصوف را تصرف نمود تصرف مالکانه و تسلیم و قرض و اقراض جملگی حاصل شد و میان بایع و مشتری چنان معین و مقرر رفت که چون مستحق بیرون آید و باستحقاق شرعی آن مبيع مذکور از تحت تصرف مشتری مذکور بیرون برد بایع مذکور برموجب شریعت مطهر مصطفی علیه افضل الصلوت و اکمل التحیات بیرون آید و بطوطت بین جمله رضا دادند و راضی شدند و بقطع وسانیدند وجرى ذلك في شهر ربيع الاول لسنة ثلاثة وثلاثين وثمانمائة ، كاتبه الفقير الضيف الداعي فخرالدین بن محمد جلال القاضی نوابی .

وحيث بذلك : شمس الدين بن رسم شمس باطیب نوابی .

وحيث بذلك : محمد بن رسم شمس باطیب نوابی ، بکواهی درویش رسم بن یعنی باطیب نوابی ، بکواهی غیاث الدین بن سعال باطیب نوابی ، بکواهی باطیب ساعد الدین رسم نوابی ، بکواهی شمس الدين علاء الدين نوابی ، بکواهی سعال بن یعنی باطیب نوابی ، بکواهی حکیم الدين تاج الدين قاضی نوابی ، بکواهی ابراهیم بن حسین خطیب جلازی ، بکواهی نورالدین حسین خطیب جلازی ، بکواهی علی فخرالدین کثارنگامی ، بکواهی احمد فخرالدین کثارنگامی ، بکواهی علاء الدين کثارنگامی ، بکواهی فریدون بن علی فخرالدین کثارنگامی ، بکواهی فخرالدین علی فخرالدین کثارنگامی ، بکواهی شمس بن رسم کثارنگامی و کتبت باسمهم (دو پشت سند آمده : ملک ده گیلاز) .



سند مورخ ج ۱ / ۸۳۷ نوشتہ محمد بن محمد عبّة الله

مسبب براین رقمه آنست که حاضر شدند و هما محمد دولتشاه و دولتشاه محمد عبّد الله
گواهی دادند متفقاللطف والمعنى که سرکار قدوة الصالحاء والعرفاء تاج الدین درویش حسن
زینو رعه از کدخدا زاده اجل جمال الدین بهادر یکه قطعه زمین بعقام سکی مساحت
چهار کیله تخم افshan بصلع ییست تنکجه شاهرخی، بخرید خریدن درست و شرعی بلارهن و
تلجهه و خیار شروط مقدمة .

این ذکر بر سیل استنها را قلمی شد تا وقت حاجت متمسکی باشد.

بعد ده اربع :

حداول با روختانه .

حدویم با زمین حسن جمشید و تهر .

حد سیم با زمین مشتری مذکور .

حد چهارم با زمین مشتری .

این زمین پدین حدود ذکر رفت تا وقت حاجت متمسکی باشد.

تحریر افی جمادی الاولی سنه سیع [و] ثلثین و تمامانه .

بگواهی صدالدین گنارنگامی .

بگواهی تاج فلهری .

بگواهی حسین مرزبان فلهری .

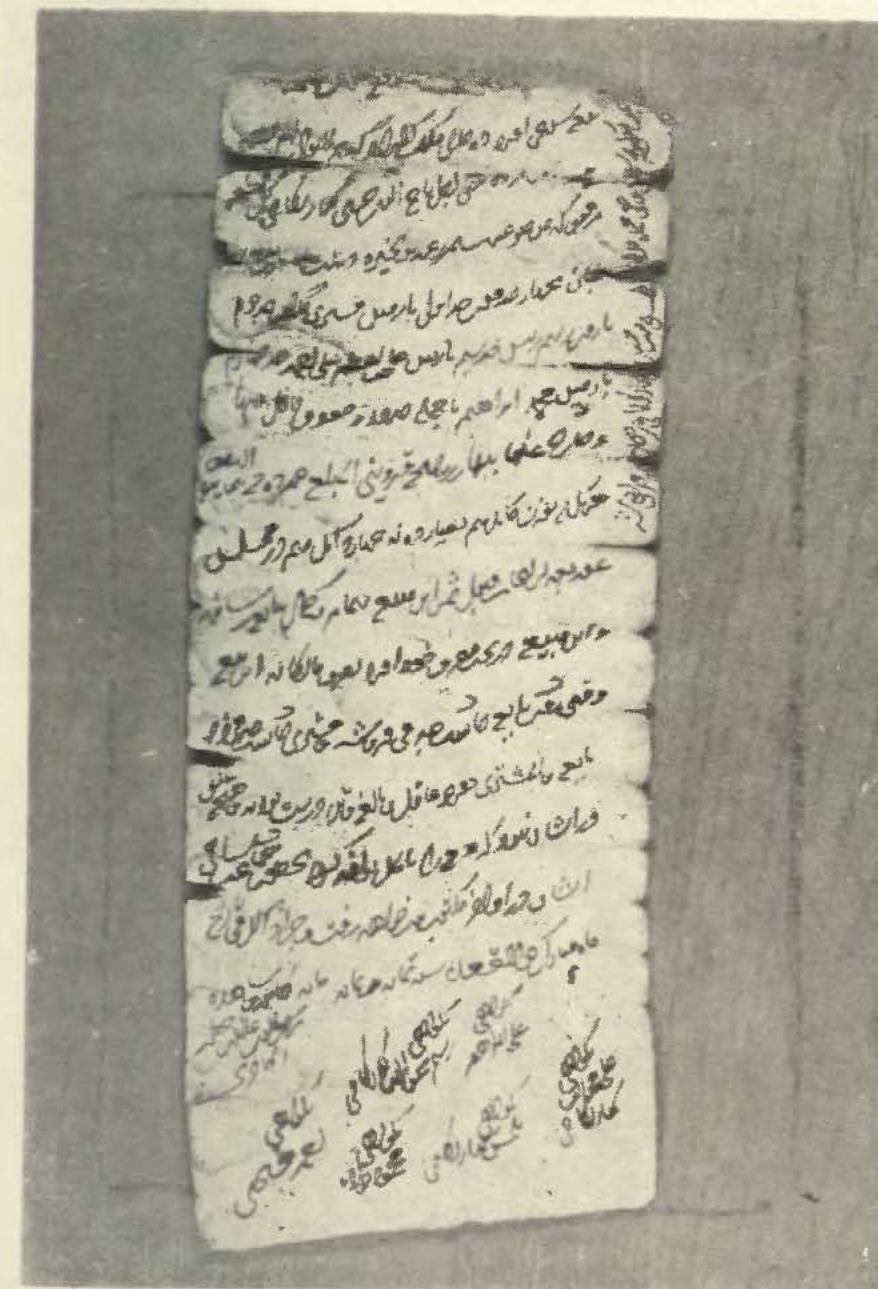
[بگواهی] درویش بندار حواله نوابی .

بگواهی فخرالدین علی فخرالدین گنارنگامی .

بگواهی خضردرزی واينهای .

بگواهی احمد مرزبان فلهری .

این مبایعه شرعی بحضور کاتب رفت، حرره محمد بن محمد عبّة الله .



سند مورخ ذق ۸۳۸ نوشته رکن الدین علاء الدین خطیب المهاجری

... بیع شرعی آورد ده خدای ملک ... کریم الابین امیرزاده محمد سالار(?) ... اجل
تاج الدین حسن کنارنگامی یک قطعه زمین که موضوعست بمزرعه بوالخیره داشت ... جان،
بچهار حد معین :

حداول با زمین مشتری مذکور.

حد دوم بازین رستم رئیس.

حد سیم با زمین صاحب اعظم علی احمد.

حد چهارم بازین محمد ابراهیم.

پیشکش به تبرستان^{www.tabarستان.info} با جمله حدود و حقوق داخل فيها و خارج عنها بهای زر رایج فروختی، المبلغ صد[و]
تکجه(?) النصف پنجاه[و] پنج تنکجه(?) هر یک بوزن کامل سیم بیار ده از پهار دانگ.
در مجلس عقد بعد از ایجاد و قبول ثمن این مبلغ بتمام و کمال پایع رسانید و
این میع در تحت تصرف خود آورد بطريق مالکانه .

این بیع وقتی رفت که پایع دانست که چه می فروشد و شتری دانست چه می خرد.

پایع و المشتری هردو عاقل و بالغ و تدرست بودند و هیچ علی در ایشان بود که

بیع را باطل قواند کرد بحضور جماعت که اسامی ایشان در اوآخر مکتوب ثبت خواهد رفت .

و جرا ذلك فی تاریخ ماہ مبارک ذو القعده سنة ثمان[و] ثلثین[و] شمانه .

کاتبه و شاهده رکن الدین علاء الدین خطیب المهاجری .

بگواهی علی ابراهیم .

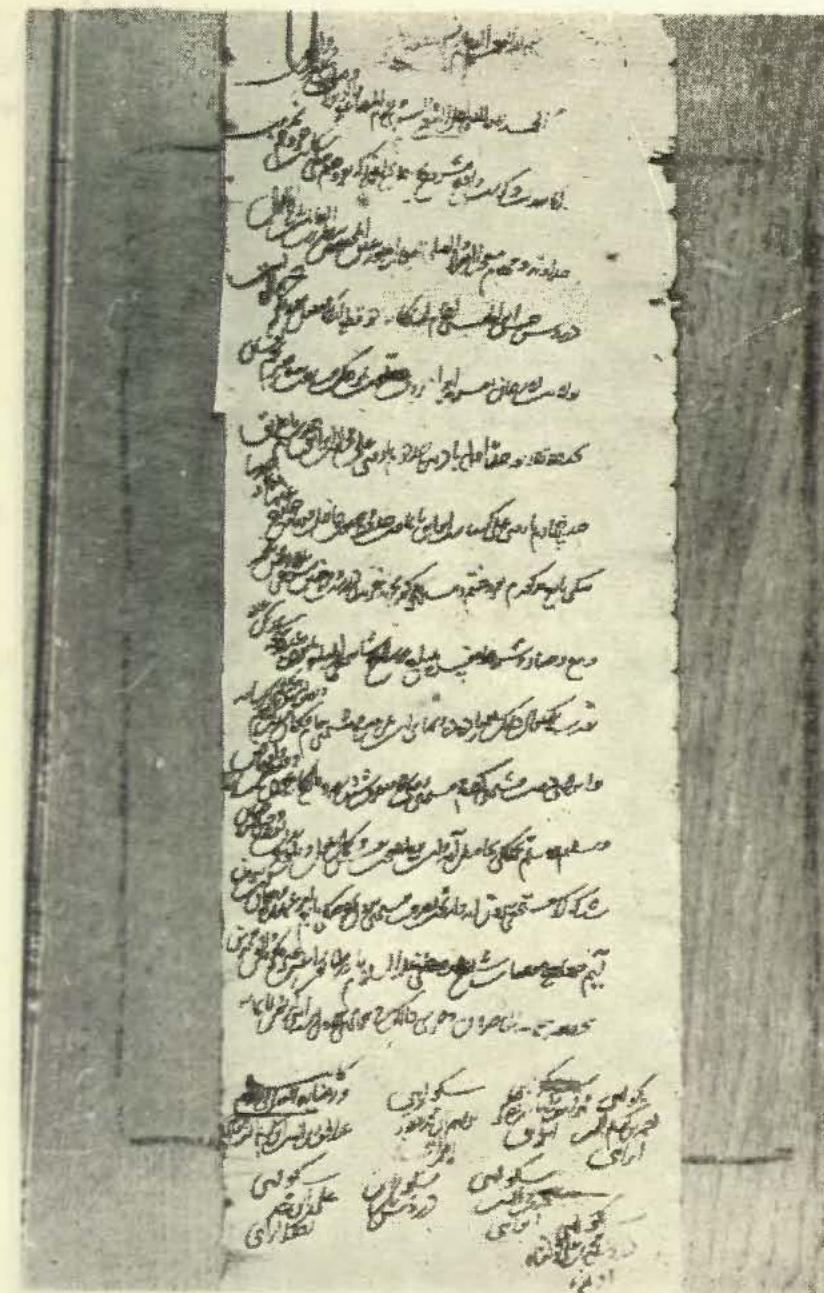
بگواهی رستم شمس الدین کنارنگامی .

بگواهی علی فخر الدین کنارنگامی .

بگواهی بحسن کنارنگامی .

بگواهی محمود حواله(?) .

بگواهی احمد جمال الدین(?) .



سند مورخ ج ۲/۸۴۲ نوشته عبدالحق زین الدین ابن کریم الدین القاضی

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين . العمدة الذي احل البيع والشرى وحرم المضاعفة والربوا وصلى الله على محمد وآلـهـ اجمعـينـ .

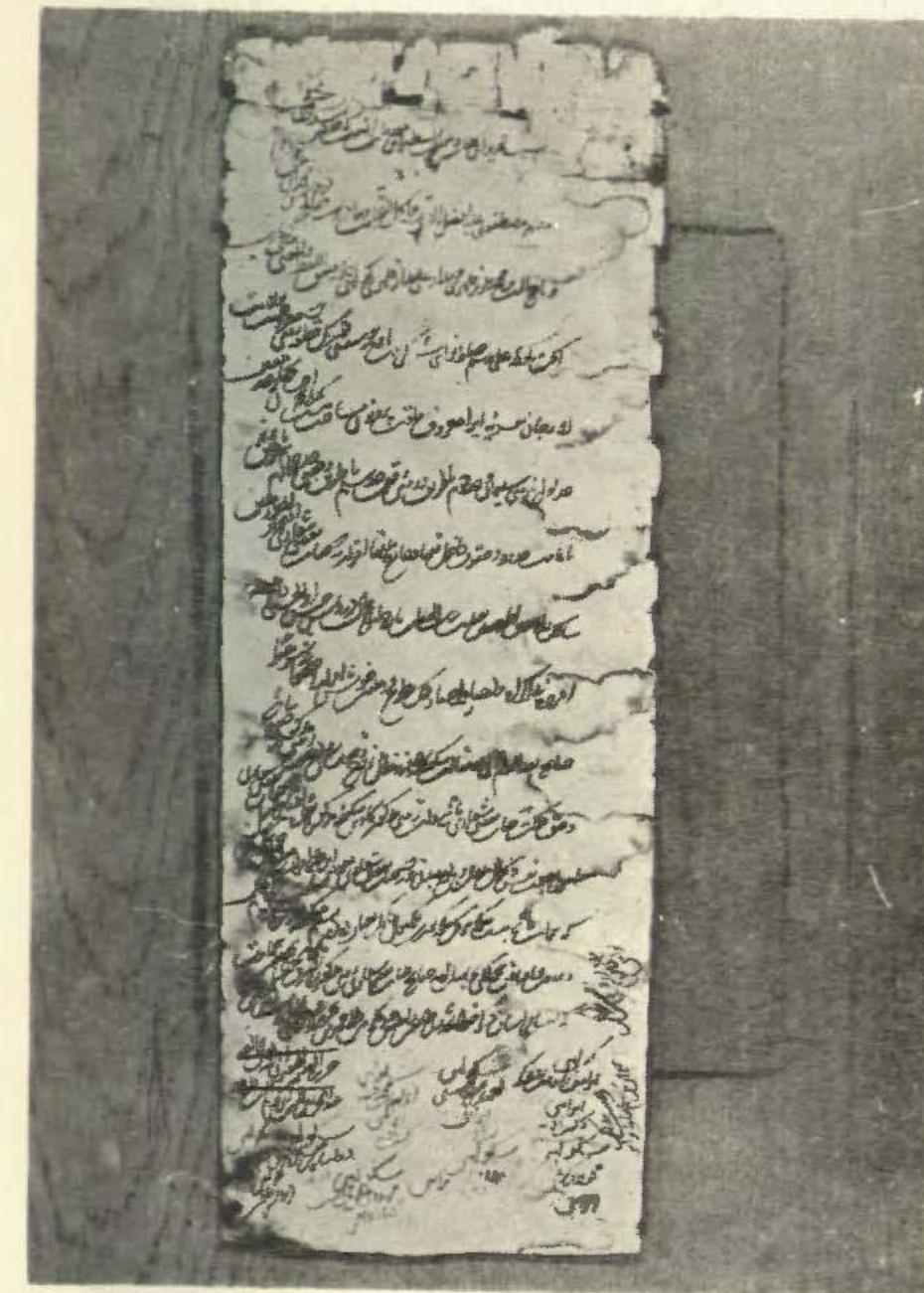
اما بعد این ذکریست واضح مشروع مشتمل براین جمله که بفروختم منکی کاتب حروفهم بخدمت خداوند و مخدوم مفتر الفقراء والصالحاء افتخارالمتورعين المخصوصون بنظر رب العالمین تاج الملة والدین درویش حسن ابوالحسین ادام الله بر کاته .

دو قطعه لئکا متصل همیگر که نهاده است بولايت لارجان بقیرية ابرا معروف وملقب به مرجک مساحت سه قفیر تخم افشاران بعدود اربعه :
بسکش به تبرستان
حداول بادهه .
حد دوم بازمن علی فخر الدین ایرانی .
حد سیم با طریق .
حد چهارم با زمین علی گشتاسب ایرانی .

با تمامیت حدود و حقوق داخل فيها و خارج عنها قدیماً و حديثاً .
منکی با یعنی مذکورم بفروختم و مشتری مذکور بخرید خریدن درست و فروختن شرعی بالارهن وتبلجة و بیع و خیار و شروط مفسدة ، بمبلغ زر رایج شاهرخی المبلغ پائزده عدد تنگجه و نصف آن هفت تنگجه نیم هریک عدد بوزن یک مثقال دانگ بعیارده .
ویهای آن نعم مبيع مشتری يتمام و کمال بمن که بایعم رسانید و ابرای ذمت مشتری کردم و مشتری زمین را متصرف شده و تصرف مالکانه نمود و قبض و اقراض و تسليم و تسلیم بجملکی بحاصل آمد .

و این بیع بصحت نفس و کمال عقل و بلوغ بدن بود و قرار چنان شد که اگر مستحق بیرون آید و از تحت تصرف مشتری بیرون برد منکی بایعم از عهده و ضمان آن بیرون آیم چنانکه موجبات شرع مصطفی علیه السلام باشد طایعین راغبین غیرمکرهین ولا مجربرین بحضور جماعة العاشرون، وجرى ذلك في جمادى الاول سنة اثنى [و] أربعين وثمانمائة .

کاتبه و رضاهه الفقیر الى الله الفتى عبدالحق زین الدین ابن کریم الدین القاضی .
بکواهی احمدبن کریم الدین ایرانی ، بکواهی نهراستین گشتاسب رود گرا ایرانی .
بکواهی ابراهیم این محمد رود گرا ایرانی ، بکواهی درویش محدثین علی دولتشاه اوشهه بی ،
بکواهی محمد فخر الدین ایرانی ، بکواهی درویش یار ، بکواهی علی این محمد رود گر ایرانی .



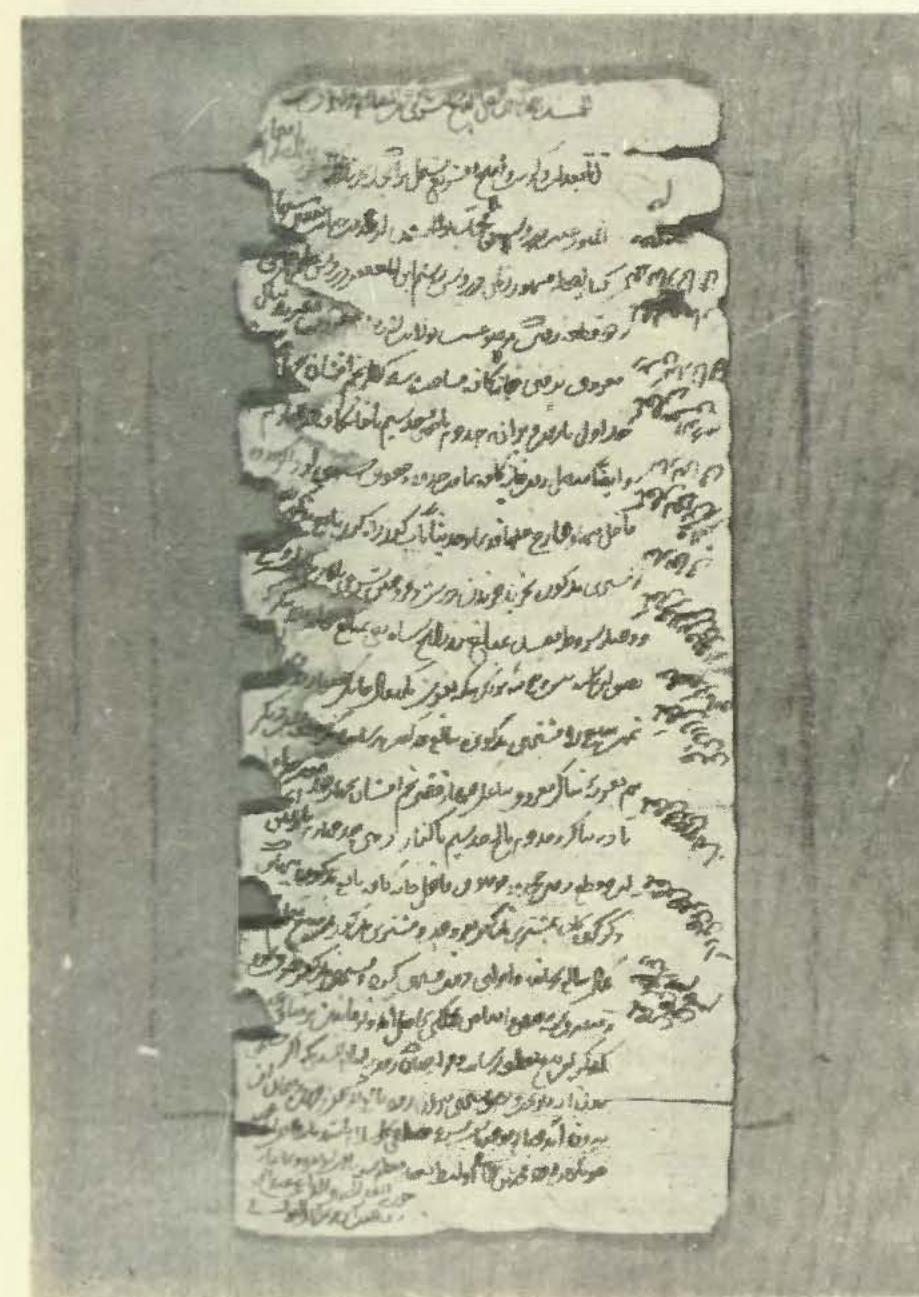
مند و رخ ج ۱/۸۴ نوشته عبد الحق بن زین الدین بن کریم الدین الناصی نوایی

سبب تحریر این کلمات و موجب تسطیر این مقدمات آنست که حاضر شدند... شرع مطهر
محطفی علیه افضل الصلوٰۃ و اکمل التحیٰات و هما درویش صالح درویش محمد این علی
دولتشاه و تاج الدین بن محمد عزیز فله‌ری و بندار علی بندار فله‌ری،
گواهی دادند متفق اللنفظ والمعنى مبنی دریاب آنکه منکوحة علی رسم خیاط نوایی
بنت بازید پوستین دوزیک قطعه زمین که مطرود است بولاٰت لارجان بقیره‌ایرا معروف و مقب
به درونون مساحت هشت کیله تخم افشار بچهارحد معین :

بیشکنند چهارم هم با طریق و زین وقف، حدیثم با طریق و جوی،
حداول با زمین سلیمان، حدودم با طریق وزین وقف، حدیثم با طریق و جوی،
بانقطعه حدود و حقوق داخل قیها و خارج عنها،

بازیابیم سر کار جناب تقوی شعواری افتخار المتصورین سالک راه یقین المخصوص بعنایت
رب العالمین تاج العلة والدین درویش حسن ابوالحسین دام و رعه آورده بی اکره و اجبار و
اجبار (۹) بلکه بطوع و رغبت خویش اقرار ام صحیحاً شرعاً چنانچه بعدالیوم تا الی یومنا
این منکوحة را و فرزندان و زوج و خویشان را در این زمین مذکور حق نباشد و حق ملکتسر کار
جناب تقوی شعواری باشد و این زمین مذکور کاوین منکوحة مذکور بوده و او باقرار سر کار جناب
تقوی شعواری آورده بصحت نفس و کمال عقل و بلوغ بدن و سر کار جناب تقوی شعواری
بعوض این همه و اقرار مبلغ چهل تنکجه شاهرخی که نیمة آن باشد بیست تنکجه هر یک
تنکجه بوزن یک مقال دانک بعیار دده تسليم منکوحة مذکوره نموده ب تمام و کمال و بغض
و اقبال بجملکی بحال آمد چنانچه جناب تقوی شعواری زمین مذکور را تصرف مالکانه نمود
بحضور جماعت که اسامی ایشان ذکرخواهد شد طایعین راغبین غیر مکرہین ولا مجبیرین .
تحریراً فی جمادی الثانی سنة ائمۃ اربعین وثمانمائة حرره الفقیر الحقیر الى الله تعالى الغنى
عبدالحق زین الدین این کریم الدین قاضی .

بگواهی له راسف این کشتناسب رود گر ایرانی و کتب باذنه ، بگواهی احمد بن خواجه
حسن ایرانی کتب باذنه ، بگواهی ابراهیم بن محمد رود گر ایرانی کتب باذنه .
بگواهی دولتشاهین حسن رئیس اونهه‌یی ، بگواهی رسم عزالدین رسم .
بگواهی محمودین کریم الدین ایرانی ، بگواهی علی فخر الدین ایرانی .
بگواهی فردون علی فخر الدین گنارانجامی ، بگواهی درویش باطیب .
روضت بذلك : جمال الدین رسم خیاط نوایی .
روضت بذلك علی بن رسم خیاط نوایی .



سند مورخ اوسط شعبان ۸۴ نوشته عبد العزیز زین الدین بن کریم الدین التوائی

الحمد لله الذي احل البيع والشرى وحرم المضاعفة والربوا [وصلى الله على محمداً وآله أجمعين]
اما بعد اين ذكرت سمت واضح ومشروع مستعمل براين جمله كه بغيريد مفتر الفقراء و
الصلحاء افتخار المتروجين درویش محمد بن الحسين از خدمت جنابه تقوی شعارات کیا اعظم
مشهور زمان درویش رسم این المغفور درویش علی حاجی،
دو تطلعه زین که موضوع است ولایت لارجان معروف به قریة نیاک معروف بزمین خانه کافه
ساحت سه کله تخم افشار بجهار حدود:

بیشکش بده و ایضا متصل زین خانه کافه تمامت حدود و حقوق مستغنى لود اکر حدود داخل
فها و خانه عنها قدیما و حدیثا باپ گذر [و] راه گذر بایع مذکور [بفروخت] و مشتری
مذکور بغيريد خریدن درست و فروختن شرعی بالرهن وتجلبه و بيع و خيار [و] شروط مفسدة
بعنی [و] رایج شاهرخی بمبلغ پنجاه عدد تنگه که نصف آن باشد پیست و پنج تنگه هر یک
تنگه بوزن یک مثقال دانگ بعيار ده [ده] وبهای ثمن مبيع را مشتری مذکور بایع مذکور
رسانید و یک قطعه زین هم بقریة نیاک معروف بیاغک چهار قیز تخم افشار بجهار حدیعين:
حد اول پادیه نیاک، وحدوم بالح، حدسیم باکناردهره، حدچهار بازمین ۰۰۰
اين دو قطعه محدود موصوف داخل خانه کافه بایع مذکور بیه [ی] که ذکر کردنه باشد
بمشتری مذکور بفروخت و مشتری مذکور ثمن بیع بتما [مو] کمال بایع رسانید و ایرای
ذمت مشتری کرد و مشتری مذکور تصرف نمود آ[ن را] و متصرف شد و قبض و اقاض
بچملگی بحاصل آمدواز جاتین برضاء و رغبت یکدیگر این بیع بقطع و مانند، و قرار چنان رفت
که را(؟) بایع المشتری که اگر مستحق بیرون آید و از تحت و تصرف مشتری بیرون رود بایع
مذکور از عهده و ضمان آن بیرون آید چنانچه موجبات شرع مصطفی علیه السلام باشد.
طايعین راغبين غير مکرہن ولا مجبرین فی تاریخ اواسط شیعیان معظم ستة ثلاث [و] اربعین
و ثمانمائة . حرر الفقیر العلیل الداعی عبدالحق زین الدین ابن کریم الدین التوائی .

بکواهی درویش حاجی ابن ابراهیم قاسم.

بکواهی خضرین حاجی راینه [ی]

بکواهی محمد علی دولتشاه .

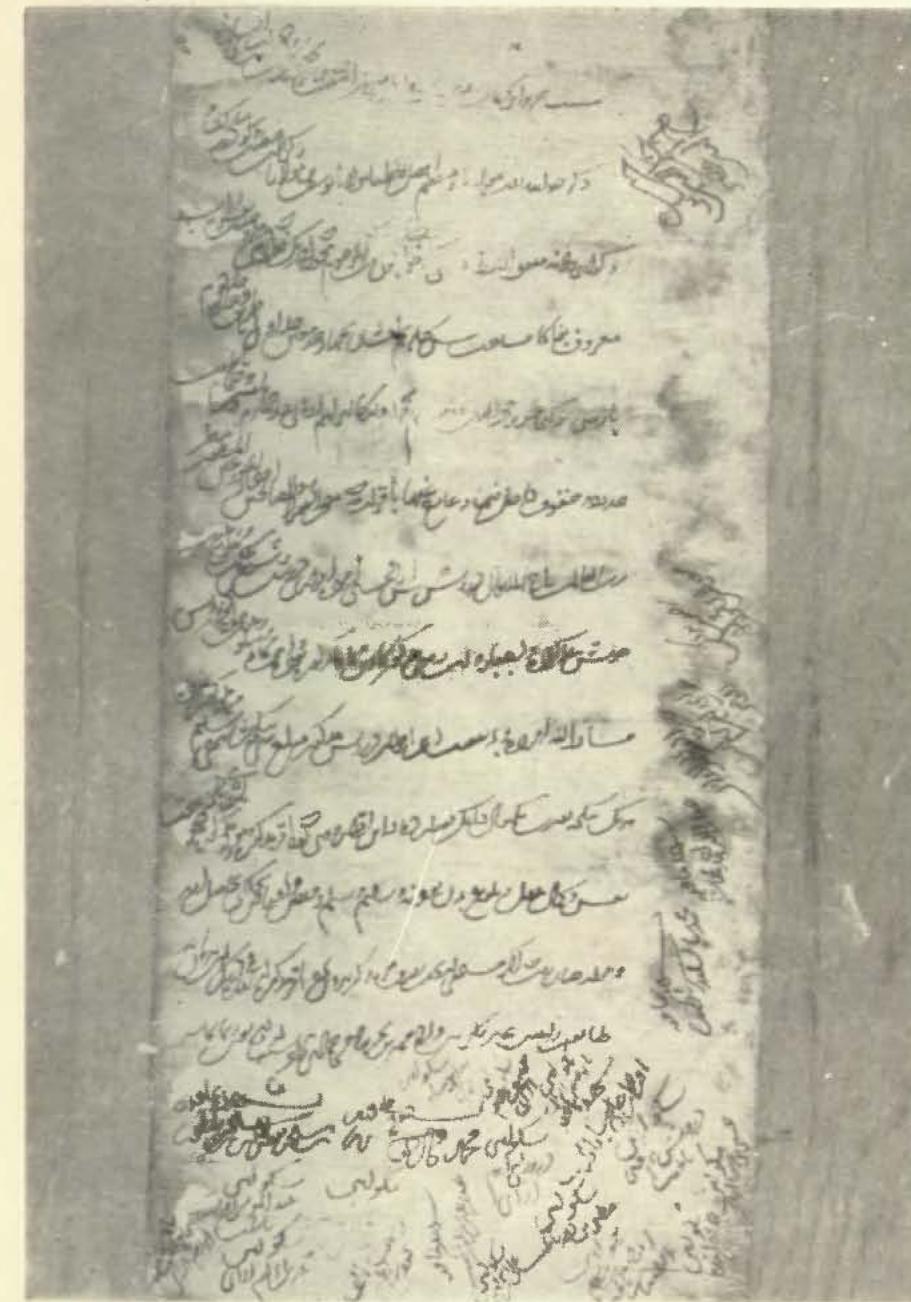
بکواهی درویش حسین بن محمود گرفتاری.

بکواهی فخر الدین بن علی فخر الدین کفار انجامی.

بکواهی احمد بن فخر الدین کفار انجامی.

بکواهی شمس الدین رسم رئیس کفار نعامی.

بکواهی استندیار احمد کفار انجامی . وغيرهم . و تم.



سند سورخ ج ۲ / ۸۴۴ نوشته عبد الحق زین الدین کریم الدین القاضی
با سجل حکیم الدین بن تاج الدین قاضی

سبب تحریر این کلمات و موجب تسطیر این مقدمات آنست که حاضر شدند بحضور
کاتب و جماعت که اسمی ایشان ذکرخواهند رفت، مولانا معلم افضل الخطباء مولانا
یوسف بن مولانا رکن الدین خطیب و گودرز مبارکشاه و گواهی دادند متفق الفاظ و المعنی
که منکوحة تا [ج الد] [بن محمد خواتون بنت المرحوم محمود احمد که یک قطعه زمین که
مطروحت بقریه آزاب معروف به فاکاساحت شش کیله تخم افشار بجهار وحد معین:

حداول باطریق و جاده، حد دوم بازمن مرگین عزیز فخر الدین.

حد سیم یا ... ولتکای ابراهیم آزادی، حد چهارم بامسجد و حمام.

با تمامیت حدود و حقوق داخل فیها و خارج عنها باقرار مرکار مقخر القراء والصالحين
افتخار بالمتورعين المنظور یتنظر رب العالمین تاج العلة والدین درویش حسن ابوالحسین آورده
اقراری درست و شرعاً بلکه بطوع و رغبت خویش بی اکراه و اجار و آن زمین کاوین مسماة مذکوره
بود و مین مسماة یوضا و رغبت خود اقرار درویش شمارا لیده آورده و بر این اقرار درویش
مذکور مبلغ سی تنگجه شاهرنی (بانزده تنگجه) تسلم مسماة مذکوره نموده و هر یک تنگجه
بوزن یک مثقال بمعیار ده. و این اقرار وقتی بود که اقر مذکوره و مقوله مذکور هرد و بصحت
نفس و کمال عقل و بلوغ بدن بودند و تسلیم و تسلم و قبض و اقباض بجملگی بحاصل آمد.
وقرار چنان رفت که اگر مستحقی از تحت تصرف مقر مذکور بیرون بود اقرا مذکور از
عهده و درک آن بیرون آید طایعین راغبین غیر مکرہین ولا مجبورین تحریر اقی جمادی الاخرسته
اربع واریعن وثمانمائة.

بگواهی علی عربشاه آزادی. بگواهی یوسف رستم آزادی.

بگواهی با بو رستم آزادی. شهید بمقایه افراسیاب علی شادباطیب.

بگواهی درویش رستم بعیی باطیب. بگواهی درویش ابراهیم آزادی. شهدبایه
محمد جمال الدین شرمد (۹) شهدبایه رستم بن شمس الدین شرمد (۹) باطیب.

بگواهی حاجی بن ابراهیم رئیس. بگواهی عبدال المؤمن افراسیاب باطیب.

بگواهی شجاع الدین بن ابراهیم آزادی. بگواهی محمد بن ابراهیم آزادی.

بگواهی محمود سالار آزادی. شهدبایه غیاث الدین سیف الدین باطیب.

بگواهی علی بن ابراهیم آزادی. بگواهی مطربین احمد باطیب.

بگواهی افراسیاب رستم افراسیاب باطیب. بگواهی علی فرنده.

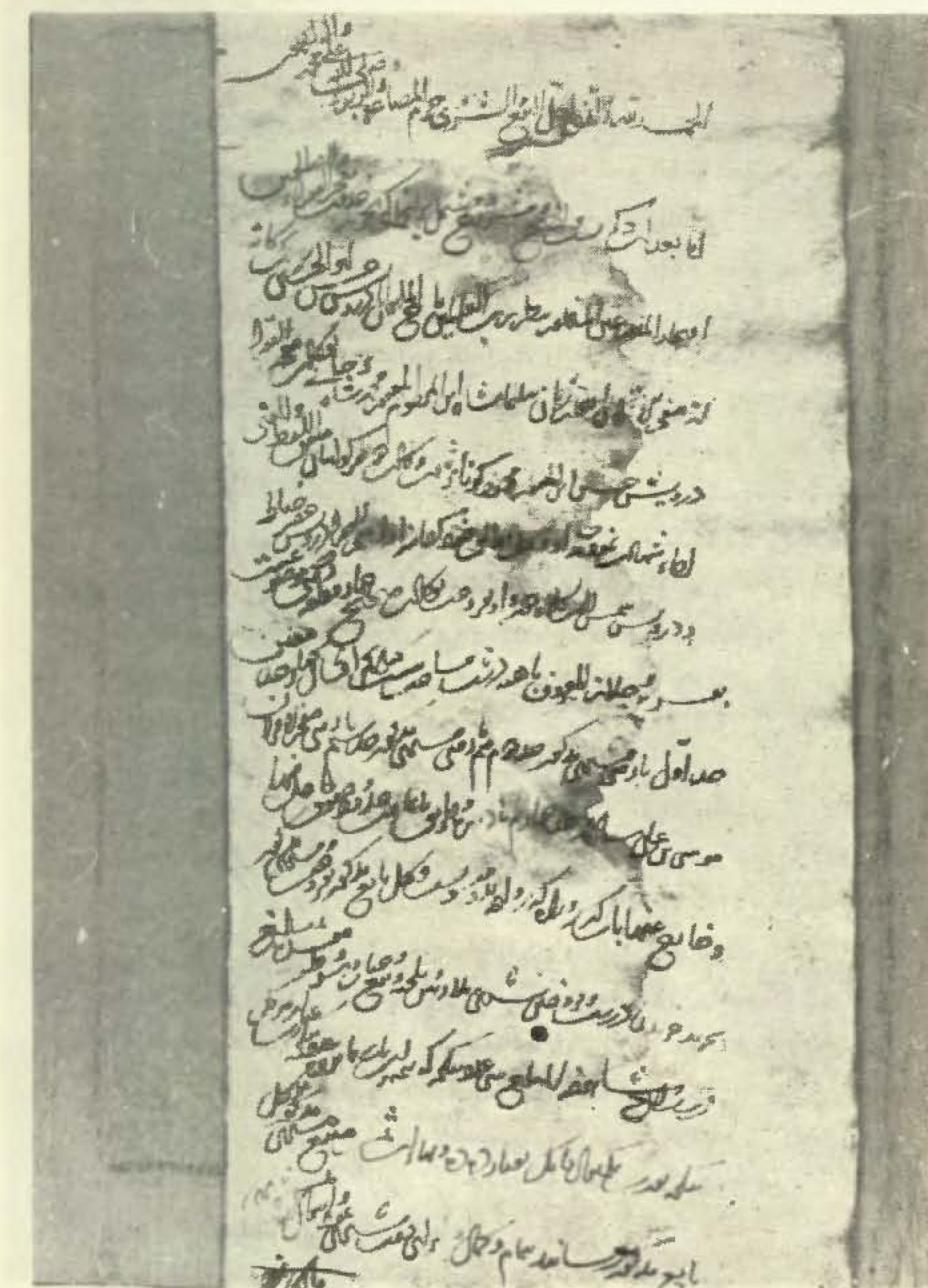
بگواهی حسین بن عربشاه آزادی. شهدبایه محمد باسکندر باطیب.

شهدبایه غیاث الدین احمد محمد شاه.

حرره القیر الحیر الداعی عبدالحق زین الدین کریم الدین القاضی.

رضیت بذلك سعد الدین بن محمود توابی (۹).

حرره حکیم الدین بن تاج الدین قاضی.



الحمد لله الذي أحل البيع والشرى وحرم المضاعفة والربوا وصلى الله على محمد والآله اجمعين .

اما بعد این ذکریست واضح و مشرح مشتمل براین جمله که بخرید خدمت مفخر القراء والصالحين افتخار المتورعين المنظور بنظر وبالعالمن تاج الملة والدین درویش حسن ابوالحسین زیدت بر کاته ،

از مفخر الاقران افتخار زمان سليمان شاه ابن المرحوم المغفور محمدشاه فرمائی ،

بوکالت مفخر القراء درویش حسن ابن المغفور محمود گرنایی ،

پیشکش به تبریزستانی درویش حسن این متفق اللفظ والمعنى ادای شهادت نمودند که او و کیل برثبوت و کالت دونفر گواهان متفق اللفظ والمعنى ادای شهادت نمودند که او و کیل بطلق تخلود گردانید :

اولاً مفخر القراء درویش خضر خیاط و درویش شمس الدین کلام دوز ،
و او بفروخت بوکالت محبیع چهار قطعه زمین که موضوع است بقریة جلاز المعروف

به آهنه داشت ،

ساحت بیست کیله تخم اشنان بجهار حد معین :

حد اول بازین شتری مذکور ،

حد دوم هم بازین شتری مذکور ،

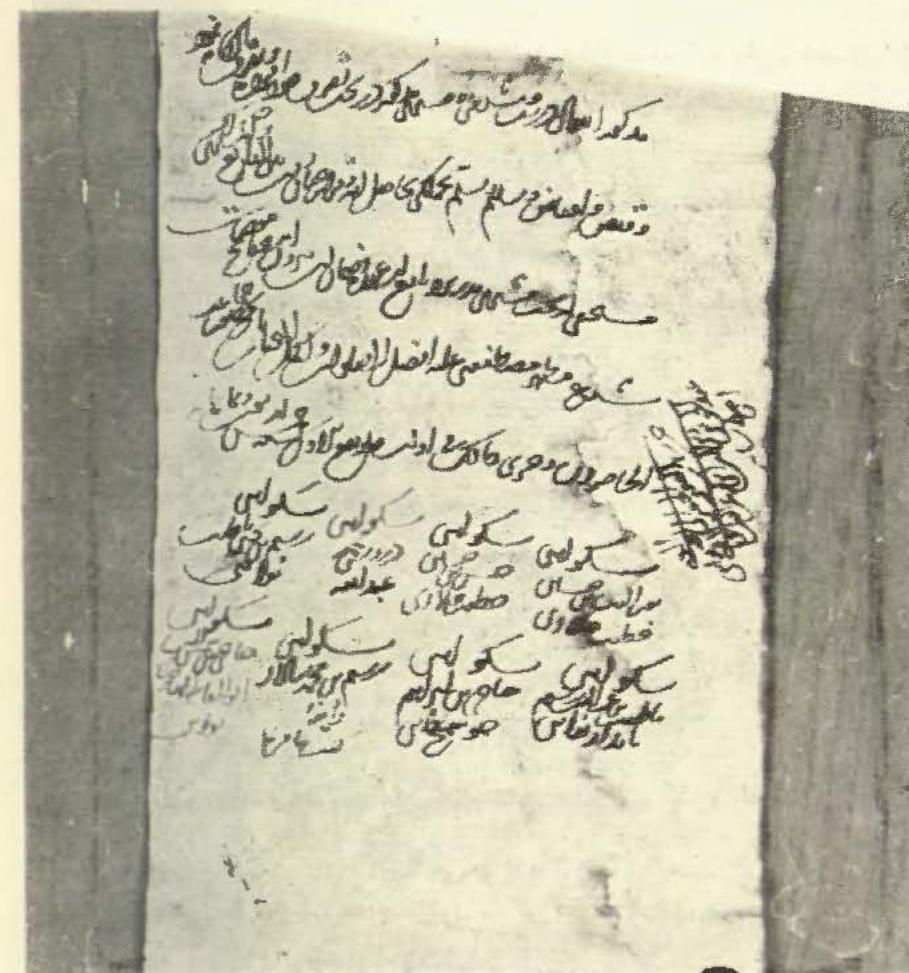
حد سیم با زمین مفخر الاقران موسی بن علی سالار ،

حد چهارم بادمه و طریق ،

با تمامت حدود و حقوق داخل نیها و خارج عنها باب گذرو راه گذرو آنچه بدو منسوب است .

و کیل بایع مذکور بفروخت و مشتری مذکور بخرید خریدن درست و فروختن شرعی
بلا رهن و تبعته و بع و خیار و شروع مفسدة .

بسیغ زر رایج شاهرخیه المبلغ می عدد تکمیله که نیمة آن باشد با تزده عدد تنگجه عبارت از
یک تنگجه بوزن یک مثقال دانک بعیار ده و بیهای آن شمن میبع مشتری مذکور بوکیل
بایع مذکور رسانید به تمام و کمال و ابرای ذمت مشتری نمود و انتقال افتاد بمشتری ←



دنباله سند مورخ ۱۸۴۰ / ۱ نوشته عبدالحق بن زین الدین این کریم الدین القاضی نوابی

مذکور انتقال درست و شرعی، و مشتری مذکور در تحت تصرف خود آورده و تصرف مالکانه نمود و قبض و اقباض و تسليم و جعلنگی بحاصیل آمد و قرار چنان رفت بین الباع و المشتری که اگر مستحبی از تحت مشتری بدربرد باع از عهده و ضمان آن یرون آید و یانج و وجبات شرع مطهر مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات باشد بحضور جماعت الحاضرون.

و جری ذلک فی اوی ماء [ه] ربیع الاول سنه خمس [و] اربعین وثمانائة .

بکواهی نور الدین بن حسین خطیب جلازی .

بکواهی حسن بن حسین خطیب جلازی .

بکواهی درویش محمد عدالت .

بکواهی رستم بن یحیی باطیب نوابی .

بکواهی باطیب بن عزالدین رستم تامدار نوابی .

بکواهی حاجی بن ابراهیم حوسیع نوابی .

بکواهی رستم بن محمد مالار راینه بی، کتب پاره .

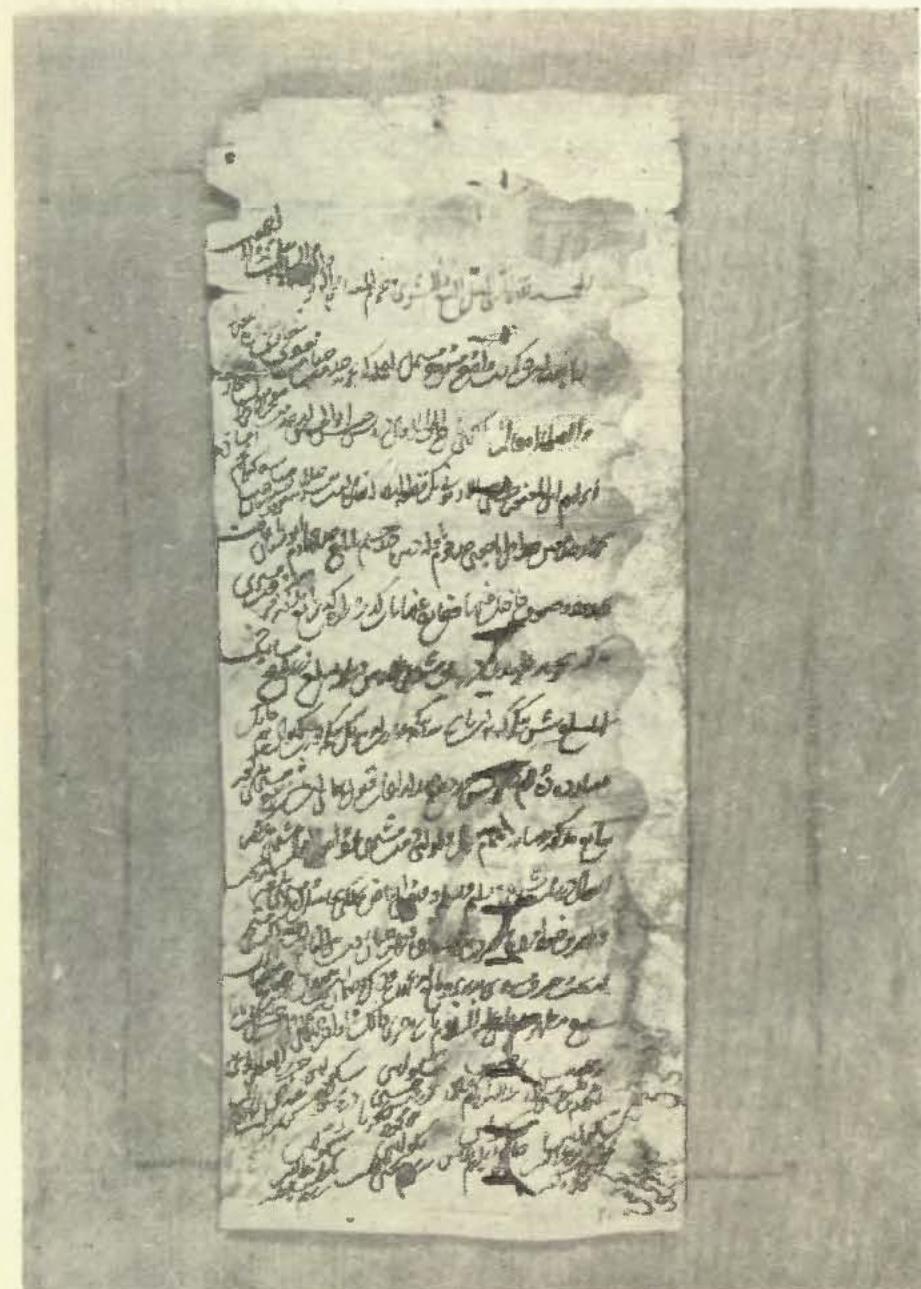
بکواهی حاجی بن شمس الدین ابوالقاسم المهاجری نوابی .

حرره الفقیر الحیری الله الغنی عبدالحق بن زین الدین این کریم الدین القاضی نوابی

املح شأنه .

دو پشت سند آمده : بیست بیانه ملک آهنه دشت گیلان .

بیشکش به نیرس بکواهی حسن بن حسین خطیب جلازی
www.tabarestan.info



سند مورخ اواخر ۱/۸۱۵ نوشته عبدالحق زین الدین کریم الدین القاضی

الحمد لله الذي أحل البيع والشرى و حرم المضاعفة والزيوة والصلوة والسلام على محمد وآلہ اجمعین .

اما بعد این ذکریست واضح ومشروح ومشتمل براین جمله که بخرید خدمت جناب تقوی شعاری قدوة القراء والصلحاء افتخار السالكين تاج الحق والصلة والدين درویش حسن ابوالحسین از خدمت فخر القرآن افتخار زمان ابراهیم ابن المفقر حسین سالار مونی یک قطعه لتكا که تهاده است برتریه جلاز معروف نسوانستان ساحت مه کیله تخم افسان بجهار حد معین: پیشکش به تبرستان با تمام حدود و حقوق داخل فيها وخارج عنها باب گذر و راه گذر، باع مذکور خوش وخت و مشتری مذکور بخرید خربدن درست و شرعی پلارهن وتجلیة، سیمیل زر رایع شاهری العبلغ شش تنگجه که نیمة آن باشد سه تنکجه عبارت از هر یک تنکجه یک مثقال تیم دانک بعیار دده .

وهم در مجلس عقد و بعده از ایجاب و قبول بهای آن ثمن مبيع مشتری مذکور باع مذکور وساید بتمام و کمال وابرای ذست مشتری نمود و انتقال اقتاد بمشتری مذکور انتقال درست و شرعی و قلیم و قلم و قبض و اقیاص بجملگی بعاصیل آمد و مشتری مذکور در تحت و تصرف خود آورد و تصرف مالکانه نموده و قرار چنان رفت بین الایع والمشتري که اگر مستحقی از تحت تصرف مشتری بدربرد باع از عهده و درک وضمان آن بیرون آید پتانچه موجبات شرع مطهر مصطفی علیه السلام باشد. وجری ذلک فی اواخر جمادی الاول سنه خمس و[و]اربعین وثمانائة .

حرره الفقیر الداعی عبدالحق زین الدین کریم الدین القاضی اصلح شانه.

رضیت بذلك ابراهیم بن حسین سالار .

رضیت بذلك عزالدین ابراهیم سالار .

بکواهی درویش حسین بن محمود گرفنا [بی].

بکواهی درویش خضریته بی .

بکواهی شمس الدین بن عزالدین کلامدوز .

بکواهی حاجی ابراهیم طاس .

بکواهی رستم پیغمی باطیب .

بکواهی باطیب عزالدین رستم باطیب .

بکواهی نورالدین حسین خطیب جلازی .

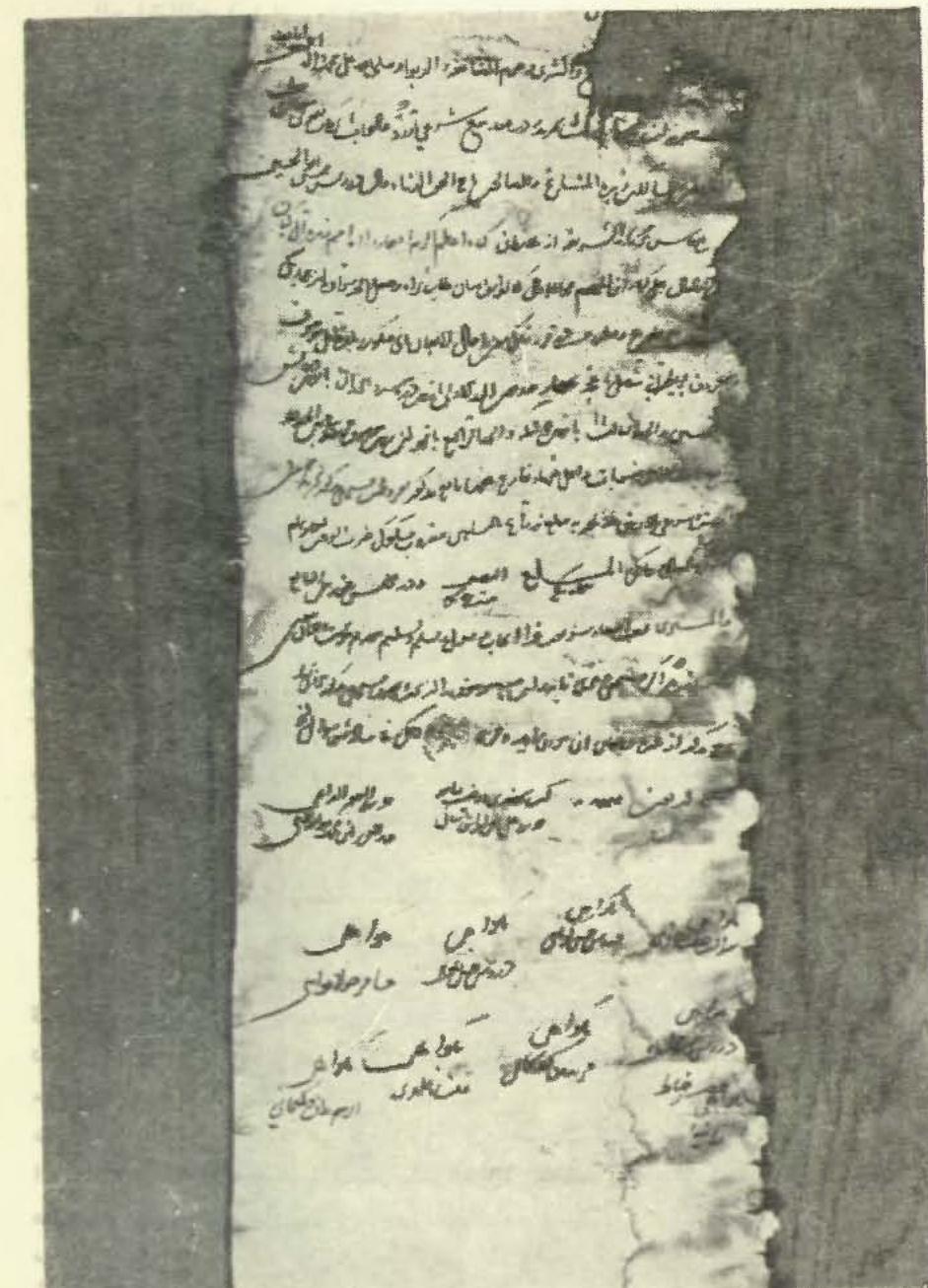
بکواهی الحسن بن حسین خطیب جلازی .



سند مورخ شعبانه ۸ نوشتہ عبد الحق زین الدین کریم الدین [نوایی]

الحمد لله الذي احل البيع والشرى وحرم المضاعفة والريوا وصلى الله على محمد وآلهم اجمعين
اما بعد اين ذكر بوضوح ومشروع ومشتمل برأين جمله كه بخرید ودرغدبيع شرعی آورد
خدمت جانب تقوی شعرا فخر الفقراء والصالحين افتخار المتصورین المنظور بنظر رب العالمين
تاج العلة والدين درویش ابوالحسین دام برکته از مخدورة النساء شاهملک خاتون بنت المغفور
المرحوم رئيس مرجی بو کالت مفخر الصدور والاکابر محمود این صاحب اعظم یا زید رئیس
یک قطعه زین که موضوع است بقریة آزاد من اعمال لارجان من کوره مدینه آمل و
طبرستان بصحراء که باز خوانند به مرگن (?) مساحت چهارده کیله تخم اشان بجهار حد
معن : حداول بازمن حومک مشتری مذکور ، حد دوم بازمن منکه ورثه عزالدین باطیب ،
پیشکش به حسین یا جوی ، حدچهارم بازمن فاکای مشتری مذکور ، با تمام حدود و
حقوق نلانغلی فيما و خارج عنها قدیما و حدیثا . و کیل بایعه مذکوره بفروخت و مشتری
کیور بخرید خریدن درست و فروختن شرعی بلا رهن وتخلصه وبيع و خیار وشروط مفسدة .
زورایج شاهرخی البخل پنجه و شش عدد تنکجه که نیم آن باشد بیست و هشت
عدد تنکجه عبارت از هر یک تنکجه بوزن یک سقال دانگ بعیار ده ده .
وهم در مجلس عقد و مبایعه بهای این ثمن مذکور مشتری مذکور بو کیل بایعه
مذکوره وساید بقلم و کمال وابرای ذمت مشتری نمود . و انتقال افتاد بمشتری مذکور
انتقال درست و شرعی و این بیع وقتی بود که بایع و مشتری هردو بصحبت نفس و کمال عقل
وبلوغ بودند و قیض و اقباض و تسلیم و تسلیم بجملگی بتعامل آمد و مشتری مذکور در تقدیم
و تعریف خویش آورده و تصرف مالکانه نمود و قرار چنان رفت میان وکیل بایعه مذکوره
که اگر مستحقی پیرون آید و این زین مذکورا از تحت و تصرف مشتری بدر برد و کیل
بایعه مذکوره از عهده و درک و غسان آن بدر [آید] بحضور جماعت که امامی خود را در آخر
حجت ذکر خواهند نمود طایعین راغبین غیر مکرہن ولا مجبرین تحریر افی شعبان المعظم ستة
حسن و اربعین تھانمانه .

بدین موجب گواه مسافر سعد الدین مسافر ، اشهدنی العبد قوام الدین یعنی باطیب .
بگواهی علاء الدین علی لله باطیب ، بگواهی بندار حواله ، بگواهی شمس الدین حواله .
بگواهی درویش بایوجواله ، بگواهی حاجی طامن ، بگواهی باوبن رستم آزانی .
قاداطمعت : عبدالعزیز بن محمد فوایی ، شهد بمقایه احمد محمد بن احمد ، بگواهی عزالدین
دارا ، بگواهی یوسف بن ابراهیم آزانی ، شهد بذلك سیف الدین محمد رئیس مرجی ، بگواهی
 حاجی محمد رئیس ، بدین موجب گواه محمد بن اسکندر باطیب ، بگواهی ابراهیم بن
علی آزانی ، بگواهی حکیم الدین تاج قاضی ، بین موجب گواه منکی (من که) محمد جمال
الدین شرمد (؟) ام ، اشهد العبد الضعیف عزالدین بن محمدین محمود ، شهد بمقایه افراسیاب
علی شاه ، شهد بمقایه عیاث الدین احمد محمد شاه ، رضیت بذلك شمس الدین بن فخر الدین
محمد رئیس ، کتب بامرها ، بگواهی مسافر علی شاه باطیب ، بگواهی محمد ابراهیم آزانی .
بگواهی علی بن ابراهیم آزانی ، بین موجب گواه منکی (من که) احمد سعد الدین محمود ام ،
شهد بمقایه [....] شمس الدین باطیب ، حرره القیر القیر الى الله تعالی الغنی عبد الحق زین الدین
کریم الدین القاضی اصلح شانه .



سند مورخ ۶ شوال ۸۴۷ نوشته عبدالعزیز بن محمد هبة الله توائی

الحمد لله [الذى احل البیح] والشیر وحرم المفاعة والریوا وصلی اللہ علی محمد وآلہ اجمعین
اما بعد مبیب تحریر این مقدمات آنست که بخرید و در عقد بیع شرعی آوردسر کار عالی
جناب پایر کات تقوی شعاعی قطب العارفین والصالکین زیده المشایخ والصالحین تاج الحق
[و] الدیناء والدین درویش حسن ابوالحسین [دامت] اتفاقاً بر کاته الشریفة از ملازمان
کیا اعظم اکرم افتخار ولات ام زنده آل کیان زین الدیناء والدین علی کیاء این المرحوم
فخر الملة والدین کیا لهراسف باستان طاب ثراه وجعل الجنة مشواه از جمله یک قطعه زمین که
موضوع و مطروحست در قریة نیاک من اعمال لارجان ای من کوته بلدة آمل موصوف و معروف
پیشکش به هیرانه متصل با عجده پجهار حد معین :

الحد الاولی با زمین دره سر ، و الحد الثانی با زمین درویش بحسن ، والعد الثالث
با زمین هم کیله ، والعد الرابع با نهر .

این زمین موصوف محدود فی بین الحدود الرابع (گویا: الرابع) بامضافات [و] منسوبات
داخل فیها وخارج عنها . باع مذکور بفروخت ومشتری مذکور بخرید خریدن درست و شرعی
بلارهن ولا ناجحة به مبالغ زر رایج پادشاهی مضروب و مسکوك ضرب الوقت بعيار تمام بوزن
یک مثقال دائمک المبلغ بتجاه تنگجه النصف یست وینج تنگجه . ودر مجلس عقدین البایع
والمشتری بحسب اقتضاء شریعت غراء ایجاد و قبول و تسلیم و تسلم بتقدیم پیوست وجنان معین
و مقرمشده که اگر مستحق دعوی نماید و این میم موصوفرا از تحت و تصرف مشتری مذکور
بیرون نبرد باع مذکور از عهده وضمان آن بیرون آید . وجری ذلک فی سادس شوال سنته سبع
[و] اربعین وثمانائمه ، کتب بحضوری و رضیت بما یعتمد حرره علی این لهرامف باستان (بامهر: الوائی
بالملک العنان علی بن لهراسف باستان) حرر الفقیر الداعی عبد العزیز این محمد به الله توائی .

بکواهی سعد الدین خطیب جلازی .

بکواهی دریش حسن گرفانی .

بکواهی دریش حسن قلوری .

بکواهی مسافر جولا [ای] توائی .

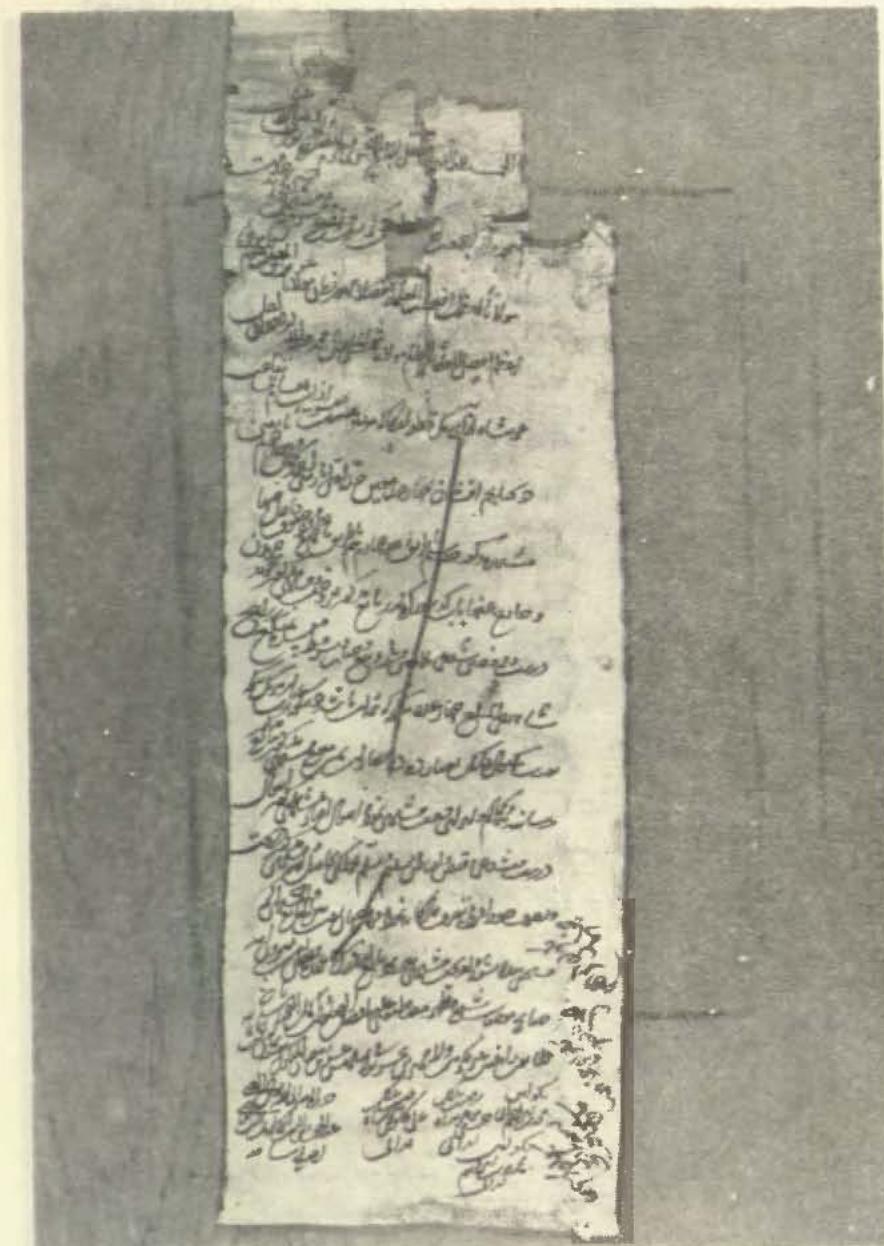
بکواهی دریش محمد دولتشاه .

بکواهی قریدون گنازنکامی .

بکواهی علی شاه قله‌ری .

بکواهی ابراهیم نداف ویکنجانی .

بکواهی خضر خیاط راینه بی .



سند مورخ ۲۶ رمضان ۸۴۸ نوشته عبدالحق زین الدین ابن کریم الدین القاضی

الحمد لله الذي احل البيع والشرى وحرم المضاعفة والربوا و صلى الله على محمد وآلہ
اجمعين .

اما [بعدا]ين ذكرت واضح و مشرح و مشتمل براین جمله که بخرید خدمت مولانا
اعظم افتخار العلماء و الفضلاء مشهور زمان مولانا عزيزین ان المغفور المرحوم مولانا اعظم
افضل العلماء في العالم مولانا شمس الملة والذين محبدهبة الله از دهدای اجل عربشاه آزادی
یک قطعه لتكا که موضوع است بقریة آزاد بمقام نیا [ک] مساحت دو کیله تخم اشان بجهار

پیشکش به تبریزیلول بازین احمد کمال ، عددوم بازین مشتری مذکور ، حسیم باطريق ،

باچهارم هم باطريق ، باجیمی حدود و حقوق داخل فيها و خارج عنها با پک گذرواه گذر .
باچهارم مذکور بفروخت و مشتری مذکور بخرید خریدن درست و فروختن شرعی بالرهن
وتلجه و خیار و شروط مفسدة .

بمبلغ زر رایع شاهرخی المبلغ چهار عدد تنگجه که نیمة آن باشد دو تنگجه عبارت از
هر یک تنگجه بوزن یک مثقال دانگ بعیار دده .
و بهای این نمن میم بایع مشتری مذکور بایع مذکور رسانید بتمام و کمال و ابرای ذات
مشتری نمود و انتقال افتاد بمشتری مذکور انتقال درست و شرعی و قبض و اتباض و تسليم
وقسلم بجملگی بحاصل آمد و مشتری مذکور در تحت و تصرف خود آورد و تصرف بالگانه
نمود و قرار چنان رفتین البایع والمشتری که اگر مستحق بپداشود واز تحت مشتری بدر
برد بایع از درکه و عونه و ضمان آن بیرون آید چنانچه موجبات شرع مطهر مصطفی علیه
افضل الصلوات و اکمل التحیات باشد ، طایعین و اغبین غیرمکرهین ولا مجبرين .
تحریرا في سادس عشرین رمضان العاشر سنة ثمان [و] اربعين و ثمانمائة .

حرره الفقير الى الله تعالى القنی عبدالحق زین الدین ابن کریم الدین القاضی اصلاح شأنه
بکواهی محمدبن ابراهیم آزادی .

رضیت بذلك حسن بن عربشاه آزادی .

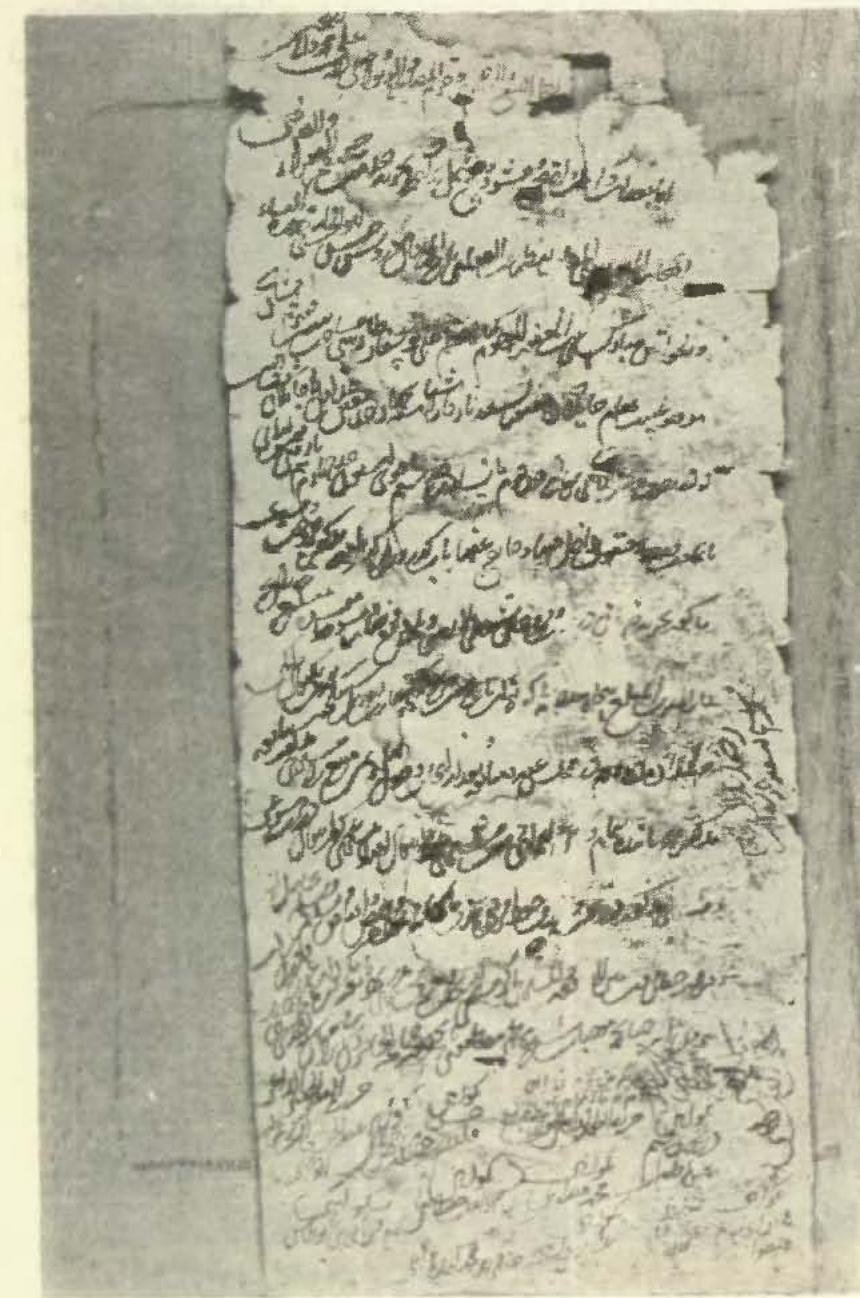
رضیت بذلك علی کاووس عربشاه آزادی .

بکواهی محمودبن ابراهیم آزادی .

بکواهی رستم بن اسفندیار ابن سواس(؟) دارا .

بکواهی جمال الدین جلال نانوا(؟) .

بکواهی ابراهیم خیاط .



سند مورخ شعبان ۱۵۸ نوشته عبدالحق بن زین الدین ابن کریم الدین القاضی فوایی

[الحمد لله الذي] احل البيع والشرى وحرم المضاعفة والربوا وصلى الله على محمد وآلهم اجمعين .

اما بعد این ذکریست واضح و مشرح مشتمل براین جمله که بخرید خدمت سرکار
بغیر الفقراء والصالحين انتخارالمتورعين المنظور بنظر رب العالمین تاج الملة والدین درویش
حسن ابوالحسین از مخدّره النساء والخواتین مبارکستی بنت المغفور المرحوم کیا اعظم علی
توسفار طاری، ساحت شش قفیز تخم افشار که موضوعست بمقام جایلان که بسغفور اسفندیار
داراشناسه(۹) بجهار حد معنی :

بیشکش به تبریز حد اول با جایلان شرف الدین که دو تصرف یوسف آزادی میباشد، حد دوم بانساده،
حد سیم پاچوی لسون ، حد چهارم هم با زمین یوسف آزادی .

تمامت حدود و حقوق داخل فيها وخارج عنها بات گذر و راه گذر ،

یا یمه مذکوره بفروخت و مشتری مذکور بخرید خریدن درست و فروختن شرعی
بلارهن و تبلیغه و خیار و شروط مفسدة ، نمبلغ زو رایع دارالضرب العلیع پنجاه عدد تنکجه
که نیمه آن بائش بیست و پنج تنکجه عبارت از هر یک تنکجه بوزن یکه مثقال دانگی بعیار
ده ده . وهم در مجلس عقد و مبایعه بعداز ایجاب و قبول بهای ثمن بیع را مشتری مذکور
بیاعمه مذکوره وسانیده بتمام و کمال و ابرای ذات مشتری نمود و انتقال آورد مشتری مذکور
انتقال درست شرعی و مشتری مذکور در تحت تصرف خود آورده و تصرف مالکانه نموده
و قبض واقیاً و تسلیم و تسلم بحاصل آمد و قرار چنان رفت بین الیاعمه و المشتری اگر
مستحق از تحت و تصرف مشتری بدریبد بایعمه مذکوره از عهده و درگذآن بیرون آید چنانچه
موجبات شرع مطهر مصطفی‌ی را باشد يحضور جماعة الحاضرون تعزیرآ فی شعبان سنة احادی
[و] خمسین وثمانمائه، حرره الفقیر العتیر الداعی عبدالحق زین الدین بن کریم الدین القاضی .

وضیت بذلك: مبارکستی بنت علی نوسفار .

به حکم حق فرمان الهی دهم هر جا که خواهی این گواهی
حرره الفقیر الداعی خواجه علی، بگواهی حسن فلازی .

بگواهی عmad الدین باطیب جلازی، بگواهی درویش رستم یعنی باطیب ،

بگواهی محمد مسلمی، بگواهی جمال الدین خطابی ،

بگواهی فرمایی بن بابو طاس، بگواهی بابو ابراهیم حواله ،

بگواهی حاجی لنده، بگواهی بن دار ابراهیم حواله ،

بگواهی حاجی بن محمد لنده نوابی، بگواهی حکیم الدین قاضی ،

وضیت بذلك دارا رستم اسفندیار سیف الدین .

الحمد لله الذي احل البیح والشیری و حرم المضاعفة والربوا و صلی الله علی محمد وآلہ
اجمعین .

اما بعد این ذکریست واضح و مسروق مشتمل براین جمله که بخرید خدمت مفخر الفقراء
والصالحين افتخار المتعور عن المنظور بنظر رب العالمین تاج الملک والدین درویش حسن ابوالحسین
از مخدودة النساء المسماة عفیفة الصالحة خاتون ابنت المرحوم حسن سیف بوکالت مفخر الامم
سید این المفقر علی دولتشاه نصیب زین که موضوع است بر قریۃ فلهار المعروف به شیخ زین
پیشکش ساخت سه قفیز تغم افشار بحدود الاربعه:

باشند باید دار باز میان مرکک حسین مرزا زبان ، حدودم با کندو ، حد سیم با مقبره ، حد
شمارم با پایان وارثان مرحوم دولتشاه ، با تمامت حدود و حقوق داخل فيها و خارج عنها
قدیماً لامهم پناهیا باب گذر و راه گذر ، وکیل بایعه مذکوره بفروخت و مشتری مذکور بخرید
خریدن درست و فروختن شرعی بالرهن و تلجنة و بیع و خیار و شروط مفسدة ، بمبلغ زر رایج
شهرخی دارالضرب بمبلغ پانزده عدد تنگجه که نیمه آن باشد هفت تنگجه نیم عبارت از هر یک
تنگجه بوزن یک مثقال دانک بعیار ده ده . وبهای نمن مذکور مشتری مذکور بوکیل بایعه
مذکوره رسایده بتمام و کمال و ابرای ذمت مشتری نمود و انتقال اتفاق بمشتری مذکور
انتقال درست شرعی وقبض و اقباض و تسليم و تسلیم بجملگی بحاصل آمد و مشتری مذکور
در تحت تصرف خود آورد و تصرف مالکانه نمود و قرار چنان رفت بین الایعة والمشتری که
اگر مستحق از تحت و تصرف مشتری پدر برد بایعه مذکوره از عهده و ضمان و در که آن
بیرون آید چنانچه موجبات شرع مصطفی علیه السلام باشد طایعین راغبین شیر مکریین ولا
مجبرین ، تحریراً فی سلخ صفر سنة اثنی و خمسین وثمانمائة.

حررها الفقیر الى الله الغنی عبد الحق زین الدین کریم الدین القاضی اصلح شانه .
برصحب وکالت گواهی دادند وتفق النقوص والمعنى اولاد درویش محمد دولتشاه واثانی
محمد سیف که وکیل مذکور بفروشد و او بفروخت بد بیع شرعی .

بکواهی درویش رستم باطیب .

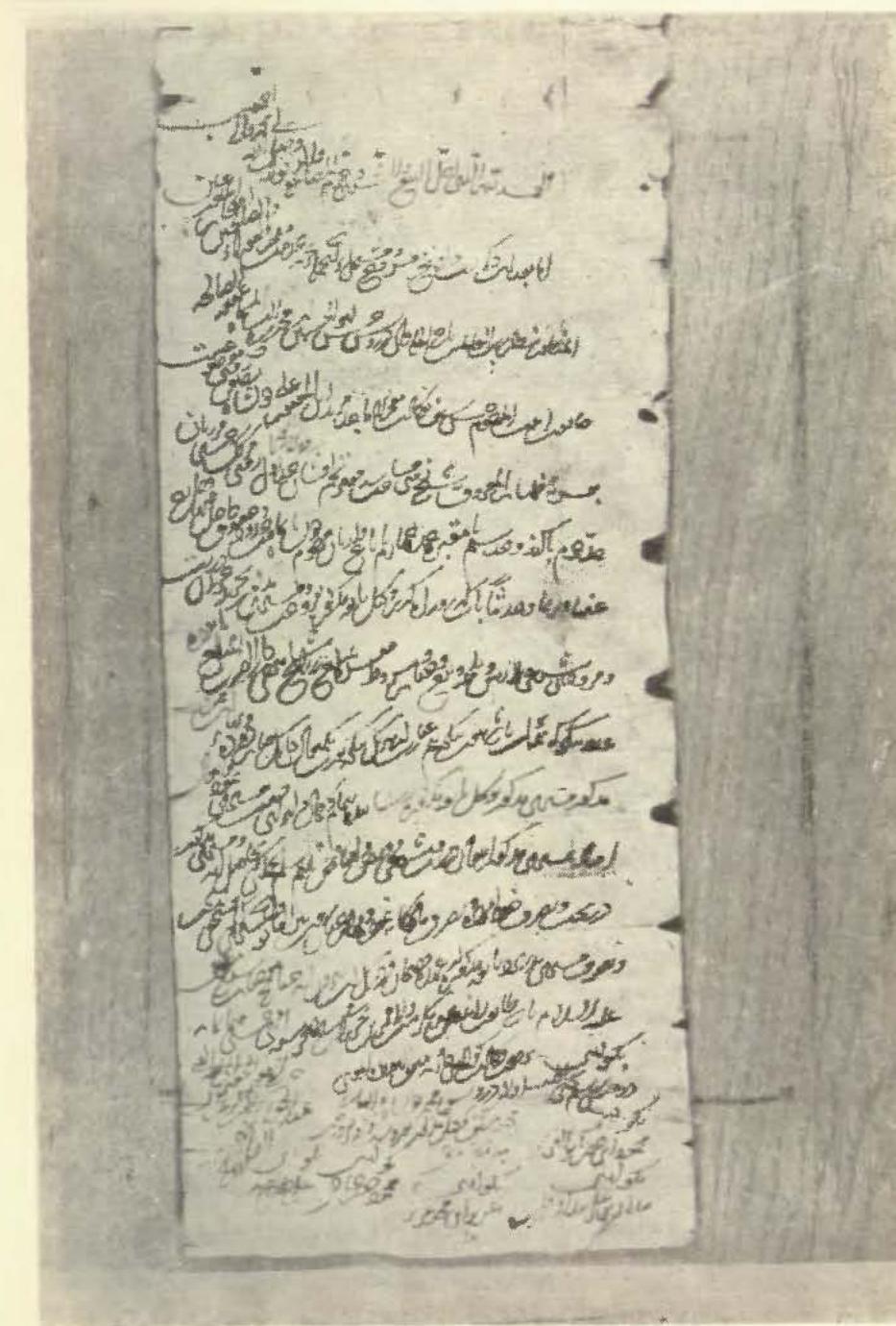
بکواهی محمود این خضر باپوالنجار .

بکواهی بندارین علی بندار فلهری .

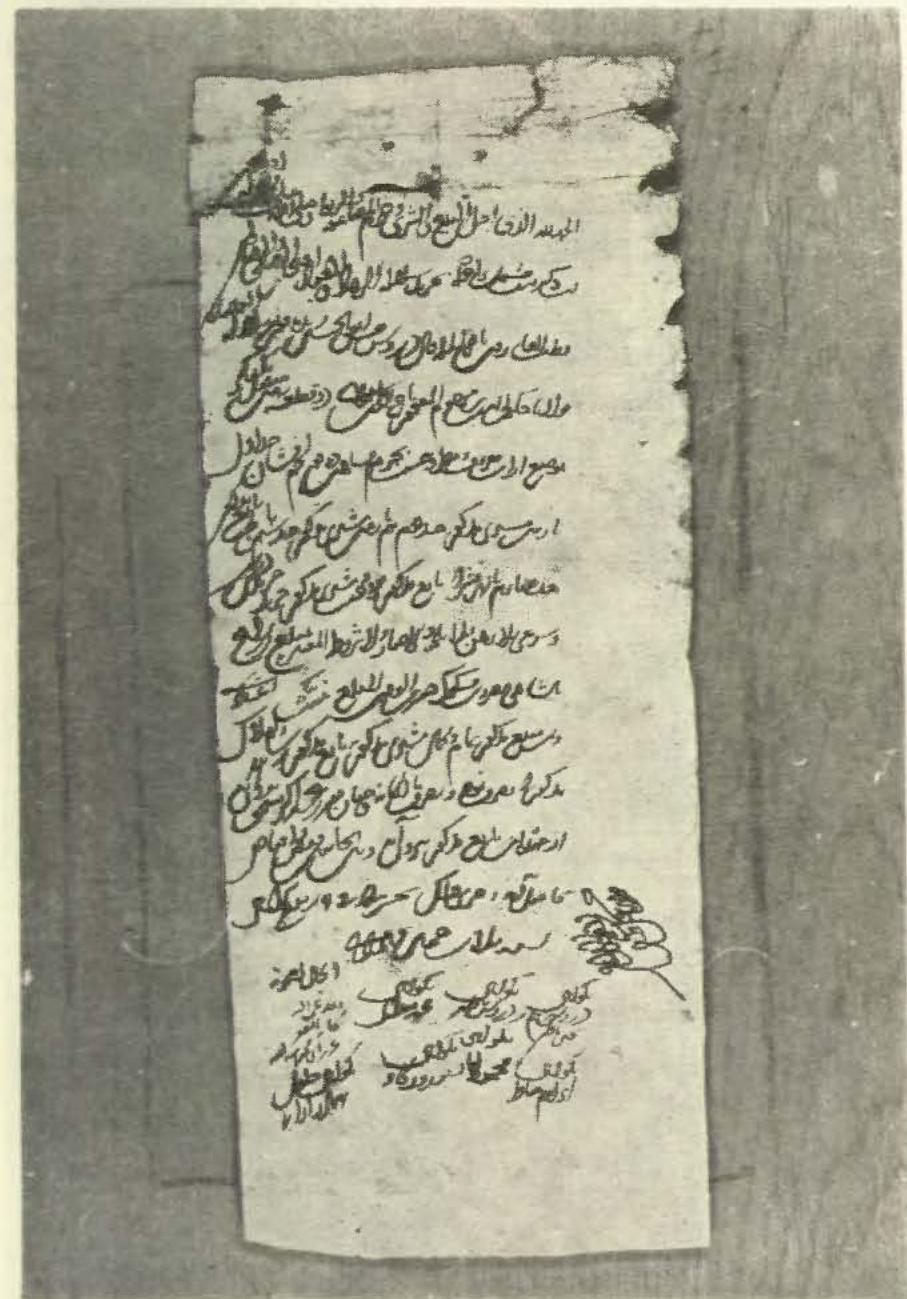
بکواهی عزیزان محمد عزیز فلهری .

بکواهی محمود حسین حاجی .

بکواهی علی حاجی مه .



سند مورخ پایان صفحه ۸ نوشته عبد الحق زین الدین بن کریم الدین القاضی



سندمودخ ۶ / ۸۰۲ نوشته سولاناعلی نوابی.

الحمد لله الذي احل البیع والشری و حرم القباعفة والربوا و صلی الله علی محمد و آلہ
اجمعین .

این ذکریست مشتمل براین جمله که بخرید سلاطیه الزهاد والعباد انتخار الصلحاء
والصالحین قطب العارفین تاج الملة والدین درویش حسن ابوالحسین زید فقره از سلاطیه القضاة
مولانا حکیم الدین بن مرحوم المغفور تاج الدین القاضی دوقطعه زمین متصل یکدیگر بموضع
آزاد [که] معروف و متروحت بجرم مساحت ده قبیر تغم افشار .

پیشکش به تبریز سفلن دوم هم بازمند مشتری مذکور .
حاویل بازمند مشتری مذکور .
سلیمان بالع بالع باع مذکور .
حجهارام یانهر فشا .

بايع مذکور بفروخت و مشتری مذکور بخرید خریدن درست و شرعی بلاوهن ولا تجنه
ولاختیار ولا شروط المفسدة .

بعبلغ زر رایع پادشاهی مضروب و مسکوک ضرب الوقت الصلح یست تنگجه نیمه ده
تنگجه (بسیاق) و نهن ببلغ مذکور تمام و کمال مشتری مذکور به بايع مذکور و سانید و
املاک که مذکور را تصرف نمود و تصرف مالکانه . و چنان مقرشد که اگر مستحق بیرون آید
از عهده آن بايع مذکور بیرون آید و بین العانین قبض و اقراض بحاصل آمد .

و جری ذلک تحریرا فی ۶ ربیع الآخر سنة ثلث [و] خمسین و ثمانعاه .
الحال بضمونه و بدعی الله کاتبه الفقیر عزیزان بن محمد بهله الله .

بکواهی درویش رسم یعنی باطیب .

بکواهی درویش باطیب .

بکواهی محمد مسلمی .

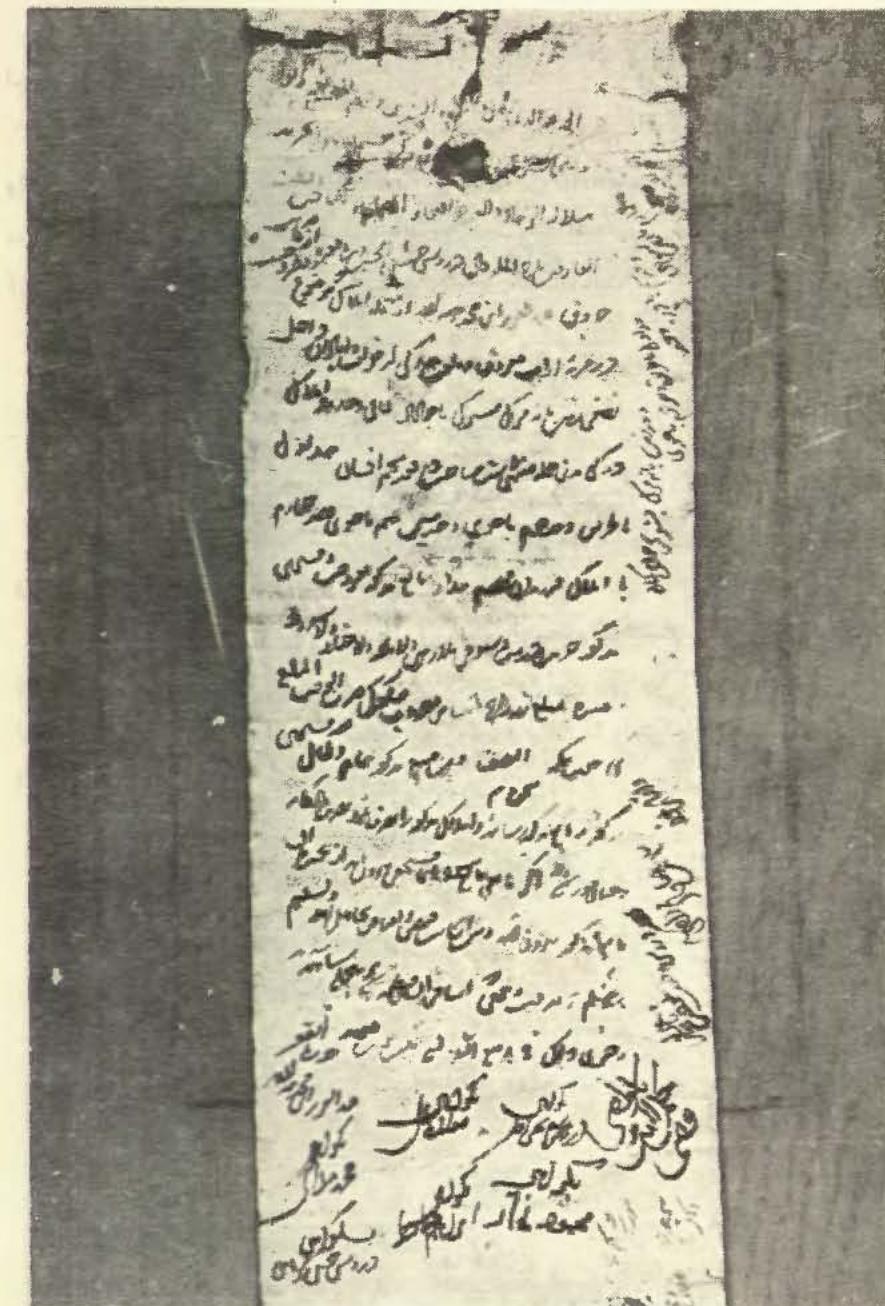
بکواهی ابراهیم خیاط .

بکواهی محمود تجار .

بکواهی نوروز گاو .

بکواهی خلیل بهادر آزادی .

حرره العبد الداعی مولانا علی نوابی .



سند مورخ ع ۲ / ۸۰۳ نوشته عبد العزیز بن محمد هبة الله نوافی

الحمد لله الذي احل البيع والشرى و حرم المضاعفة والربوا و صلى الله على محمد و آلـهـ اجمعين .

این ذکریست مشتمل براین جمله که بخرید سلاطه الرهاد و العباد اختصار الصلاحه
والصالحين قطب العارفین تاج العلة والدین درویش حسن ابوالحسین زیدنقه از کاتب حروف
عبدالعزیز این محمد هبة الله از جمله املاک که موضوع و مطروحست در قریه آزاد معرفت
و مقاب به درکی از خراب و آبادان واحد نصفی زمین بانه مرگ مشترک با جمال الدین کمال
جنتک [و] حد توزین با انه مرگ بشرکت جمال الدین کمال ، حد اول با طریق ، حد دوم با جوی ، و حلیم
بادره هژروحد چهارم بازمیں سیف الدین دارا بر موجب شرح رسید [(هاشم)] و حدود املاک
کی پیدائی جمله منتهی است مساحت دو قفتر تخم انشار :

tabarestan.info

لقد اهل با طریق ، و حد دوم با جوی ، و حلیم هم با جوی ، و حد چهارم با املاک فرزندان
مرحوم پندار .

بایع مذکور بفروخت و مشتری مذکور [بخرید] خریدن درست و شرعی بلا رهن ولا تاجة
ولاختار ولا شروط المفسدة .

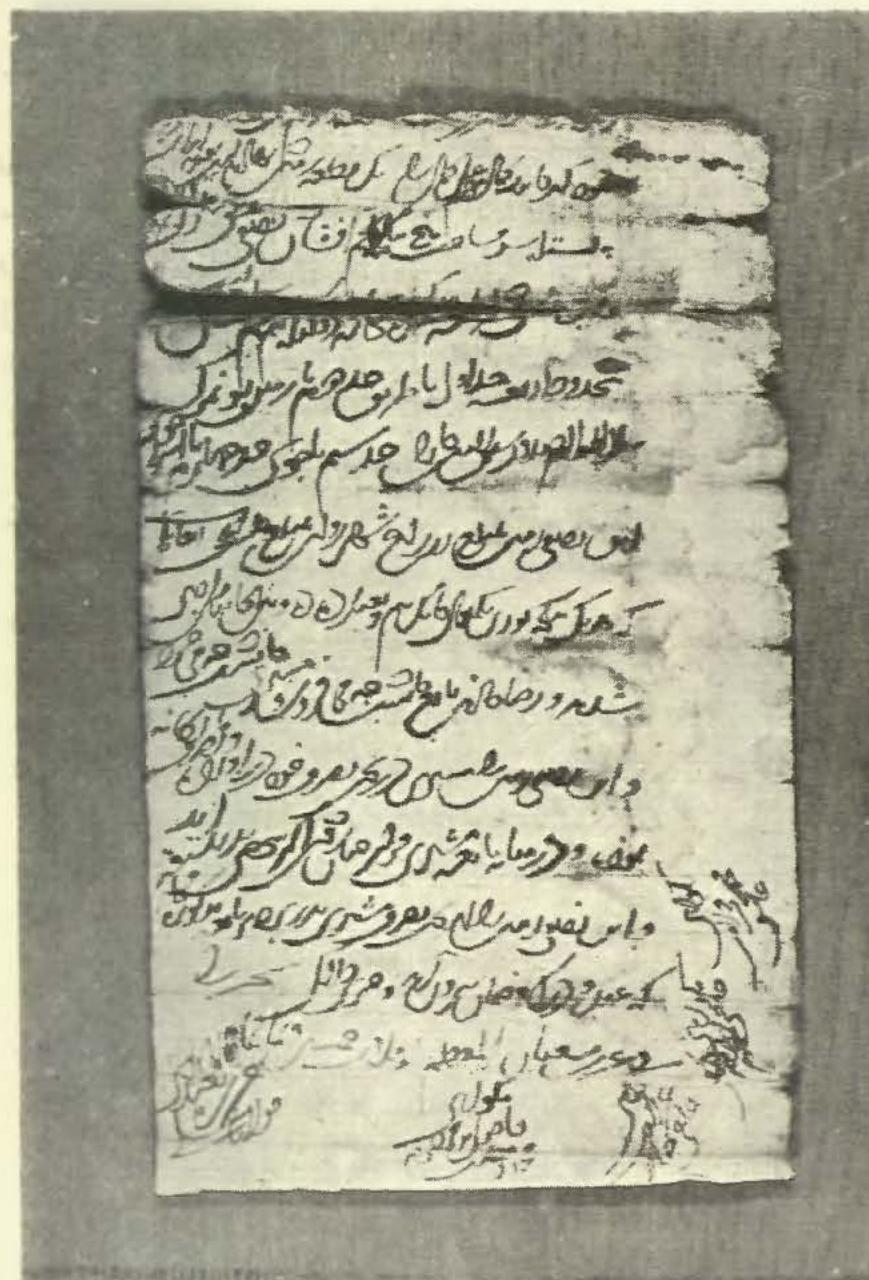
بمبلغ زر اربع پادشاهی مضرب و مسکوك غرب الوقت المبلغ سی و هفت تنگه النصف
هی بجهنمیم . و تمن میع مذکور تمام و کمال مشتری مذکور بربایع مذکور رسانید و املاک مذکور را
تعریف نمود تصرف سالکانه .

و چنان قرارشد که اگر مانع مانع شود و با ستحقی بیرون آید از عهده آن بایع مذکور
بیرون آید و پس ایجاب قض و اقضی بحاصل آمد و تسلیم و تسلم پذیرفت و جمعی که اسامی
ایشان مسطور شد برین جمله شاهد شدند .

و جری ذلك في ربيع الثاني ثلث [و] خمسين و ثمانمائة .
حرره القیر عبد العزیزان محمد هبة الله .

بکواهی حکیم الدین بن قاضی ، بکواهی درویش رستم یحیی باطیب ،
بکواهی مولا ناعلی ، بکواهی محمد مسلمی ، بکواهی محمود تبار ،
بکواهی ابراهیم خیاط ، بکواهی درویش حسن گرفانی ،
مقریش که اگر ... برند هرچه دریافت ... بدنه و اگرداده باشد مشتری
آنچه بدهد (۹) .

بحضور درویش باطیب ، متکوحة بایع مذکور برین مبلغ معن رضا داد و راضی شد
و اقرار نمود .



سند مورخ ۲۰ شعبان ۸۵۳ نوشته مولانا علی توایی

خود گردانید کمال مرحوم علی کمال را یک قطعه زمین که نهاده است بقریه آزاد [معروف] به استله سر ساحت پنج کیله تخم افشار نصفی حق مشتری مذکور و این نصفی که از بایعه مذکوره کاهه دو کیله نیم تخم افشار است بعدود اربعه: حد اول باطریق.

حد دوم بازین بونمرگ سلاله الصدور سیف الدین حاجی.
حلیمیم باجوى.

حد چهارم با استلاح جوی.

بیشکش به تبریز نصفی زمین بمبلغ زر رابع شهر روان بمبلغ هشت تنکجه نیمه چهار تنکجه (بسیاق)
کله همک تنکجه بوزن یک مثقال دانگ و بیارده. و بین الجانین راضی شدند و رفادند
با ع دانست که چه می فروشد و مشتری دانست که چه می خرد.
و این نصفی زمین را مشتری در تحت تصرف خود درآورده و تصرف مالکانه نمود.
و در بیانه بایعه [و] مشتری فرار چنان رفت که اگر شخصی بدید آید و این نصفی
زمین را تحت تصرف مشتری بدر برد برایعه مذکوره می باشد که عهده و درک و ضمان یرون آید
و جری ذلک تعریرا فی عشرين شعبان المعظم سنه ثلث [و] خمسين و ثمانائة.
حرره العبد الداعی مولانا علی.

بگواهی فاضل بن مرحوم محمود خطیب.
بگواهی عزالدین حاجی خیاط.
بگواهی حاجی مرحوم ابراهیم طامن.
بگواهی محمد فخر الدین علی.

والباقي

اقرار که واعداً علی خود حال عن کمال عمل
 و حول صفات سیعیه ولا اهل ایوب مکرم هم مطلع باشد
 سیم و پانچ (حق) حسر کافر و مصلی و دعوی عرضی العوادی
 خواسته عزم ایوب بیکت می‌پنداشت بلکه مکملین
 صدر خود را از ایوب و مادر ایوب و زن ایوب مخلص مخدوش
 خدمت ایوب شایع علم و شویت بخوبی دارد و علی مصلحت ایوب
 و مکمل ایوب مصلحت ایوب همان طبق و جعل مصلحت ایوب مکمل
 ایوب صحیح خواسته ایوب لاعظ سهل اللئو و ایوس در المقاولان
 مل علی ایوب ایوب و صدق ایوب و ایوس ایوب ایوس ایوب

منته مورخ ۱ رمضان ۸۵۴ باسیعی محمد حاجی بن فضل الله دریاباری

هوالباقي

اقرار کرد واعتراف شرعی نمود درحال صحت نفس و کمال عقل و جواز تصرفات شرعیه
 مولانا ... اعلم مکرم محترم مولانا محمد بن مرحوم، ولانا شرف الدین نوابی در حق جناب
 پاپر کات زیده الصالحین والمتورعین افتخار العرفاء و السالکین درویش حسن ابن مرحوم
 ابوالحسین زیدت پر کته یک نصف از تمامی یک قطمه زمین که متروک است در قریه آزاد و
 پیشکش شهرو است به زمین وزیرا و محدود بحدود اربعه:
 خلیل شرقی با شارع عام و شاهجوي دارد.
 غربی آن متصل است با جوی مشترک .
 شمالی آن متصل است با زمین حاجی خیاط .
 و جنوبی آن متصل است با زمین باب طاس .
 اقرار صحیح و اعتراف شرعی لاعلی سیل التجهیة والرهن والجبر والاکراه بل علی
 طریق الخبرة وصدق القول وابن اقرار اخبار است از زمان سابق . ←

www.tabarestan.info
 www.tabarestan.info

و عوضها للآوار مولانا به جمله علی کار و روت
دوزاده دینار رایع و نصف آن باشد بیست و دو تکجه و نیم تا کید اللاصل .
و بمقدمه کور مبلغ موصوف [رسید] و مقدمه کور قبض مبلغ موصوف کرد و مقوله
مشاوالیه نیز زین و موصوف تصرف نمود و صایر کسایرا ملاکه الطایعین الراغبین غیر مجرین
ولا مکرہن .

و جرى ذلك في غرة رمضان المبارك سنة اربع [و] خمسين وثمانمائة .

بکواهی درویش فضل خطیب .

بکواهی حسین بن احمد نجار .

شهید بانیه الفقیر درویش زین الدین .

بکواهی درویش رستم بن یحیی باطیب نوابی .

بکواهی مهراب ابن علی یامت .

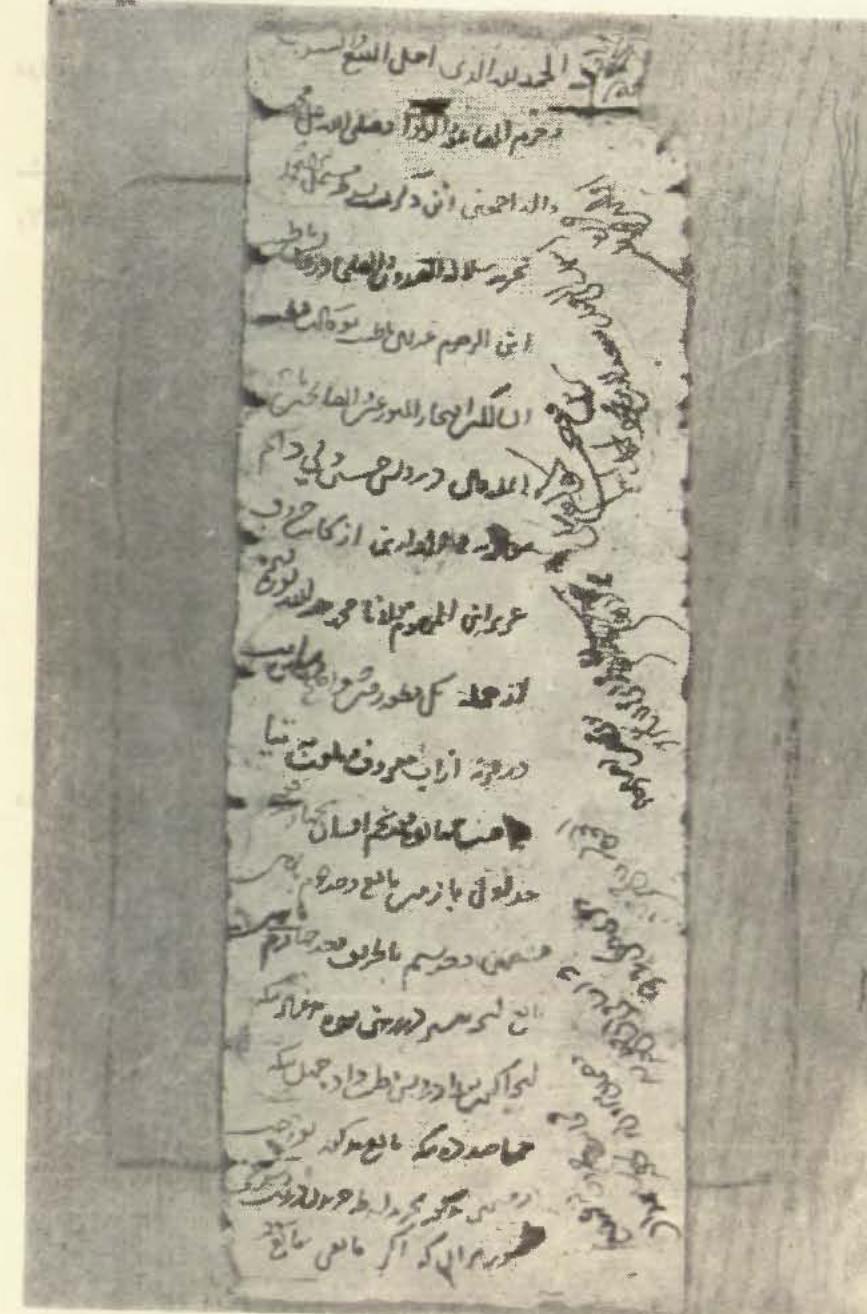
بکواهی درویش رستم بن محمد سالار رایند [بی] .

بکواهی علی ابن ابراهیم آزادی .

بکواهی محدث ابن ابراهیم آزادی .

افر عندي واعترف ما في المضمون حرره الفقير المحتاج الى رحمة الباري محمد حاجی بن
فضل الله دریاباری اصلاح شانه .

دنباله سند سورخ ۱ رمضان ۸۰ باسجل محمد حاجی بن فضل الله دریاباری



سند مورخ ذق ۸۰۸ نوشته یعنی باطیب

[الحمد لله الذي] احل البيع والشرى و حرم المضاعفة والربوا وصلى الله على محمد و
آله اجمعين .

این ذکریست بشرط مشتمل براین جمله که بخرید سلاطنه الصدور والصلحاء درویش با
طیب این المرحوم عز الدین باطیب بوکالت قطب السالکین افتخار المتبرعين و الصالحين
تاج الملة والدین درویش حسن ولی دام سعادت مدفی الدارین از کاتب حروف عزیزان المرحوم
مولانا هیئت الله نور قبره از جمله یک قطمه زمین که واقع و کائن است در قریه آزاد معروف
به قیا مساحت چهارده فقریر تخم افشار بجهار حد معین:
پیشکش به تبریز
حداول بازمیں باع .

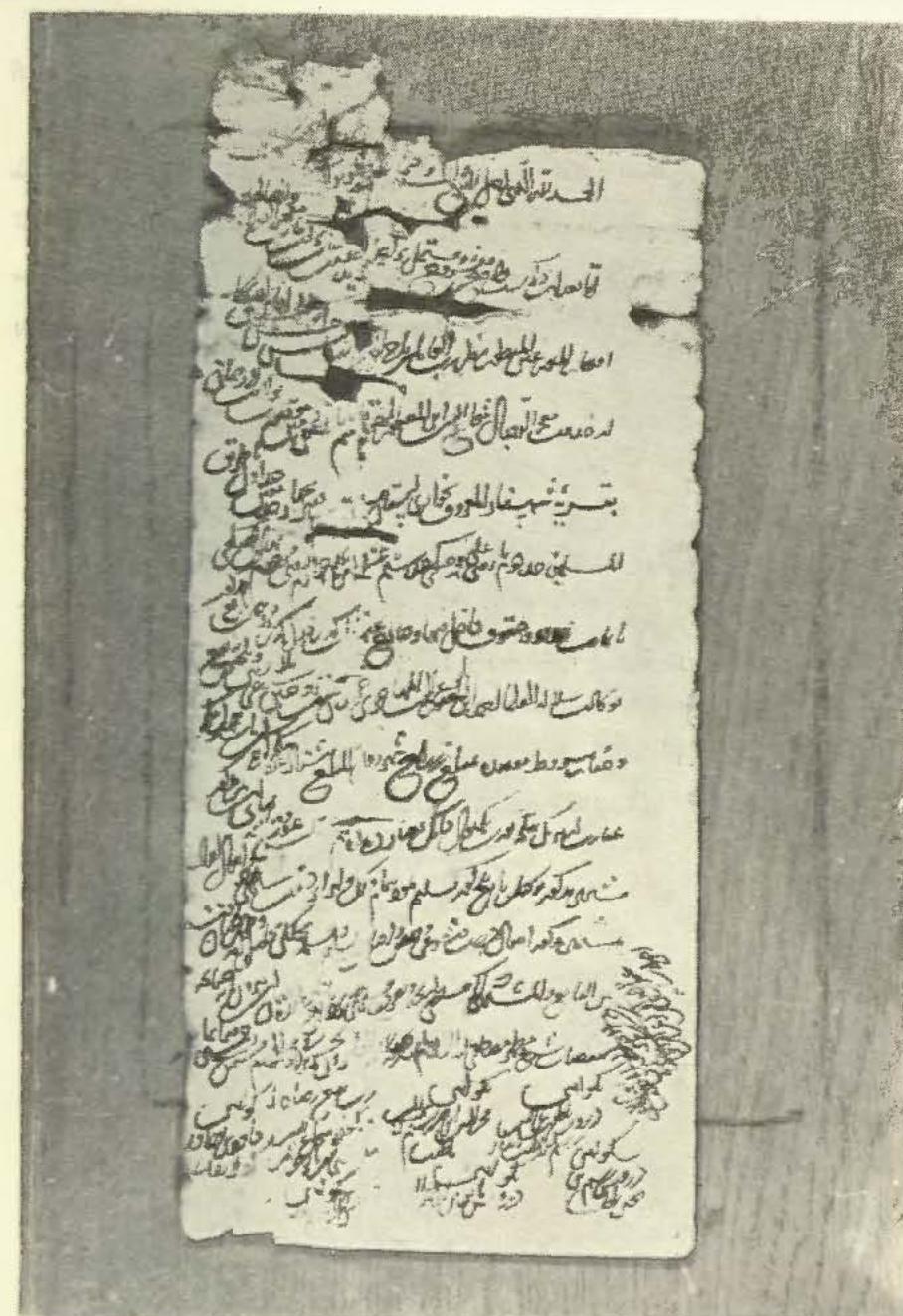
وستله دوم بازمیں مستتری .
وحد سیم باطریق .
وحد چهارم بازمیں باع .

آنچه پیشتر در رهن بوده هفتاد تنگه ، آنچه اکنون نقدا درویش باطیب داده چهل تنگه
جمعه حد [و] ده تنگه .

بايع مذکور بفروخت ومشتری مذکور بخرید بشرط خربدن درست و شرعی مقرر برآن
که اگر مانع مانع شود کاتب از عهده آن وشمان یرون آید بحضور شاهدان که اساسی
ایشان مسطورشد .

وجري ذلك في ذوالقعدة لسنة ثمان [و] خمسين وثمانمائة .

برین موجب رضا داد محمدان مولانا عزیز .
شهدبمصنونه ، حرره العبد الداعی مولانا علی .
برین وجوب گواهم منکی سعد الدین بن احمدان ،
اشهدنی العبد ، حرره امیر الدین یعنی باطیب .
بکواهی حکیم الدین .



سند مورخ محرم ۱۴۰۹ نوشته عبدالحق زین الدین بن کریم الدین القاضی

الحمد لله الذي احل البيع والشرى و حرم المفاسدة والربوا و صلى الله على محمد والآله اجمعين .

اما بعد این ذکریست واضح و مشروع مشتمل بوان جمله که بخرید جناب برگت ماب مفترع الرفاء والصالحین افتخار المتصورین المتظور بنظر روب العالمین تاج الملء والدین درویش حسن ابوالحسین ادام الله برکاته از خدمت مفترع الرجال شجاع الدین ابن المغفور المرحوم رستم بایا قطعة زین که موضوع است به ولایت لاریجان بدقریه شهسفار المعروف به خواری استان ساخت هفت قفیز بجهار حد معین :

اول با طریق المسلمين ،

بیشکن به تبرستان حدود یازمن علی محمد جنگی ،
حد سیم با چشم و دهره ،

دو هارم با زمین مرحوم بهاء الدین جنگی .

با تمامت حدود و حقوق داخل فيها و خارج عنها بات گذر و راه گذر . بفروخت باعی مذکور بوكالت سلاطه العلماء احمدین المغفور با ابو احمدیان العفورو عزالدین المهاجری خریدن درست و فروختن شرعی بلارعن و تلجه نه بیع و خیار و شروط مفسدة .

بهبلغ زر رایج شهر روان المبلع هشتاد عدد تنگجه که نیمة آن باشد چهل تنگجه عبارت از هر یک تنگجه بوزن یک مثقال دانگ بعيار ده .

هم در مجلس عقد و بایمه بهای آن ثمن مذکور بوكيل باعی مذکور تسلیم نمود بتمام و کمال و ایرای ذمت مشتری نمود و انتقال افتاد بمشتری مذکور انتقال درست و شرعاً و قبض و اقباض و تسلیم و رستم بجعلکی بحاصل آمد و قرار چنان رفت بین البائع والمشتری که اگر مستحقی از تحت و تصرف مشتری بدربرد باع از عهده و ضمان آن بیرون آید چنانچه موجبات شرع مظہر مصطفی علیه السلام باشد بحضور جماعة الحاضرون تعزیراً في محروم العرام سنة تس [و] خمسين و ثمانمائة .

بکواهی درویش باطیب عزالدین رستم باطیب نامدار .

بکواهی فخر الدین این رستم شمس الدین باطیب .

بدین بیع رضا داد منکوحة شجاع الدین ماه متی بنت با ابو عزالدین .

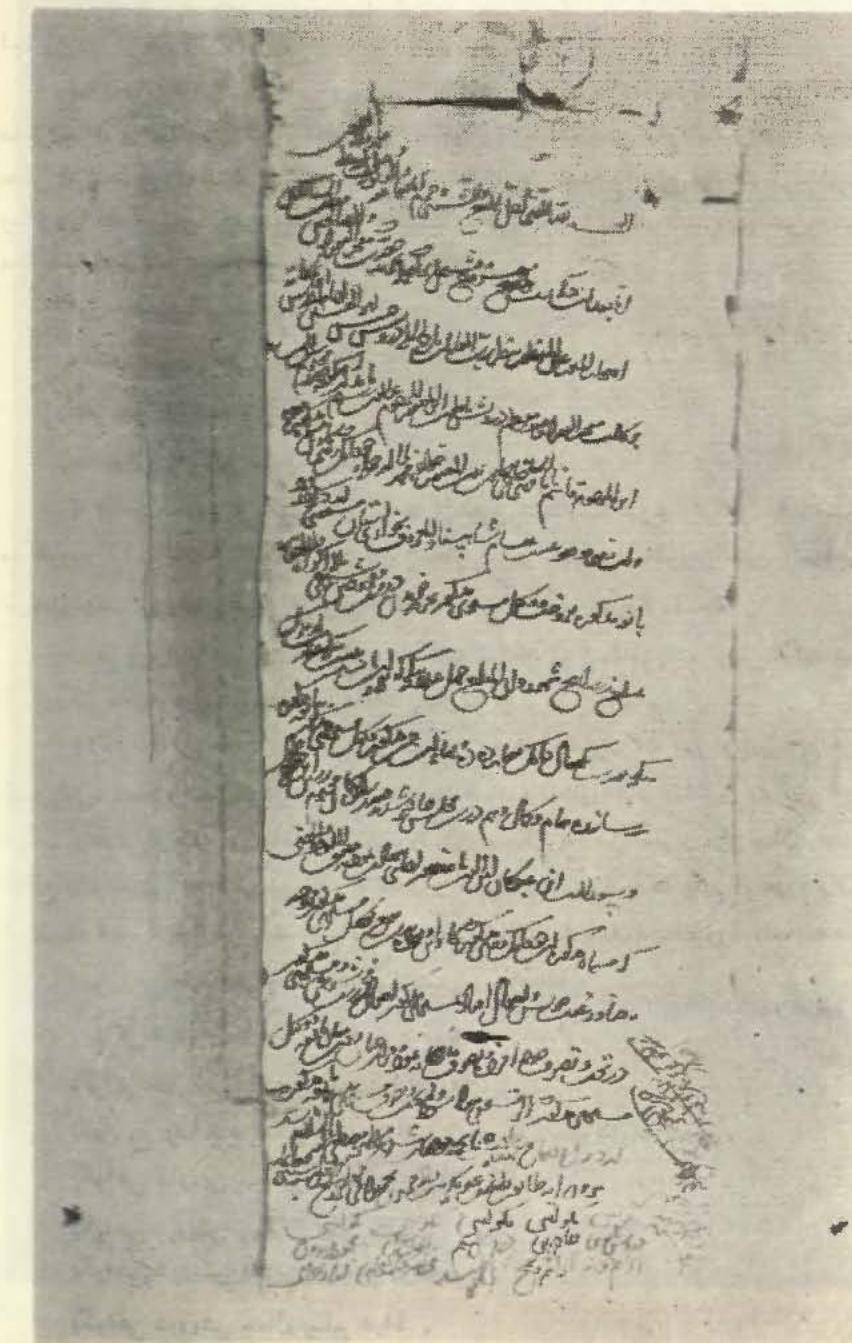
بکواهی داودین نوداور کرد لامائی (۹) .

بکواهی درویش رستم بن یحیی باطیب .

بکواهی درویش بابوین ابراهم حواله .

بکواهی درویش جمال رستم خیاط .

حرمه الفقیر العقیر الـ الله تعالی الغنی عبد الحق زین الدین کریم الدین القاضی اصلح شانه .



سند مورخ او اخرع ۸۶۰ / ۱ توثیقہ عبد الحق زین الدین بن کریم الدین القاضی

الحمد لله الذي احل البيع والشرى وحرم المضاعفة والربوا وصلى الله على محمد وآلہ
اجمعين .

اما بعد این ذکریست واضح و شروح و مشتمل براین جمله که بختیرید حضرت سرکار
مغفر القراء والصالحين قطب السالکین افتخار المتصورین العظیم بنظر رب العالمین تاج العلة
درویش حسن ابوالحسین ادام الله آنفاس برگانه بوکالت مغفر القراء و صدر معظم درویش
باطیب این المغفور المرحوم عز الدین رستم باداد از منکوحة صدر محترم سیف الدین این المرحوم
پیشکش قاسمی بابا المسماة حاجی خاتون بنت المغفور خواجه محمد عانا از جمله دودانگه زمین که
کاوین سلطانه مذکوره بود .

و این زمین موضوع است بمقام شاهسوار المعروف بخواری استان مستغنى از ذکرحدود .
بايعة مذکوره بفروخت ووکیل مشتری مذکور بغيريد خریدن درست و فروختن شرعی بلا اکراه
و لا اجراریست زر رایج شهر وان المبلغ چهل عدد تنگجه که نیمة آن باشد یست تنگجه از
هر یک تنگجه بوزن یک مقال دانگ بعيار ده . و بهای آن ثمن مذکور وکیل مشتری
مذکور بايعة مذکوره سازنده ب تمام و کمال . و هم درین مجلس حاضر شدند صدرزاد گان سحترم
زین این خواجه جمال و سعد الدین این عبد کان این امین الدین با منصور ادای شهادت
دادند متنق اللقط والمعنى که مسماة مذکوره آن دو دانگ زمین مذکور که کاوین او بود
بدین پیع بوکیل مشتری مذکور فروخته به رضا و رغبت خوبی و انتقال افاده بمشتري
مذکور انتقال درست و شرعی ومشتری مذکور در تحت و تصرف خود آورد و تصرف الکانه
نمود . قرار چنان رفت میان بايعة ووکیل مشتری مذکور که اگر مستحق یاداشود و از
تحت و تصرف مشتری بدر برد بايعة مذکوره از درک و ضمان و عهده آن چنانچه موجبات
شرع مطهور مصطفی علیه السلام باشد بیرون آید طایعین راغبین غیر مکرہن ولا مجبیرین .
تحریرا فی او اثر ربيع الاول سنه ستین و ثمانائة .

بکواهی درویش باپوین ابراهیم حواله .

بکواهی حاجی بن ابراهیم حوسمح .

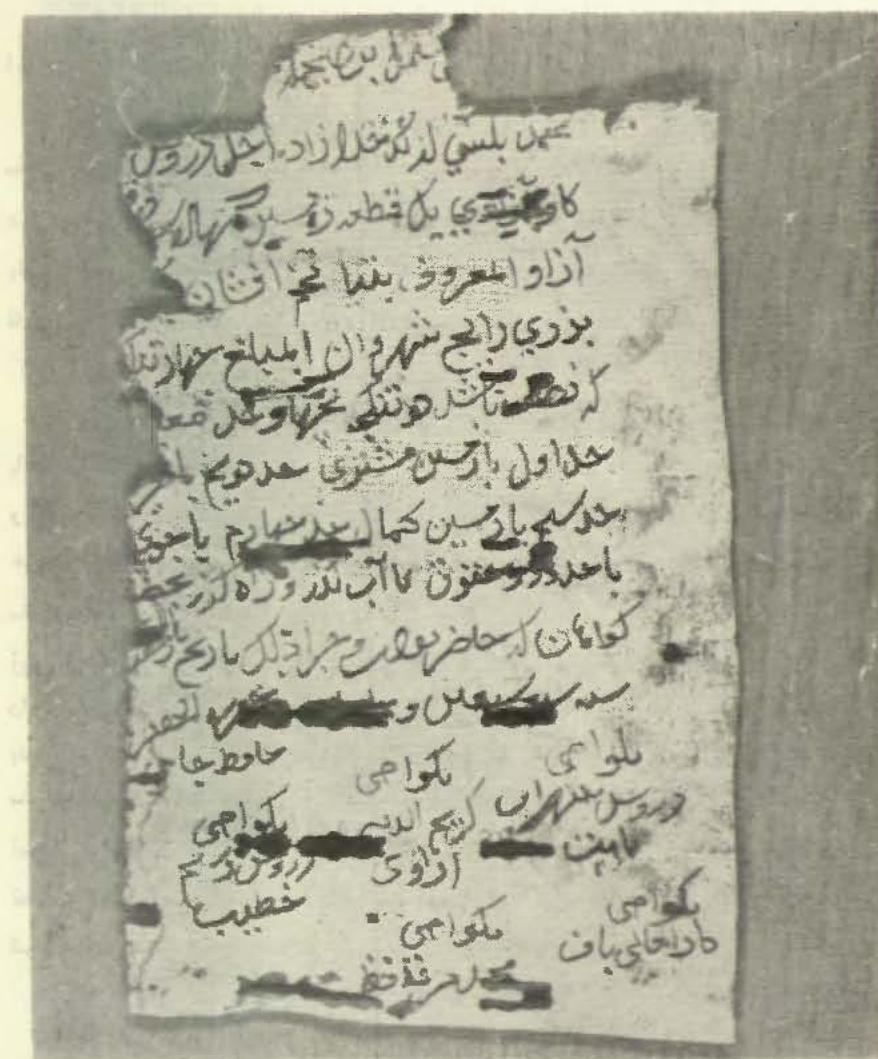
بکواهی درویش رستم یعنی باطیب .

بکواهی عزالدین بن علی فخر الدین کنار انجامی .

بکواهی محمود فریدون کنار انجامی .

بکواهی درویش حاجی بن شمس الدین المهاجری .

حرره الفقیر الى الله تعالى الفتی عبد الحق بن زین الدین این کریم الدین القاضی اصلاح شانه .



سند مورخ ۷۷۸ درباره زمین آزاد معروف به تیا نوشته حافظ جامی

... مشتمل براین جمله [که بخوبید...] محمد بلسی از کشخدازاده اجل درویش کاوه[س آزا] وی یک قطعه زمین که نهاده است در قریه آزاو معروف به تیا تخم افشار [...] بزری رابع شهر روان المبلغ چهارتکجه که نصف [آن] باشد دو تنگجه بجهار حد معین: حد اول بازمیں مشتری،

حد دویم با ...

حلیمیم بازمیں کمال،

حد چهارم باجری

با حدود و حقوق پاپ گذرو راه گذر بحضور[ر] گواهان که حاضر بودند.

و جری ذلک تاریخ [...] سنه سیج [و] سبعین و ثمانمائه.

بیشکش به تبرستانخواه www.tabarestan.info

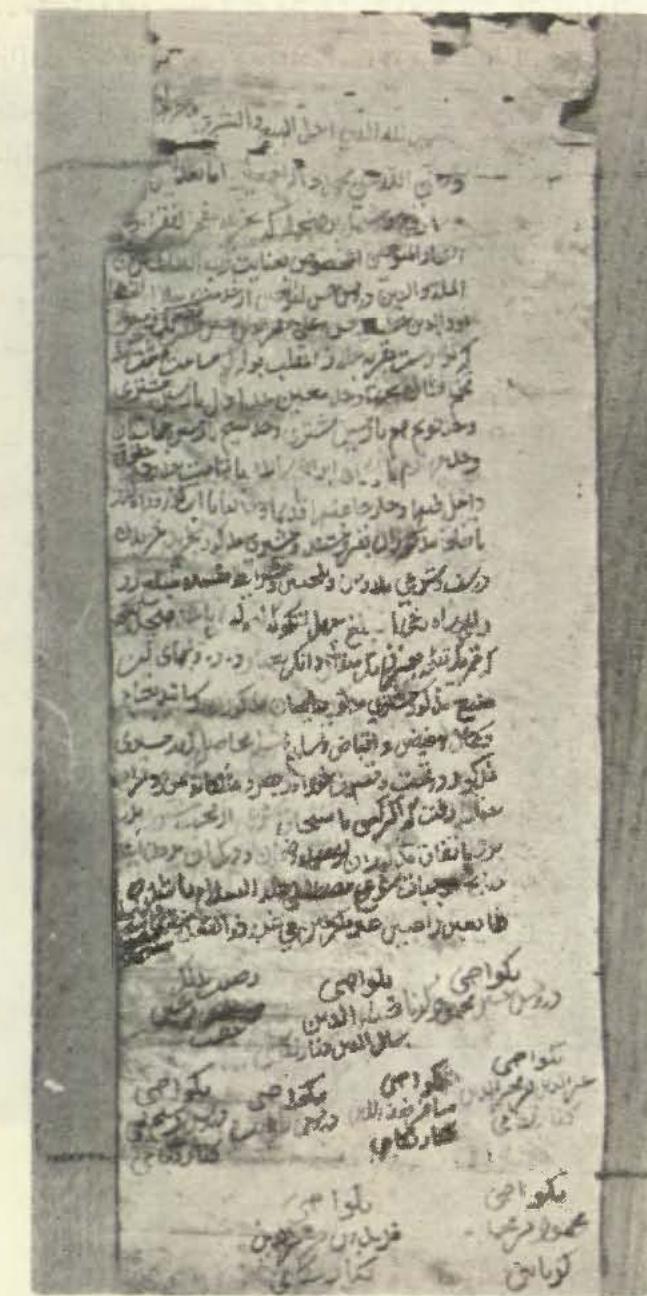
بکواهی درویش سهراب بامت.

بکواهی کریم الدین آزاوی.

بکواهی درویش رستم خطوب.

بکواهی دارا غالی باف.

بکواهی محمد بن حافظ.



متن مورخ اذق ۸۷۵

الحمد لله الذي اهل البيع والشرى و حرم [البيع والريوا] و صلى الله على محمد وآلہ
اجعلن.

اما بعد این ذکر [يست واضح] و مشروع و مشتمل برایین جمله که بخرید مفخر القراء
و [الصالحين] افتخار است [ر] عین المخصوص بهنایت رب العالمین تاج الملة والدین درویش
حسن ابوالحسین از خدمت سلطان الخطباء نورالدین خطیب [و] حسن وعلى و فخرالدین حسین
خطیب یک قطعه زمین که موضوع است بقریة جلاز الملقب به وله کم مساحت هشت کیله
تخم افسان بجهار حد معین :

حد قول يا زمین مشتری ،

حد دوم هم يا زمین مشتری ،

و خد سیم يا زمین چماستان ،

چهارم بالتكای اراعیم سالار ،

با تمامت حدود و حقوق داخل غیرها و خارج عنها قدیماً و حدیثاً بالتبگز و راه گذر.

بایمان مذکوران بفروختند و مشتری مذکور بخرید خریدن درست و شرعی بلا رهن
وتلجه و شرائط مقدمة ، مبلغ زر رایع شاهرخی الصلغ چهل تنگجه که نیمه آن باشد
میجله(?) تنگجه که هر یک تنگجه بوزن یک تنگه دانگ بیمارد ده . و بهای انبعح مذکور
مشتری مذکور بایمان مذکوران رسانید تمام و کمال وقبض و اقباض و تسليم و تسلام بحاصل
آمد . مشتری مذکور در تحت و تصرف خود آورد و تصرف مالکانه نمود .

و قرار چنان رفت که اگر کسی باستحقان شرعی از تحت مشتری بدر برد بایمان مذکوران
از عهده و خمان و درک آن برون آید چنانچه موجبات شرع مصطفی عليه السلام باشد
طایعین راغبن خیر مکرهین .

فی خرقة ذوالقلمة سنة ثما [نو] میعنی [و] ثمانیانه ،

وحيث بذلك نورالدین بن حسین خطیب ،

بکواهی درویش حسین محمود گرنا ،

بکواهی فیله الدین بن جمال الدین کنارنگامی .

بکواهی عزالدین بن فخرالدین کنارنگامی ،

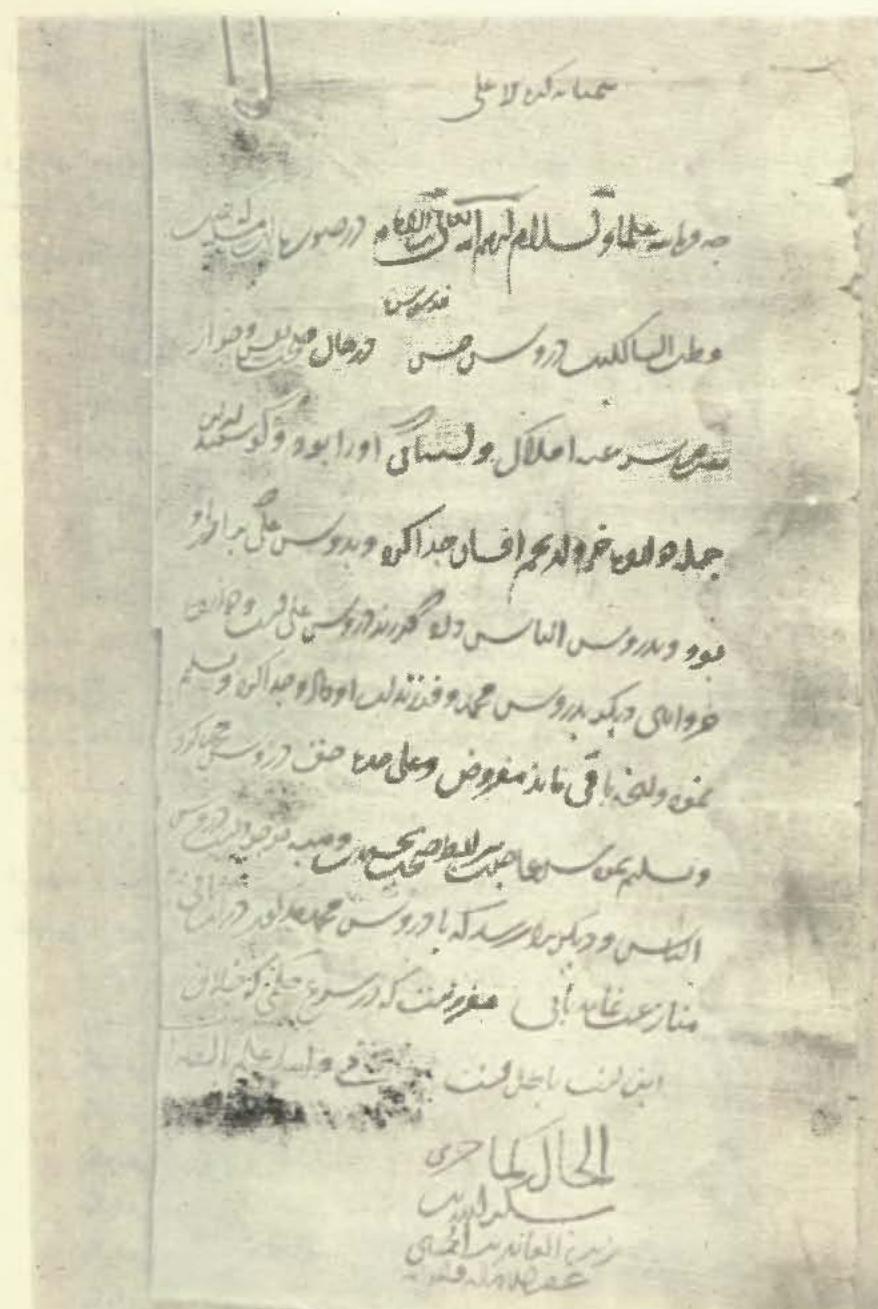
بکواهی مسافر خیاه الدین کنارنگامی ،

بکواهی درویش باطیب ،

بکواهی درویش رستم یحیی کنارنگامی ،

بکواهی محمود پیر محمد گرنا ،

بکواهی فریدون بن فخرالدین کنارنگامی ،



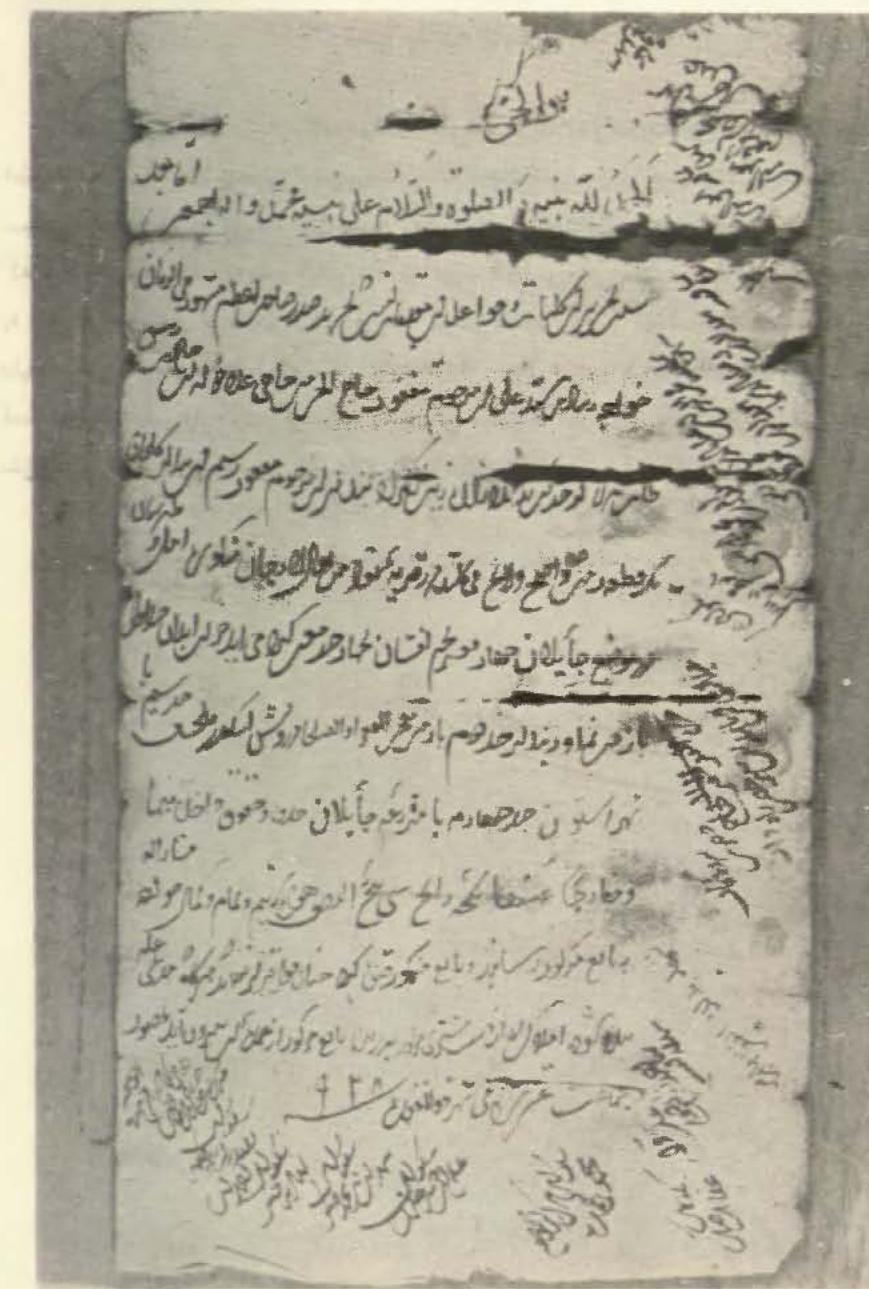
استشهاد در باره املاک قطب السالکین درویش حسن قدس سره با سجل شکرائهن زین العابدین الحسینی ازده^۹

تعنیا بد کره الاعلی

چه فرمایند علماء اسلام ایدهم الله تعالیٰ بین الانما در صورت این مسالمه که جناب
قطب السالکین درویش حسن قدس سره در حال صحت نفس و جواز تصرفات شرعیه املاک و
اسبابی کما اورا بود و گوستند ازان جمله دوازده خروار تخم افشار جدا کرد و بد درویش علی
که برادر او بود و به درویش الیامن داد که فرزند درویش علی است و دوازده خرواری دیگر
بیشکن به درویش محمد و فرزندان او داد و جدا کرد و تسليم نمود و آنچه باقی مال مفروض و
علیه شخصی درویش محمد کرد و تسليم نمود شرعاً . چون شرایط صحت بخشیدن و به موجود
نمود درویش الیامن دیگر را نرسد که بادر ویش محمد مذکور در آن باقی ممتازت نماید باقی
مقررات www.tabarestan.info

فی (؟) واقع اعلم بالصواب

الحال کماجری شکرائهن زین العابدین الحسینی غفار الله له ولوالديه .



سند مورخ ذق ۹۲۸ نوشته میرک ابن قوام الدین القاضی

الحمد لله رببة والصلوة والسلام على نبيه محمد وآلـه اجمعين .

اما بعد مسبب تحریر این کلمات و قواعد این مقدمات آنست که بخرید صدور صاحب اعظم مشهور فی الزمان خواجه زین الدین سید علی این مرحوم مغفور حاج الحرمین حاجی علاء دولـة این تاج الدین رئیس طاب ثراه از خدمت کنخدا زاده زرین بزرگ زاده بنـدار این مرحوم مغفور رسم این بنـدار کلـجان، یک قطمه زمین که واضح و لایح می باشد در قریـه نوا من اعمال لاـریان من کوـره آـمل و طبرستان در موضع جایلان چهار قیـز تغم افـشان بجهـار حـدـیـعـین کـوـده می آـید خـراب اـبدـان (؟) (خرـاب و آـبـادـان):

سـمـعـکـلـاتـ حـوـاـلـتـ حـسـنـ سـلـمـ بـخـرـیدـ صـدـورـ صـاحـبـ

حدـ اولـ یـازـمـنـ نـمـاـوـرـ بـنـدـارـ

حدـ دـوـمـ یـازـمـنـ مـفـخـرـ الفـقـراءـ وـالـصـلـحـاءـ درـوـیـشـ اـسـكـنـدـرـ بـلـحـسـینـ ،ـ حـلـسـیـمـ بـانـهـرـاسـتوـنـ ،ـ

جـهـارـ چـهـارـ باـمـزـرـعـهـ جـایـلـانـ

حلـودـ وـحـقـوقـ دـاخـلـاـ فـيـهاـ وـخـارـجـاـ عـنـهاـ ،ـتـنـگـچـرـايـحـ سـيـ وـبـيـجـ کـهـ التـصـفـ هـفـتـ شـنـگـهـ

نـيمـ وـتـلـمـ وـكـمـالـ خـواـبـةـ مـشـارـالـيـهـ بـيـاـعـ مـذـكـورـ رـسـانـيدـ وـبـيـاـعـ مـذـكـورـ قـبـولـ کـرـدـچـهـانـ قـوـلـ

[وـ]قـارـنـمـوـنـدـ کـهـ هـرـ گـاهـ کـمـدـعـیـ عـلـیـهـ بـيـداـشـوـدـ اـمـلـاـکـ رـاـ اـزـ دـمـتـ مـشـتـرـیـ مـذـكـورـ بـدـرـ بـرـدـ

بـيـاـعـ مـذـكـورـ اـزـ عـهـدـ آـنـ بـيـرونـ آـيـدـ بـحـضـورـ جـمـاعـتـ .

تحریر افی شهر ذوالقعدة سنة ۹۲۸ .

الحال کـمـاـ شـرـحـ فـیـ هـذـهـ الـوـيـقـةـ حرـرـهـ مـیرـکـ اـبـنـ قـوـامـ الدـینـ قـاضـیـ .

بـکـوـاهـیـ اـسـكـنـدـرـ اـبـنـ رـسـمـ بـاطـیـبـ .ـ بـکـوـاهـیـ اـحـمـدـ بـنـ سـعـدـ الدـینـ [بـاـ]ـ طـیـبـ .ـ بـکـوـاهـیـ

سـهـرـابـ اـبـنـ مـحـمـدـ [بـاـ]ـ طـیـبـ .

بـکـوـاهـیـ عـلـیـ اـبـنـ حـسـینـ [بـاـ]ـ طـیـبـ .ـ بـکـوـاهـیـ مـیرـکـ اـبـنـ المـرـحـومـ مـحـمـودـ اـحـمـدـ

بـکـوـاهـیـ عـلـاءـ الدـینـ [بـاـ]ـ طـیـبـ ،ـ شـهـدـ بـمـافـیـهـ اـحـمـدـ بـنـ المـرـحـومـ عـلـیـ قـرـاـ(؟)ـ .ـ

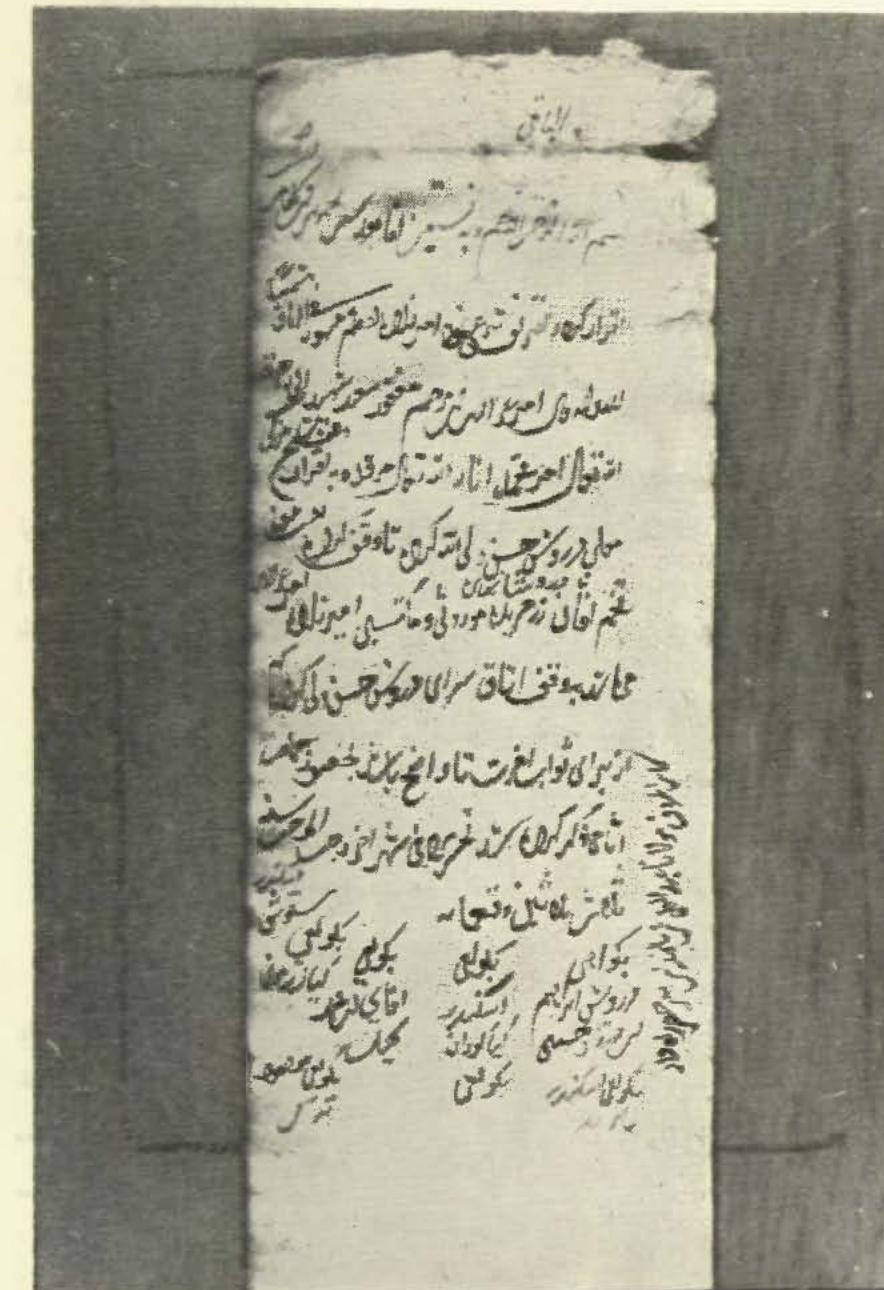
شـهـدـ بـذـلـکـ الـقـرـیـبـ بـایـرـوزـ (؟)ـ حـرـرـهـ الـقـرـیـبـ الـعـقـیرـ الـمـحـتـاجـ حـضـرـتـ پـرـوردـ گـارـ عـبدـالـعـلـیـ اـبـنـ

بـاـونـدـ اـبـنـ بـیرـخـضـرـ رـاهـ دـارـ ،ـ بـکـوـاهـیـ بـایـوـ فـخـرـ الدـینـ زـرـنـکـمـرـ ،ـ شـهـدـ بـمـافـیـهـ فـخـرـ الدـینـ اـبـنـ

غـیـاثـ الدـینـ اـبـنـ سـعـدـ الدـینـ مـحـمـودـ اـحـمـدـ رـئـیـسـ ،ـ شـهـدـ بـمـافـیـهـ سـعـدـ الدـینـ اـبـنـ غـیـاثـ الدـینـ سـعـدـ الدـینـ

مـحـمـودـ اـحـمـدـ رـئـیـسـ ،ـ شـهـدـ بـمـافـیـهـ فـیـفـ الدـینـ ...ـ بـاطـیـبـ .ـ شـهـدـ [بـمـافـیـهـ]ـ مـحـمـودـ اـبـنـ المـرـحـومـ

سعـدـ الدـینـ عـبـدـ کـانـ شـهـدـ بـمـافـیـهـ ...ـ



سند مورخ آخر رجب ۹۲۳ نوشته عبد العلی بن باوندین پیر خضر راه دار
در باره وقف براتاق سرای درویش حسن ولی الله

هوالباقی

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين .

اما بعد مسبب تحریر این کلمات آنست که اقرار کرد و اعتراف شرعی نمود امیرزاده اعظم مشهور فی الزمان مسماً سعد الدین امیر عزالدین این مرحوم مغفور شهید الی رحمة الله تعالى امیر محمد اذار الله تعالی مرتقد به اقرار وقف شیخ مزکی معلی درویش حسن ولی الله کرده تاویف کرده بیست من تخم افسان در دشانه ره زر خربله موروئی و مکتبی امیرزاده امیر عزالدین می باشد به وقف اتاق سرای درویش حسن ولی کرد از برای ٹواب آخرت تواضع باشد بیشکنل به تضليل جماعت اثامی(؟) ذکر کرده شد .

تحریر اف شهرا آخر رجب الموجب ثلات ثلاثین و تسعین .

پکواهی درویش ابراهیم این درویش حسینی .
پکواهی اسکندر کیا کوران .

پکواهی آقای این محمد گیل .

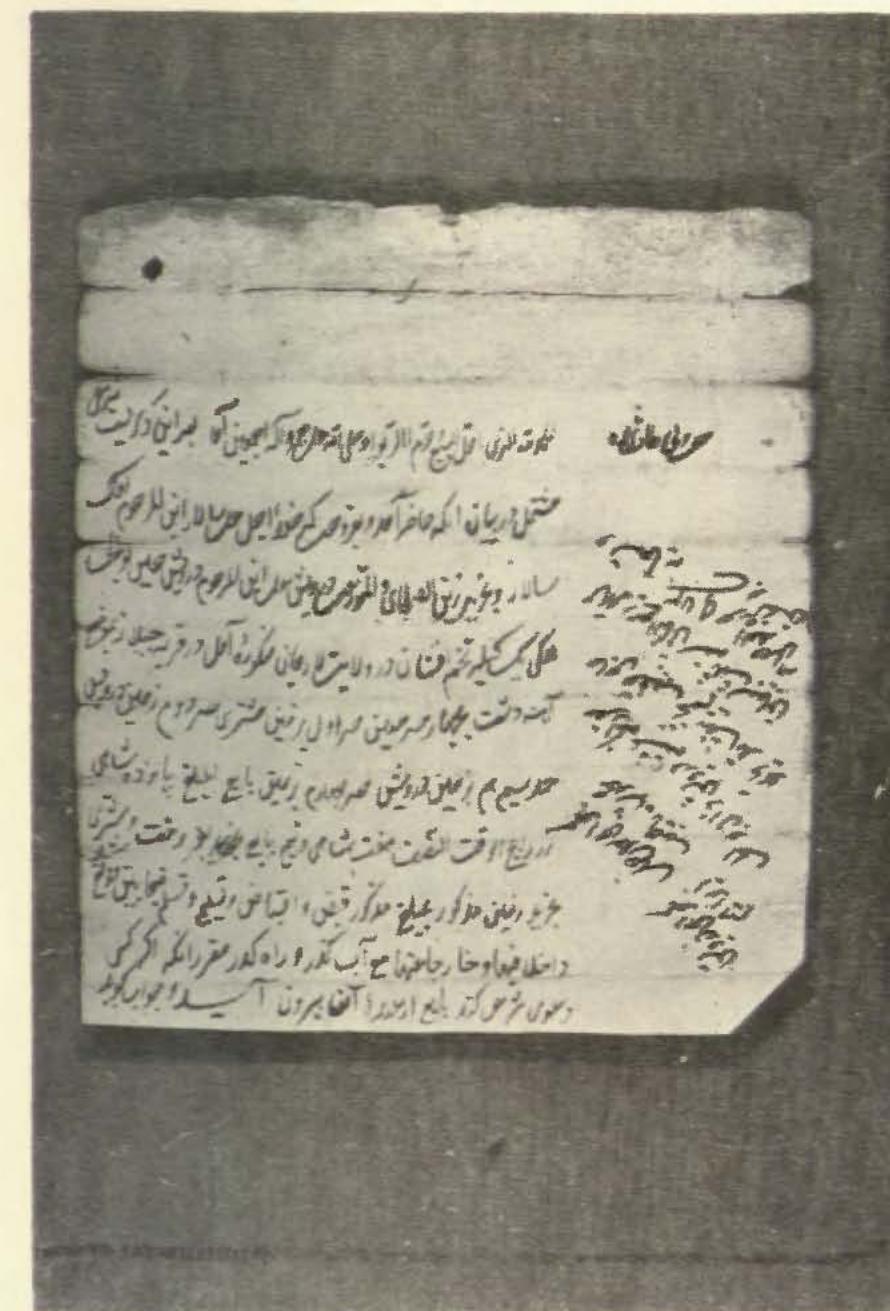
پکواهی سیاوش اسکندر کیا زرسونی .

پکواهی اسکندر پایزید .

پکواهی [] .

پکواهی مقصود ترک .

کاتب الحروف مولانا عبدالعلی این باوند این پیر خضر راهدار .



سند فروش علی سالار یک کیله تخم افشار جیلاز آهنه دشت لاریجان آمل را به درویش علی بن
درویش حسین بوالحسین به ۱۳۸۰ مورخ ۹۷۲/۲ نوشته فضل الله بوالحسین

الحمد لله الذي احل البیع و حرم الربوا و صلی الله علی محمد و آلہ جمعین.

اما بعد این ذکریست شرعی مشتمل در بیان آنکه حاجی آمد و بفروخت کدخدای اجل
علی سالار آن المرحوم افالک(؟) سالار و بخرید زین الصلحاء والستور علی این المرحوم
درویش حسین بوالحسین همکی یک کیله تخم افشار در ولایت لاریجان من کوره آمل در
قریه جیلاز به موضع آهنه دشت بجهار حد معین :

حداول بزمین مشتری .

حد دوم زمین درویش حسن ولی طلب ثراه .

حدیم هم بزمین درویش .

خلف چهارم بزمین باع .

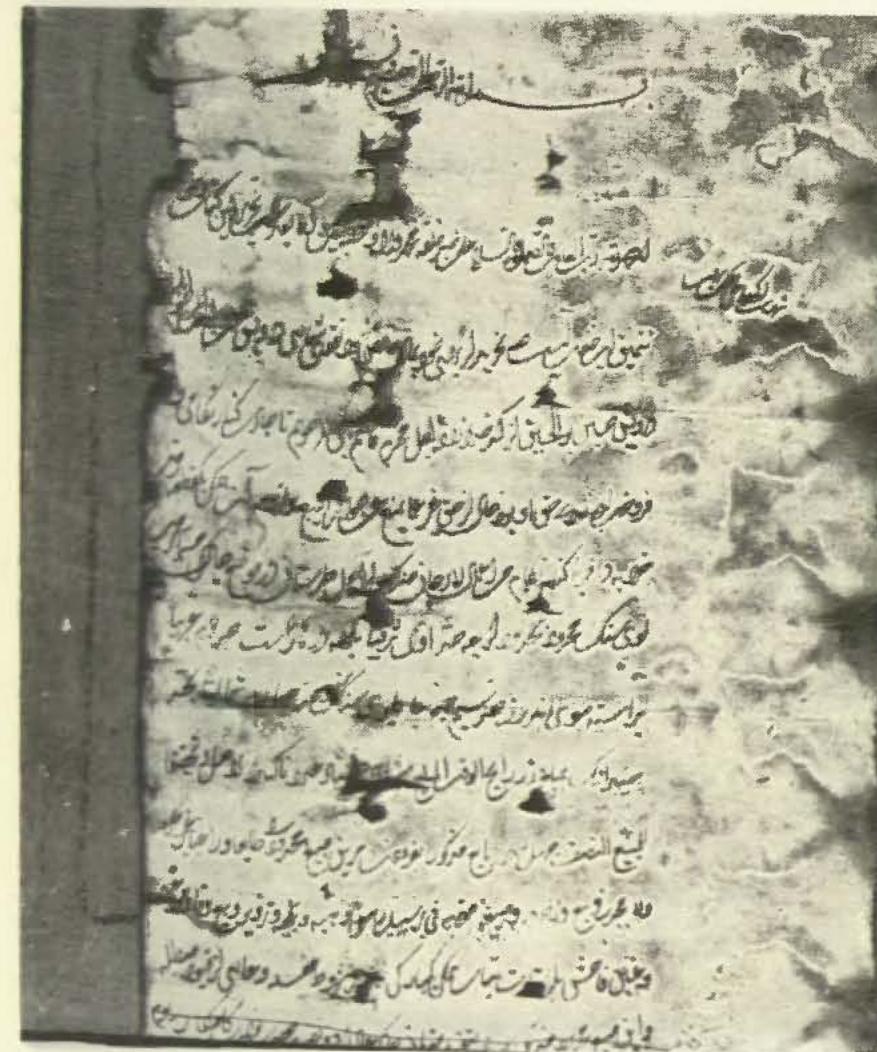
البلع پائزده شاهی زر رایج الوقت، النصف هفت شاهی و نیم .

بايع بفروخت و مشتری بخرید زمین مذکور ایبلع مذکور، قبض واقباض و تسليم و تسلیم
قیامین واقع شد داخلان فيها و خارجا عنها مع آب گذر و راه گذر، مقرر آنکه اگر کسی دعوی
شرطی کند باع از عهده آن بیرون آید و جواب گوید .
پکواهی سعادت نصاب محمدشاه باطیب .

پکواهی درویش ابراهیم .

مقرر آنکه به مشتیت درویش زال بوالحسین حاجی خطوب تخم بفشناده .
تحریرا فی شهر ربیع الثانی سنة تلث [و] سبعین و تسعمائنسنة ۹۷۳ . حرره قضل الله بوالحسین

دویش حسین بوالحسین



سند مورخ ۹۷۰ نوشته فضل الله بالحسين

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآل وصحبه أجمعين.

اما بعد سبب تعریر این کتاب و موجب تعمیق این خطاب آنست که بخرید از برای خود به مال خالص خود تقوی شعایری درویش علی این المرحوم [المبرور] درویش حسین ابوالحسین از کندخدا زاده اجل محترم قاسم این المرحوم تاج الدین کناننگامی و فروخت آنچه نمود که حق او بود خالی از حق غیر عما یمنع عن جواز البيع ولزومه آن همگی یک قطعه زمین خرابه پیشکشی رفیعه کنار نگام من اعمال لارجان من کوره آمل طبرستان در موضع جالکی مسما بزمین لوى سنگ سند محدود بحدود اریه:

جداول شرقیابه لهه دهه راست .

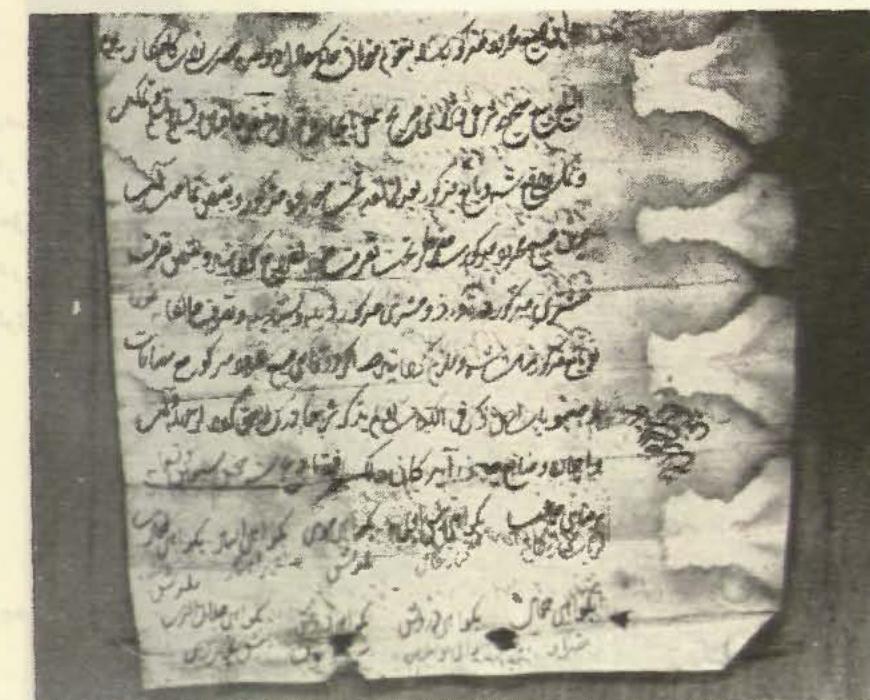
حد دوم غربیابه راسته سوی اندرز .

حلیم چنوبیابه لوى سنگ .

حد چهارم شمالیا بعد میدانگ .

بمبلغ زو رایج وقت المبلغ شاهی هشتاد عدد تکسیرالاصل و تحقیقا للسبع الصد
چهل عدد .

با پای مذکور بفروخت مرین مبيع محدود را طایعا و راغبا غير مکروه لا مجرم في پیغ واحدة
وصیفه متحده تی برسیل رهن وتلجه و تزویر و بیع و فاومواعید و غبن فاحش بل تمامت بتاب(۹)
همگی یکبارگی [حالی از] شروط مفسدة و عاری از قیود مبطة .



دنباله متن سورخ ۹۷ نوشته فضل الله بوالحسين

و این مبيع محدود مذکور را بقیوم مقومان حاکم عادل ذوقصره حضرت نواب کامکار شهاب الحکامی ملک بهمن یوم الیع بیع صحیح و شرعی و شرای صریح سمعی با یجلب و قبول و قبض و اقاض و تسليم و تسلیم و تمكن و تمكن واقع شد.
و بایع مذکور بعد از اخذ ثمن محدود مذکور و بقیض تمامت آن مرین مبيع محدود مذکور را مفرغ‌گار تحت تصرف خود اخراج گردانید و بقیض تصرف مشتری مذکور در آورد.
و مشتری مذکور دیده و پسندیده و تصرف مالکانه نموده. و بایع مذکور ضامن شد و ملزم گردانید که اگر در تمامی مبيع محدود مذکور مع مضایقات و منسوبات آن ذکر فی الكتاب پیشکش بیان یذکر شرعاً درک لاحق گردد از عهده آن و اجاره و منافق بیرون آید.

برخایی جماعت ارباب کنارنگام .

بکواهی رئیس بایوی کنارنگامی .
بکواهی موسی بلاش .

بکواهی استاد احمد آهنگر .

بکواهی جمال الدین بلاش .

بکواهی جمال خراط .

بکواهی درویش زال بوالحسین .

بکواهی درویش ... ن .

بکواهی جلال الدین رئیس تجدیری .

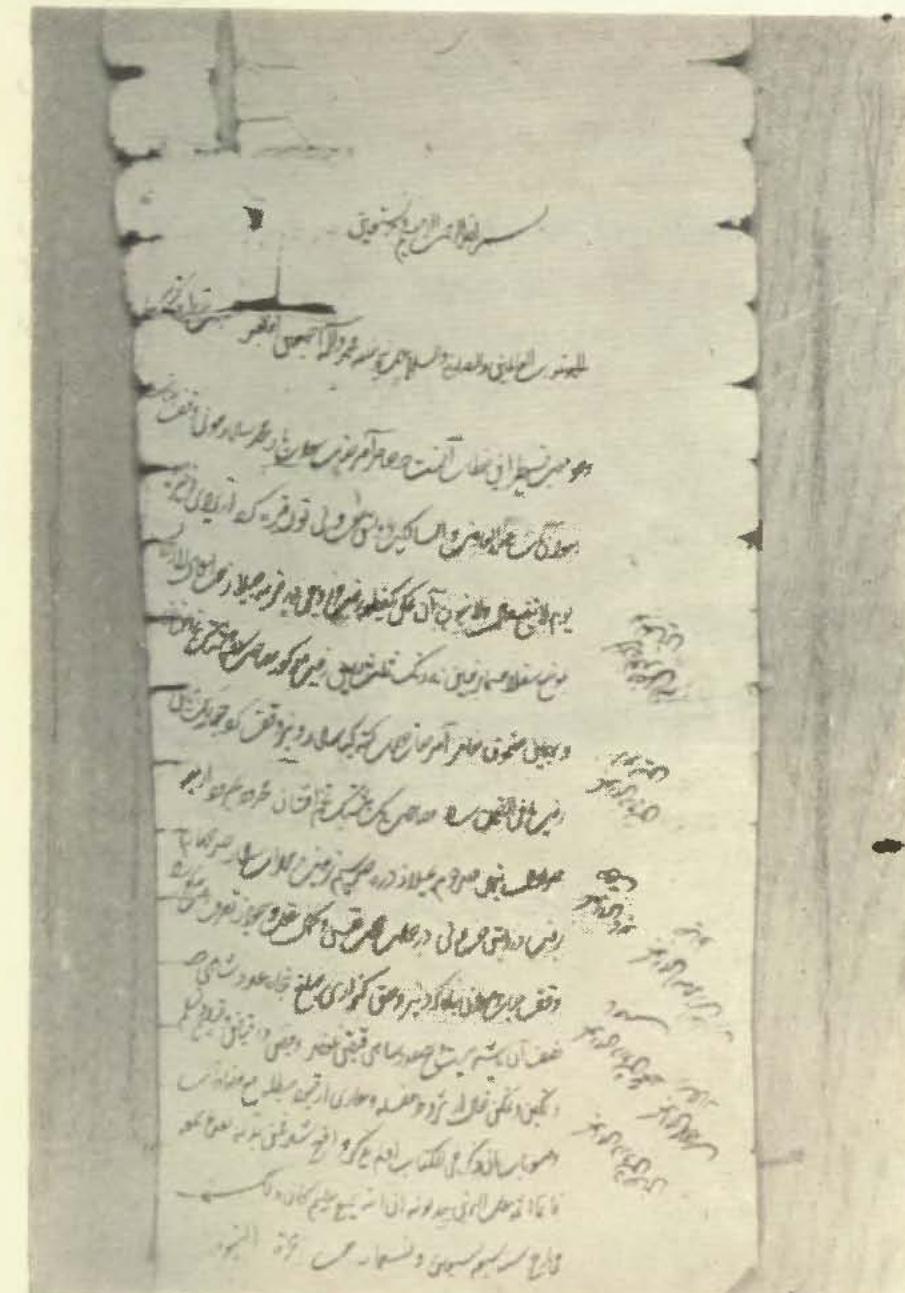
کاتب العبد فضل الله بوالحسین .

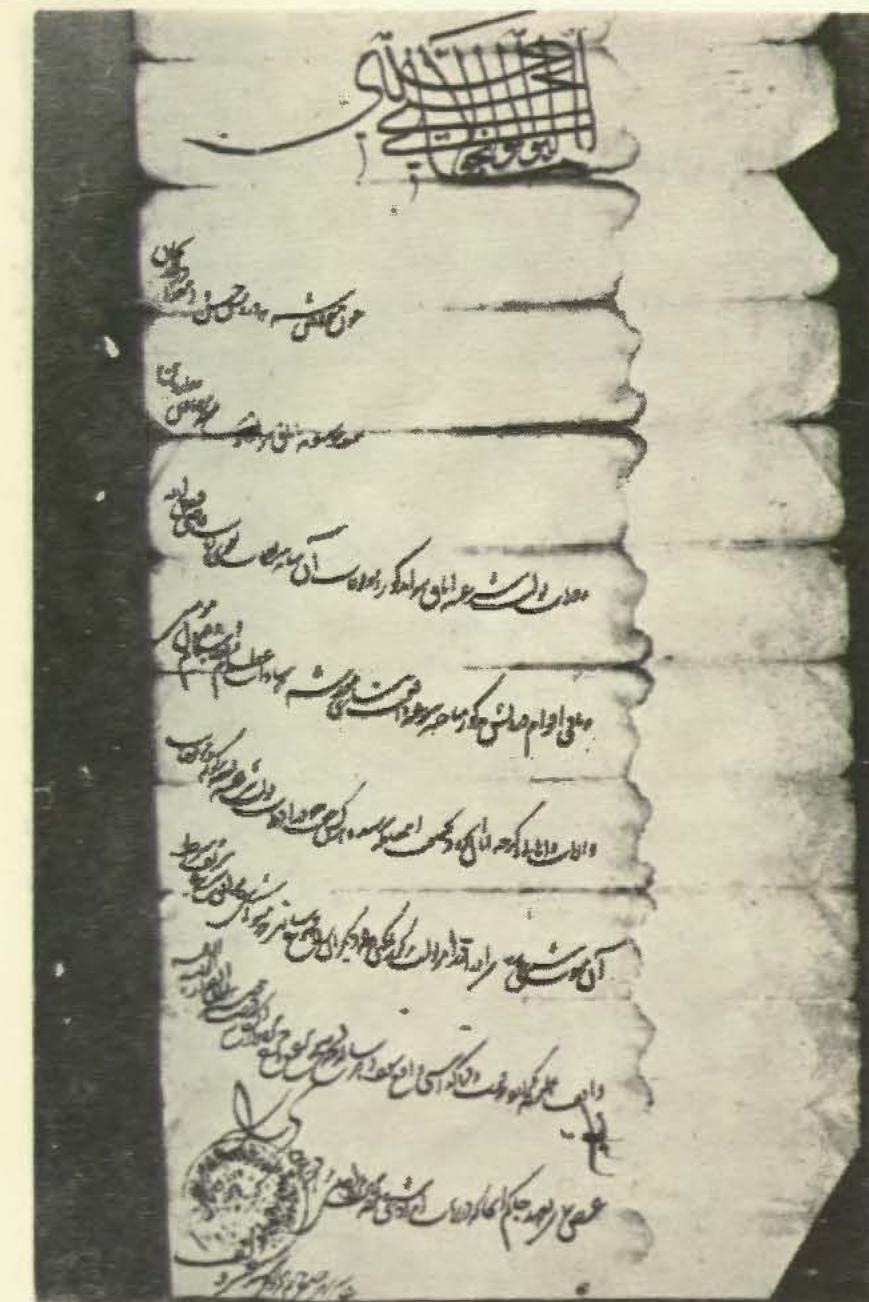
دروشت سند آمده : قباله زمین جالکی لوی سنگ(?) .

www.tabarestan.info

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِين

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله أجمعين .
اما بعلتیب تحریر این کتاب ومحب تصریف این خطاب آنست که حاضر آمد جناب
یار محمدسالار مونی وقت جناب رضوان مأب عده العارقین والساکنین درویش حسن ولی نور مرقد
کرد از پیرای ذخیره يوم لایتفع مال ولا بنون آن همگی یک قطعه زمین مزروعی در قریه جیلaz
من اعمال لارجان به موضع سفلی قیمایین زین نه رنگ تلث زمین مذکور مصاحت (۹) سه
هشتک تخم افشار و بهمین مضمون حاضر آمد جناب دولت مأب گته کیاسالار و نیز وقف کرد چهار
بیشکل بیکی همین زمین ماقی الضعن را مصاحت (۹) یک هشتک تخم افشار محدود بحدود اربعه
حد دوم به جیلaz دره ،
حد سیم بزمین مهراپ سالار ،
حد چهارم بزمین درویش حسن ولی ،
در حالت صحت نفس و کمال عقل و جواز تصرف زمین مذکور را وقت جناب رضوان
پنهان کردن و حق گزاری مبلغ پنجاه عدد شاهی که نصف آن باشد بیست عدد شاهی قرض نمودند
و بقیه و اقباض و تسلیم و تسلیم و تمكن خالی از شروط مفسدة و عاری از قبود
مبطله مع مضافات و منسوبات ان ذکر فی الكتاب اولم یدکرواقع شد . فمن بدله بعد مسامعه
فانا الله على الذين يبدلونه ان الله سمیع علیم . کان ذلك في تاريخ سنة سبعه [و] سبعین
و تسعماهه من هجرة النبوة .
یکواهی درویش حسین .
یکواهی درویش محمود بامت .
یکواهی جمال الدین سالار .
یکواهی یابودولت .
یکواهی استاد زین العابدین خیاط .
یکواهی درویش اویس .
حرزه العبد فضل الله بالحسن .





فرمان مورخ ۱۰۱۰ صفر درباره بقعة اطاق سرای که وقف بر مادرین وواردین است

من ابوالولی الانجوالحسنی الحسینی(۱)

چون معروض شد که درویش حسن ولی مشهور در لارجان بقعه موسومه به اتاق سرا او قب
نموده بر مادرین و واردین و دربایب تولیت شرعیه اناق سرای مذکور و موقوفات آن میانه
شرع عتماب تقوی ایاب قاضی فضل الله و باقی اقوام درویش مذکور مباحثه شرعیه واقع است بنا
براین مقررشد که سادات عظام و قضاة اسلام وعدول مؤمنین واریاب و اعلی و کخدایان
آن حدود به حقیقت این معامله رسیده هر کس حقیقت خود را در دربایب تولیت شرعیه بقعه مذکوره و
پیشکش حقوقیات آن بشیوه شرعی بر سازد واورا در امر تولیت مذکور تمکن داده دیگران را منع سازند که
متولی سلطنه موافق شرع شریف و شرط واقع عمل نموده نگذارد که فوت و فروگذاشتی واقع
شود. هر ساله نسخه منتع برجمع و خرج محصولات آن سرکار درست نوشته بدیوان الصداره
العلیه العالیه عرض نماید. بعده حاکم آنجا که درین باب امداد شرعی نموده مجال تمرد احمدی
نده در عهد دارد. تحریرا [فی] عاشر شهر صفر ختم بالخبر والظفر سنة عشر و الف (مهر).

هاشم : مطالعه شد.

هشت فرمان (پاره شده) :

.... بصلح بایکدیگر راضی تمیشوند اگر بشود... و بعد بر عرض و نمود پروانجه برات
دارد ... و تشخیص بمهمه حاکم و امانتا بستور حضور بر مس بحوال دیگرست(۹) ...

۱- امیر ابوالولی برادر میر ابوالمحمد و پسر شاه محمود انجوی شیرازی متولی آستان قدس
روحی و اوقاف غازانی و آستانه شیخ صفی و قاضی عسکر و صدر اعظم شاه عباس بوده است
(عالی آرای عباسی ۱۴۸ - ۲۷۱ - ۳۸۵ - ۷۱۹ - ۱۰۸۹) و همین توقيع او در فرامیں فارسی
مانند از اسناد مورخ محرم ۱۰۱۲ ش ۲ هست

八四

مقامست نمودند کاتب‌العرف و درویش میرزا‌الملاک موزوئی و ابی‌یاعی‌را برین موجب
که مالوجهات و اخراجات هرچه حواله شود مناصفه بدهند و هر زمین که مدعی‌بیدا شود به
اتفاق‌همدیگر حواب گویند.

حصبة کاتب الحروف : املاک قریة ابرا ، املاک جيلاز ، باع احملساalar ، آهن دشت ،
دشت زمین حسن سالار ، و زمین بهاء الدین سالار ، املاک زمین ملا معصوم سامان کاتب ،
درخت نشاسامان اطاقمسرا ، باع لوذرگاه ، زمین احوزه داری (?) میدان باع پشت ، لشکای
 حاجی حسن ، قریة آزاب زمین زواره در ، چاله‌ذیم مسفلی .

پیشکش به حصة درویش میرزا؛ اسلام کلهار، زمین ورسهین، کهل لوی پیش که خود بگند،
سفید آب آنها پشت، باع جوریاغ، چاله دیمه علوی، قریمه آزاب دمه زار یا بین، قریمه جیلاز،
کلیلان، زمین عضقر گاو.

طاق: بعضی از زمین ملامع صوم، دور رخت کاتب الحروف که زمین ملامع صوم سامان درویش
مذکور است هر گاه که ببرد دیگر تکارده، خانه مریع، لودر گاه انباء
تحریر اف شهرب ذی شهر سنه انتی ثلائین وalf هجریة.

شہادت دیویٹ، عنایت اللہ،

شهادت بهلول ولد درویش نور الله،
خانه طولانی یکد رلو هرجا که حصه برسد، لوردرگاه کهل، بالاخانه اطاق سرا،
نمذار بالا، درخت الیاس و درخت محمد و خطیب و درخت کوچک عزیزرا بدرویش
میرزا پخشندم.

دریشت آنده : بخش نامه
حرره العبدالاصل بنۃ شاه فیض اسدالله الحسین (مهر).

۷۰
شاعر خودند کار اخراج و در دنی هم را احلاک جو رو فتو
ایضا علی برو بعور که لوحه هاست و از هات مردم و موالی شود معاشر
بیشتر نمایند و بعده بعین که بوندی میداشتند با توانی مهدی بر جواہ کو نمایند
در حشت خصیر کار اخراج و
اصحه دویش هرزا
احلاک سخا شجاع و برس
فهار که بیان اخراج و بودند
رس بنشت اس دست
سعاده بیان بجای بجای
ایضا بیان حاله دم خلوی
رس اس اس اس اس اس اس اس اس اس
اینکه از این زمان تا پیش
کاریان اطیق عرض عضو کار
در حشت سلیمان
سکان افلاک افلاک افلاک افلاک
بسیار و سیار و سیار و سیار
معاشرت هلاک علی چیز
و سوار اس حاله دم
دویش و از این شغلی
کو اس اس اس اس اس اس اس اس اس



سند مورخ شوال ۱۰۲۶ درباره مزار تطب السلاک والمحققین درویش تاج الدین حسن ولی و دوباره زمین مزروعی صحرای کاردگران جالکای

هو

غرض از این نوشته آنست که جماعتی که اسمی ایشان درین وثیقه قلمی می‌باشد که موازی دو قطعه زمین مزروعی که واقع است در صحرای کاردگران من اعمال جالکای که در محل صحة (؟) حکم جهان مطاع مقرر شده بود که موسمی (؟) در صحرای محله جالکا حسب الاصلاح کدخدایان (؟) ورعایا اطباب در نزونچون انباب و اهالی در اراضی مذکوره بواسطه اطباب کشیدن درسر قطعات مذکوره رفته اطباب دراور [ن] جمعی از مؤمنین و مؤمنات پیشکشان اتفاقی قطب السالکین والمحققین درویش تاج الدین حسن ولی تعلق دارد و آردو محصولات آنرا دایم شولی میگرفته صرف چراغ آستانه مذکوره می‌نموده... خلافی ندارد و از قدیم الایام هنوز مذکوره را وقف نموده‌اند و جماعتی که اسمی ایشان را نوشته ایم خط [و] مهر خود را بجهت ثواب در بی کاغذ ثبت تمايند که عنده‌انه و عند رسول الله ضایع نخواهد شد تاریخ شهر شوال ۱۰۳۶.

وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد بشهادت افضل بلشن.

وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد شهادت حاجی قصاب دماوندی.

وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد شهادت جعفر قصاب دماوندی.

وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد بشهادت عظیفریلش.

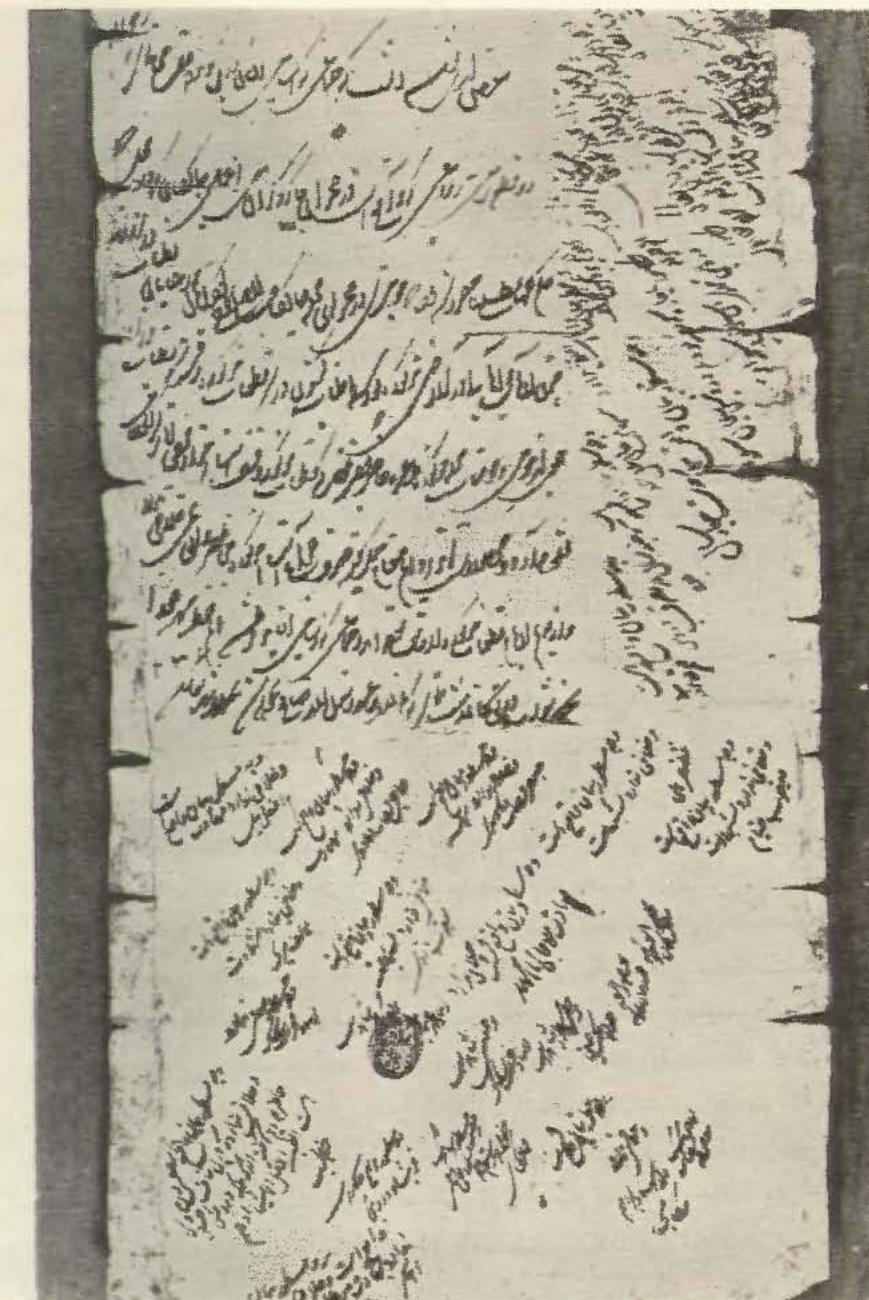
وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد بشهادت یعقوب خیام.

وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد بشهادت یوسف میرک.

وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد بشهادت یعقوب درزی.

وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد شهادت ملا جانی داناههد.

وجه مسطور خلافی ندارد استاد سراب سکاک، بروجه مسطور شاهد استاد محمد بن (مهرب) کلب حیدر (حمد بن)، برین معنی شاهد است استاد غریب سکاک، بروجه مسطور شاهد است خواجه ملک حسینی، بحضور العبد محمد زمان طاووس، بحضور العبد ملک جان طاووس، وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد که در بی تناف کشان حاضر بودیم که گفته‌اند که ملک درویش حسن ولی هست العبد الاقل الاشیاء ادhem خطیب، وجه مسطور بر نهج مذکور است عربشاه درزی، برمضمن مسطور شاهد است خواجه رستم ولد حاجی جمال الدین جالکایی، بروجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد شهادت مقصود سکاک ولد استاد ابراهیم سکاک، بروجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد بشهادت میر علی آهنگر، وجه مسطور بیان واقع است واقع است که چنان‌سال در تصرف درویش بود قبر درویش (؟)، وجه مسطور بیان واقع است



دنباله سند مورخ شوال ۱۰۲۶

پیشادت جان علی حداد، وجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد بحضور العبدیزدان بخش حداد، وجه مسطور بیان واقع است که مدت چهارسال باجاوه گرفته بودیم درویش سلیمان سعدا [لهابن] درویش مهدی این مسلمان سعادت، بحضور العبد خیرالله، بحضور خواجه علاءالدین، چنین استماع شد که وقف است مجدد الدین محمد شجاعی، چنین نموده استاد سلطان سکاک که جد حقیر وقف آستانه مذکور نموده، چنین استماع شد که وقف مذکوره را جداین جانب نموده است خلافی ندارد استاد نارسکاک، صورت مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد العبد کمال الدین (؟) حسین بن محمد غفرعنهماء، بروجه مسطور استماع شد العبد الاقل رستم جالکانی، وجه بیشکش بیشترین مسحوم است العبد الاقل محمد استاد رستم، بروجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد العبد المقرر المقرر بنده آل محمد (مهر)، بروجه مسطور است العبد الاقل عبدک نظام جالکانی، بروجه مسطور استماع شد العبد الاقل فریورز دیلم (بامهر) چنین استماع شد که وقف است و خلافی ندارد و بحضور العبد میرعلی رستم، بروجه مسطور استماع شد العبد الاقل جلال (مهر) جلال الدین سالان (بموجبی که در منت نوشته شده از جمعی هم قلمی نمودند) استماع شد معد یکرب آقا میران، وجه مسطور بیان واقع است خلافی ندارد شهادت ملاشمین الدین علی ولدملا یزقه که جمعی کتاب کشیدن املاک مذکور باسم وقف درویش حسن ولی بود بلا خلاف، بروجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد العبد استاد مراد تجارت، بروجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد العبد حسین شرف الدین (مهر: عبد آل محمد حسین)، بیان مسطور مذکوره واقع است العبد عبد العظیم بایاجهد، بروجمقیمون مضمونی که مرقوم شده بیان واقع است العبد حافظ رضا حسن (مهر: رضا...)، بروجه مضمون استماع شد العبد قاضی سرفراز، سمعت من بعض المؤمنین و مضمونه هکذا و لا ریب فیها وانا الاحقر العبد سلیمان این محمدی الدماوندی، بروجه مسطور که توشه شد بیان واقع است خلافی ندارد کتبه العبد القیر (؟) الحیری ملا نور الدین بایاجهد، بروجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد شهادت خواجه حسینی نماور، بنده در آنجا حاضر بودم که سیاوش آهی طناب درست او بودیم دو قطعه زین که رسیدن جمعی گفتند که وقف درویش حسن است طناب نکشیدن، وجه مسطور بیان واقع است خلافی ندارد شهادت سلطان احمد و مید شاه جان بفرمود که جمعی تناف کشید املاک مذکور باسم وقف درویش حسن ولی بود بلا خلاف [؟]، برنهجی که توشه اند ادای شهادت نمودم - وانا لایطلع على سائر - حسن ولی بود وانا الحیری ایان رسیدن الدماوندی عفی عنهماء، بروجه مسطور از کدخدا یان محله جالکا استماع شد العبد عبدالقدیم الحسنی (مهر: کلب علی عبدالله)، بروجه مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد العبد آل علی الحسینی، جمعی که اساسی خود را در متن و جاشیده قلمی نموده اند از اکثر ایشان برنهجی که توشه اند استماع شد (بامهر پارمشده و ناخوانا).

منزلت دلخواه شاهزاده زین قصبه دماوند که وقف مزار
کفر نادر سینه همین علیه مصلحتی نداشت بلطفه این خواست
دستور داد که درین خبر دلخواه شاهزاده ملاسنه را که
در حضور مصلحت نداشت خود را که نیزه میگفت بجهت مصلحت
پسر و دویشی صدر عزیز فرد از همان خواسته خواسته باشد
دیش مصلحت ندارد لذا که درین خبر دلخواه شاهزاده ملاسنه
نخواسته نهایت خود را که نیزه میگفت بجهت مصلحت
نهاده با مردم داشتند ملکیتی نداشتم بلطفه این خواسته
نخواسته نهایت خود را که نیزه میگفت شاهزاده ملاسنه
بگوییم از این پس از این خواسته خود را که نیزه میگفت
نهاده با مردم داشتند ملکیتی نداشتم بلطفه این خواسته

سنده مورخ شوال ۱۰۲۷ درباره دو پاره زین قصبه دماوند که وقف مزار

سید تاج الدین حسن ولی است

مقرر است که چون مسموع شد که دو قطعه زمین معینه واقعه در قصبه دماوند و قبست
بر مزار کثیر الانوار سید تاج الدین حسن ولی، و درویش مصطفی به خلاف شرع شریف دو
قطعه مزبور را متصرف شده و بمصرف تمیر ساند و درین باب خطاب دیوان الصدارۃ العالیة
صادر گشته که متصدی شرعیات در حضور متصدی موقوفات بحقیقت مقررة معروضه رسیله
پیشکش هر گاه قطعات مزبور وقف مزار کثیر الانوار بوده باشد و درویش مصطفی بجهت شرعیه در آنها
تصریف نموده باشد بعد از ثبوت ولزوم شرعی مقرر دارد که درویش مصطفی مزبور دست
تصریف نامشروع از قطعات مزبوره باز داشته با اجرت المثل ایام تصرف خلاف شرع تسلیم
متولی پنهانی و متصدی موقوفات نماید که موافق شرعاً واقع و شرع شریف بمصرف وسانند.
می باید که درویش مصطفی مزبور به مضمون خطاب دیوان الصدارۃ العالیة عمل نموده
تمرد ننماید و دست خلاف شرع از قطعات زمین مزبور کوتاه نموده بتصرف متولی مذکور
واگزارد و اگر درین باب سخن حسابی داشته باشد به دیوان الصدارۃ العالیه رفع نماید.
بعهده داروغه قصبه دماوند که درین باب اقرار حسابی بجای آورده معال تمرد به
احدی نداد و دست تصرف نامشروع درویش مصطفی را از قطعات مذکوره کوتاه مازد.
درین باب قدغن دانسته در عهده دانند، تحریر افی شهرشوال ۱۰۳۷.

مهر زیر فرمان: شاه ولايت او لار(۴) ۱۰۴۰.

مهر پشت فرمان: بنده آل محمد اشرف ۱۰۲۵.

پشت: قبالتہ زمین یمن (

30

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ما بعد سبب تحریر این سطور شرعیه و موجب تمیق این زنور ملیه آنست که حاضر

آمد میر بیجن ولدمرحوم میوسليمان و بیع کرد و بفروخت به بیع صحیح شرعی قطعی نصف
بیشکش بهمیه قطعه زمین مزروعی دایر واقع در قریه گیلاس مشهور به آهن دشت قطعه اول محدود
بدین مکان و شرقیا میر شمس الدین، restan.info

غريباً مير جمال،
جليلاً مير غضنفر،

سماں میر بہرام،

طبعه ثانی محلود بدین حدود:

سرقيا مير ناسور، غريبا مير غضنفر، قيليا نهر، شمالا ايضاً غضنفر.

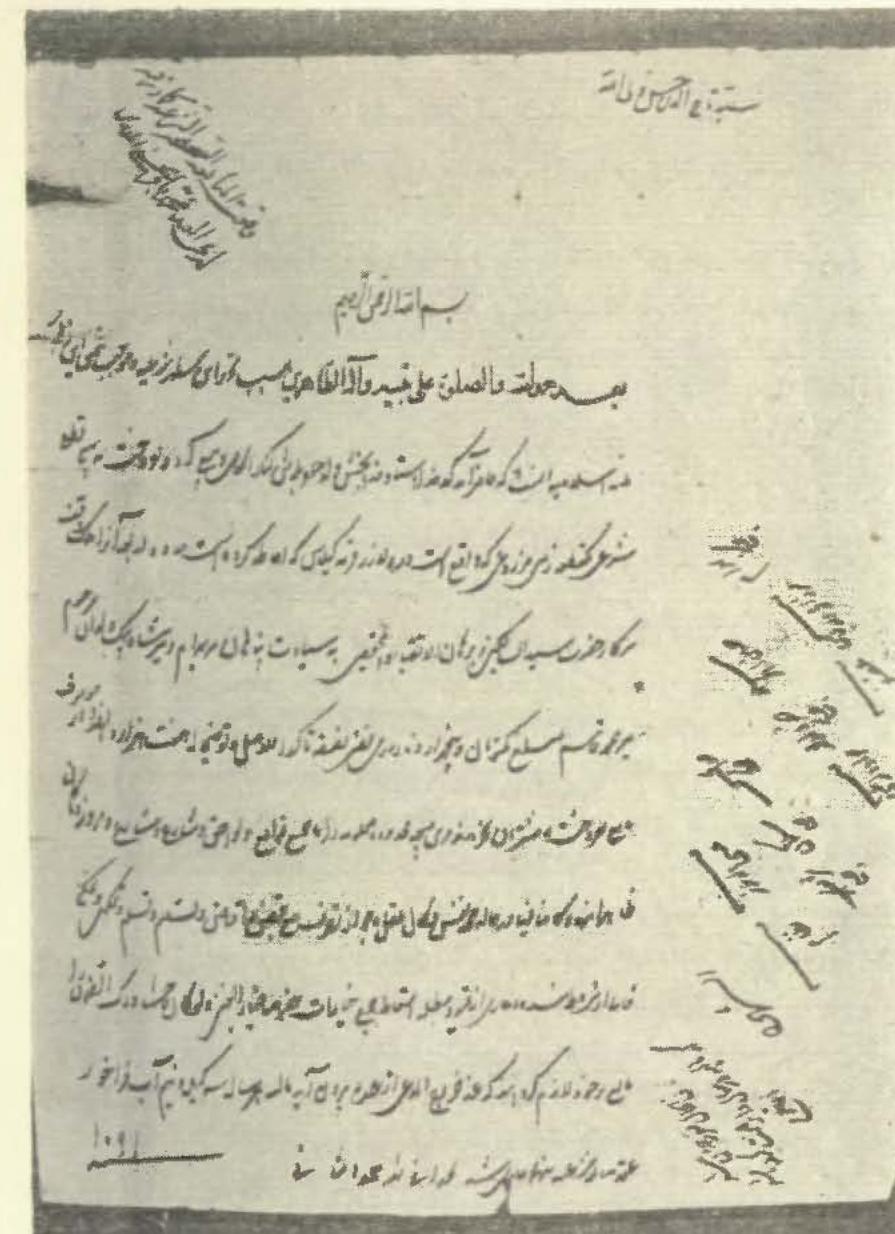
طعمة ثالث محدود بدين حدود.

مرقا میرمنصور ، غربیا گرشاپ خطیب ، قبلیا میر بهرام ، شمالیا نهر .
خریدند سعادت و افادت بناء میر میرزا علم ، و میر عبداللطوف ولدان سعادت بناء و

محمدحسین بمبلغ مشخص معتبر هفت هزار و شصت دینار تبریزی فضی نصفه تا کیداللائل
سه هزار و هشتاد دینار مخصوص در حالت صحت نفس و کمال عقل و جواز تصرف معقبن و اقیاض
و تسلیم و قبول و تمکن و تمكن خالی از شروط مفسد و عواری از قبود مبطله بیع صحیح شرعی
نظمی نه بررسیل رهن و هبه مع الاضافات و المنسوبات و ما کان داخللا فیها و خارجا عنها و
الشوارع و المشارع، استقطاع جميع خیارات خصوصیات خیار غبن الفاحش بل الاقحش، درک الشمان
را زایع برخود لازم گردانیله که عند خروج المدعی از عهده غرامت حسب ما یقتضیه الشریعة
المحتسنة بیرون آید. عقد مبایعه صحیحه شرعیه بینهم ایجادبا و قبولا واقع و جاري گردید.
مالیه دویمال دایر مقداره کیله بکیله معمول لا ریجان، آب فراخور ملک مزبور که نصف
معحاط بحدود منزبوره است.

وكان ذلك في أواسط شهر جمادى الثانى لسنة ١٠٨٦، الشهود: درويش احمد، گودرز، هادى، شمس الدين، كاظم ولد زكريا، حسن ولد گودرز، سعادت وفضيل بناهمير عبد الرحيم (مهر: بسم الله الرحمن الرحيم) وقع الباع وقبض الشئ كمانق فيه لدى العبد: « حسبك في لآخرة محمد وعترته الطاهرة يا باقر ١٠٨٢ (مهر).

سید علی زیرین پنجه بکار آمد و قدر جهان و ارض و سرگزیری مالیه را با خود برداشت. کیمی
حربهای ایران را آغاز نمود که در گرفتاری دشمنان بزرگ و تبدیل آنها به غصه و شکست
هزار هزار نفر از افسوس و خسارت بزرگی درآمد.



سند مورخ ۱۰۹۱ ج ۲ در باره زمین و لازر گیلان و ق
سید تاج الدین حسن ولی الله

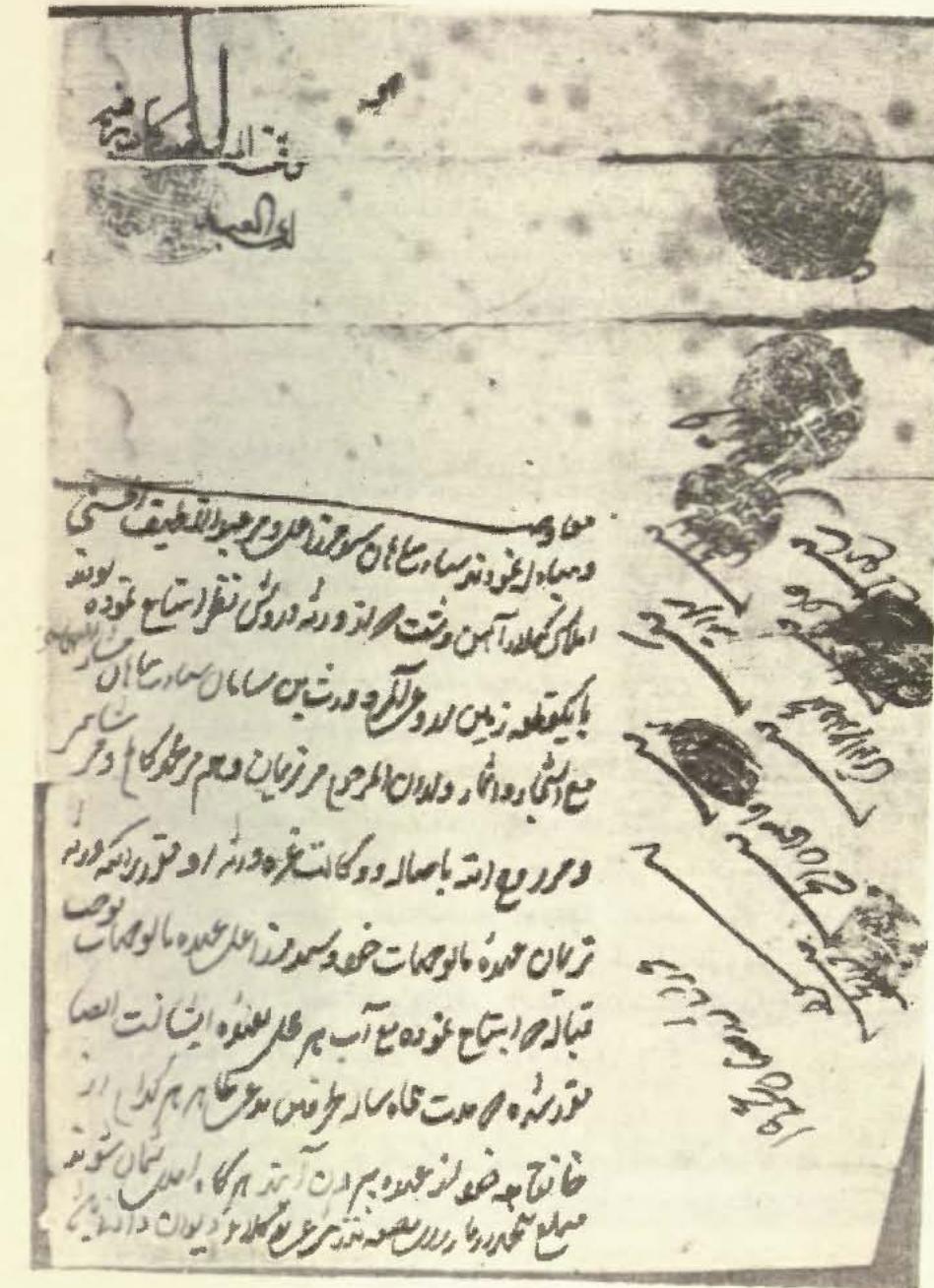
بسم الله الرحمن الرحيم

بعدحمد الله والصلوة على نبيه وآلله الطاهرين، سبب تحریر این مسطور شرعیه و موجب
تتحقق این زیور ملیه اسلامیه آنست که حاضرآمد که خدا امشاد خدابخش ولد جعفر بلاش
کنار انگامی و بع کرد و بفروخت به بع قطعی شرعی یک قطعه زمین مزروعی که واقع است در
ولازر قریه گیلان که احاطه کرده است حدود اربعة آنرا ملک و قفسر کار حضرت سید السالکین
و بر هان الاتقیاء والمحققین سید تاج الدین حسن ولی الله به سعادت پناهان میر بهرام و میرشاه یک
پیشکش و طهان مرحوم میر محمد قاسم.

www.barestan.info
با عرض و فروخت و مشتریان بخرید نامزدین مبيعه محلوده معلومه را با جمیع توافق و لواحق
و شارع و مشارع و مروزوماً کان ظاهراً منها و کاستافیه اداره حالت صحت نفس و کمال عقل و جواز
تصروف مع قضی و اقباض و تسليم و تسلیم و تمکن و تمکن خالی از شروط مفسد و عاری از قید
مبطله، استطاعت جمیع خیارات خصوصاً خیارالغین ولو کان فاحش، درک الصعنان را با عرض برخود
لازم گردانید که عند خروج المدعی از عهده بیرون آید.
مالیه هرساله کیلهونیم، آب فراخور. عقد مبایعه شرعیه بینها جاری شد. تحریراً فی
شهر جعید الثانی سنه ۱۰۹۱.

ثاني الحال مقرر چنان شد که مالیه دو سال دایر گفت کیله باشد. التاریخ.

الشهود: عیسیٰ ولد عزیز، ظالم، خدابخش جنگی، سلمان جنگی، شریف جنگی،
حسن آهنگر (مهر: خاک و مشاه شهیدان حسین)، خضر ولد محمد جنگی، مراد ولد عیسیٰ،
بهرام جنگی، میرزا محمد ولد عبام، خضر (مهر: عبده خضر) و
وقعت المبایعه الصحیحة الشرعیة کما ذیرفیه لدى العبد محمد باقر الحسینی المدرس «حسبك
فی الآخره محمد و عترته الطاهرة يا باقر ۱۰۸۲» (مهر).



سند مورخ رمضان ۱۰۹۶

معاوضه و مبادله نمودند سیادت پناهان سیده میرزا علی و میرعبداللطیف الحسنی املاک گیلان آهن دشت که از ورثه درویش نظرابیاع نموده بودند با یک قطعه زمین مزروعی آمرد و رثین سامان سیادت پناهان مشارایه همایش اشجار و ائمارات ولدان المرحوم میرزیمان و عم میر محمد کاظم و میرزا همیر و میرزو راهه باصالت ووکالت غیره ورثه او . مقرر بر آنکه ورثه تریمان عهده مالوجهات خود و سید میرزا علی عهده مالوجهات موجب قبالت که ابیاع نموده مع آب هر محل بعهده ایشانست . ایضاً مقرر شده که مدت پنجاه ساله طرفین مدعی ظاهر هر کدام از پیشکش به شرکت یافتن کلاء دیوان دادنی باشد .

تحریراً فی شهر رمضان سنة ۱۰۹۶ .

شهود:

بهرام (مهر: شهر رفعت علیست بهرام ۱۰۸۷) (۱)

قاضی خان الحسنی .

میرزا محمد (مهر: شاعر محشر میرزا محمد) .

شکرانه ،

محمد ولد عزالدین .

امیرالحسنی (مهر: عبده یا امیر کل امیر ۱۰۹۳) (۲)

حاجی یوسف الحسنی (مهر: یوسف الحسنی)

شاهرخ الحسنی .

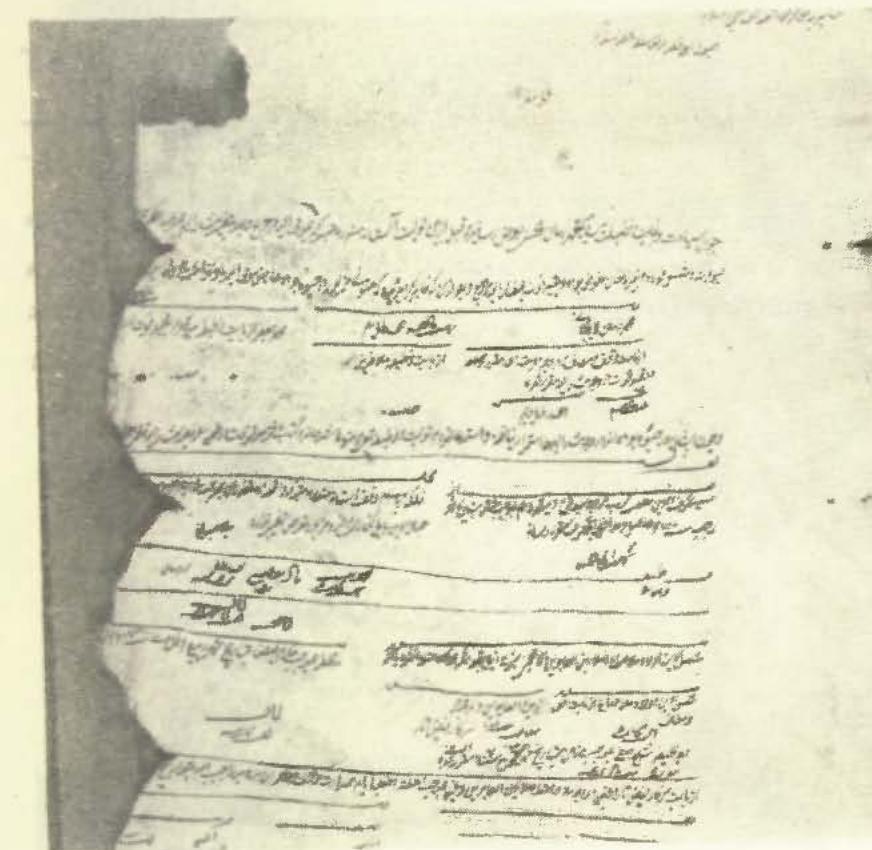
حرره العبد الاقل (مهر: کفی بالله شهیدا و بنحمد رسول الله قرینا ۱۰۷۱) (۳)

اناعلی ذلک من الشاهدين (مهر: الم توکل علی الله الغنی عبده محمد رضا الحسنی ۱۰۸۶) (۴)

وقعت المعاوضة كما زیرفیه لدی العبد (مهر: المس ائمہ بکاف عبده محمد باقر ۱۰۸۹) (۵)

پشت: معاوضه آهن دشت .

www.tabarestan.info



سوانح فران بند گان نواب همایون اعلیٰ

در باره تولیت مید میر محمد زمان حسنی متولی آستانه منوره متبرکه حایریه و مزار سید شرف الدین معدی کرب و محلوج فلکه اربابی وقف آستانه متبرکه که در آن از این مثالها و از این مزارها یاد شده است :

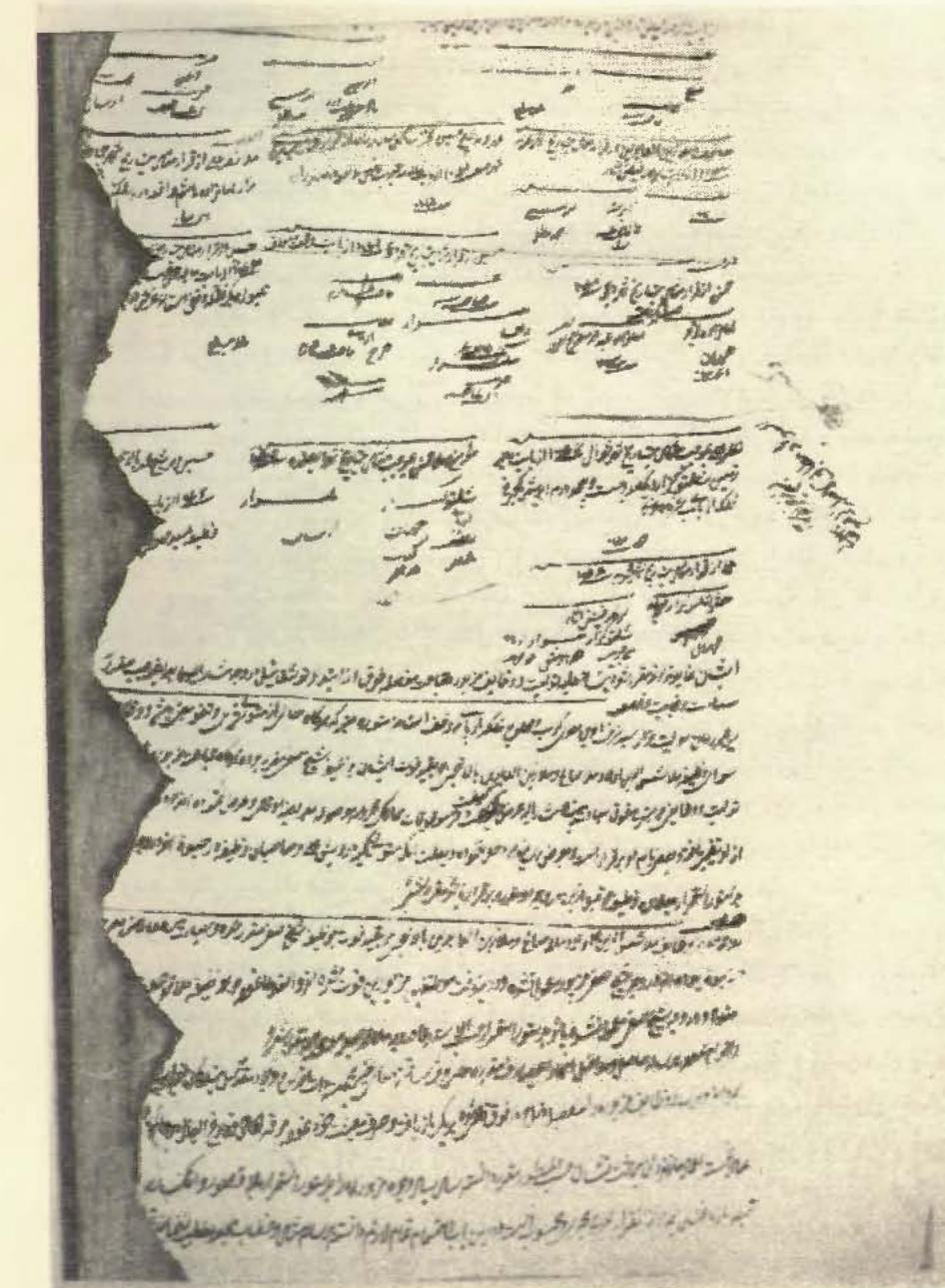
مثال مورخ ربیع ۱۰۱۱ ، مثال مورخ ۱۰۱۷/۲ ، مثال مورخ محرم ۱۰۱۷ ، مثال مورخ محرم ۱۰۴۲ ، مثال مورخ صفر ۱۰۰۵ ، مثال مورخ ذبح ۱۰۴۸ ، مثال مورخ ذبح ۱۰۴۹ ، مثال مورخ ۱۰۴۲ ، مثال مورخ شوال ۱۰۴۷ ، مثال مورخ ذق ۱۰۴۹ ، [مثال مورخ ۱۰۴۷ ، مثال مورخ محرم ۱۰۴۶] .

آستانه منوره متبرکه مازندران [حایریه] ، سرکار قیض آثار ، مزار امام زاده هاشم با بل کنار آستانه عرش درجات ، امام زاده عبدالله مسجد گنج افروز ، مزار سید شرف الدین معدی کرب ، تکیه درویشی علی .

پشت: ثبت دفتر موقوفات شد
 محل طغرا

چون سعادت و نجابت و فضیلت پناه میر محمد زمان الحسنی بعرض رسانید که قبل از این تولیت آستانه منوره متبرکه حایریه علی مشرفها الفالف التعبه والسلام بموسى الله مرجوع و بعد تغیر مشاالیه بمیر عبد الکریم [مرجوع ۳۰۰] کیومرث و شمس فولاد که به میرزا جان مفوض بوده و بقید قوت به مشاالیه مرجوع و بعد از آن که ظاهر گردیده که متولی مزبور در حیوه بوده عارض مومن الله با او گذشتند و وظایف ... یک توان و سه هزار و دویست و پنجاه دینار :

بایت محمد زمان لاریجانی هشت هزار و دویست و پنجاه دینار و هفت رطل و نیم:
بیشکش به تبرکه از بایت وقف و معاف که دروجه دوست آغا مقرر و بقید قوت دروجه مشاالیه متبر
شده: تکلیه هزار و دویست و پنجاه دینار، جنس هفت رطل و نیم؛ از بایت وظیفه ملاعزرین الله
پیغمبر مسیح از دینار، بایت محمد جعفر از بایت وظیفه میرمحمد که بقید قوت در [وجه ۳۰۰]
پیغمبر از دینار و چون ایشان در حیوه بوده اند در وجه مشاالیه ما استمرا یافته واستمرا نمود
که تولیت وظیفه جمعی که متوفی شده اند و کتاب دفتر موقوفات در ضمن عرضه مشاالیه
قلمی و عرض [کردند]، تولیت: مزار سید شرف الدین معدی کرب در وجه سید فرج و میر محمد
هاشم بوجب مثال بتاریخ شهر ربیع سنه ۱۱۱ که حاصل و مداخل را بمصرف متبر رساند
هشت هزار و چهارصد و هفتاد دینار، محلوج فلکه اربابی که وقف آستانه منوره متبر که واقع در
مازندران بوجب مثال مرحوم [میرور] جمال الدین با بل کناری که قدم زبور تعرض تغیر ندارد
بل ابلغ ، وظیفه و معافی: نه توان و هشت هزار و هفتصد و سیزده دینار، دویست و پیست و نه
دوم، نه رطل و دوازده صاع، ارسال هفده هزار و هشتصد و هفتاد و هشت دینار، متبری شمس الدین
اولاد ملا صالح و ملا زین العابدین بالاتیجتی بشرح ذیل بقید آنکه هر گاه متوفی شده باشدند:
تقد شمس الدین اولاد ملا صالح از بایت وقف و معاف دوهزار و نهصد و دوازده دینار ، تقد
زین العابدین والجمال سه هزار و سیصد دینار، معافیت دوهزار و سیصد دینار، سرکار قیض آثار یک
قران و صد دینار، بوظیفه شیخ صفی بوجب مثال بتاریخ شهر محرم ۱۰۰۷ مقرر شده متبر اشش
هزار و دویست و دوازده دینار، مقطع بوجب مثال ایضا بتاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۰۷
از [بایت ...] چهارده هزار و شصصد و شصت دینار، از بایت سرکار قیض آثار و غیره دروجه ملا
حافظ وزین العابدین و غیره بوجب امثله و اخطبۀ ایام صد اوت مرحمت و غفران پناه میرزا
حیب الله بتواریخ ... تقد ابلغ سه توان و هشتصد و سی و پنج دینار، بل ابلغ ! جنس: ابریشم
دویست و پیست و نه درم و نیم ، برج سرطان ، وعده جریب دوازده جریب ، چهل توان
ارسال ، مقرر حافظ و ملا زین العابدین از قرار مثال بتاریخ شهر محرم سنه ۱۰۰۴ از بایت
سرکار قیض آثار: تقد شش هزار و سیصد دینار ، جنس: ابریشم صد و چهارده و نیم درم ، برج نه
رطل ، بریج محدود شیخ حسین فخرساکن مازندران از قرار مثال بتاریخ شهر صفر ۱۰۰۵ از بایت
مالیه سه جریب زمین واقعه در مازندران سه هزار و سیصد دینار، اصل ایکت؟) ملاحظه علی از قرار
مثال بتاریخ شهر جمادی ... مزار امام زاده هاشم واقعه در با بل کنار ... دوهزار و سیصد دینار.
دروجه حمزه از قرار مثال بتاریخ شهر ذی حجه سنه ۱۰۰۸ پنج هزار و دویست و شصت و شش

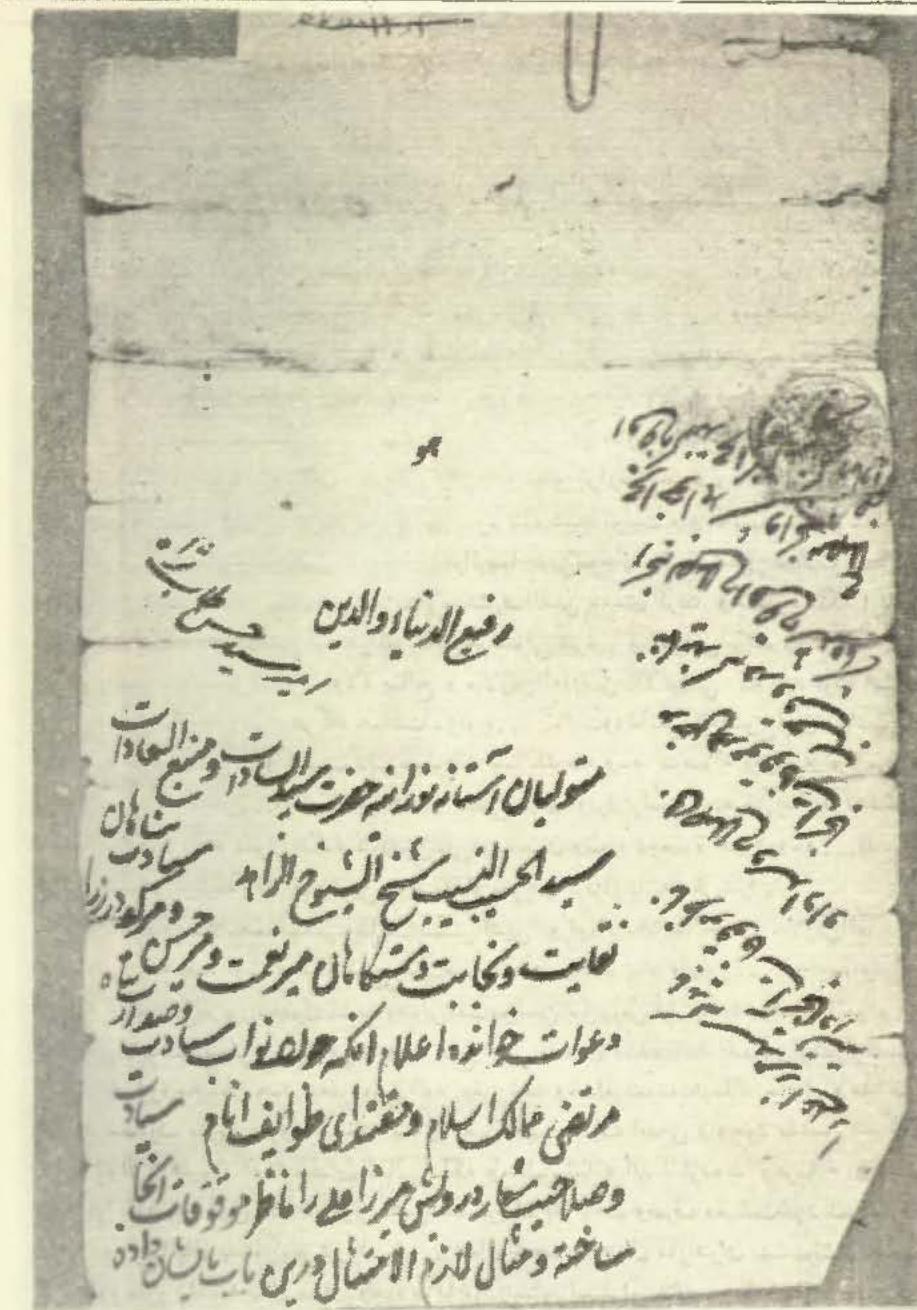


دنباله سند پیش



دینار بابت امام زاده زید: جملتان دوهزار و سیصد دینار، بابت امام زاده عبدالغفار سیصد دینار، افزونه هزار و شصت و شش دینار، حسین از قرار مثال بتاریخ شهر ذی حجه ۱۰۴۹ از بابت وقف و معاف: نقد سه هزار و پانصد و شصت و نه دینار، جنس صد و بیانده درم، تلیوار و ترود و یک من و یک چارک سه هزار و هشتاد و نوزده درم، حسین از قرار مثال بتاریخ شهر ۱۰۴۲، پنجاه دینار، ملک اربابی خرج صد و بیانده درم، از بابت مالية دوجریب [زمین و] تلیوار و یک فلكه و قعی آستانه عرش [درجات] بالاسن. نظرعلی بموجب مثال بتاریخ شهر شوال سنّة ۱۰۴۷ از بابت مالية زین شلوکزار و یکصد و پیست و پنج درم ابریشم یکچرخ فلكه از بابت شرکاه غربی هفت هزار و سیصد دینار. مؤمن و ملاحمه بموجب مثال بتاریخ شهر ذی قعده سنّة ۱۰۴۹: شلوک زار اربابی . . . دوقیز، **پیشکش به چهل و نه کنان** پنج قفیز، تلیوار ارسال، حسین ولد شیخ محمد بالا [تیجنی] سنّة ۱۰۴۷ از بابت . . . وظیفه میدمهدی . . . ، علی از قرار مثال بتاریخ شهر محرم سنّة ۱۰۴۶: **تمام** و شلوکزار اربابی جملتان، مرکار فرض آثار شلوکزاره جریب، تلیوار اربابی پنج ارش پنج جریب، ایشان نماید نداند مقرشود بناء علیه توپیت و وظایف مزبور جماعت مفصله فوق از ابتداء توشان نیل دروجه مشارالیها بدين موجب مقرر [شد]: سیادت و نجابت و فضیلت پنامیر محمد زمان بتولیت مزار سیدشرف الدین معنی کرب و محلج فلكه اربابی که وقف آستانه منوره متبرکه هرگاه خالی از متولی شرعی و تفویض باشد و وظایف . . . موابی وظیفه ملا محسن الدین اولاد صالح و ملازمین العابدین بالاتیجتی که بقید فوت ایشان بوظیفه شیخ صفائ مقرر بوده هرگاه جماعت مزبوره . . . توپیت و وظایفی که بشرح فوق سیادت بناء مشارالیه عرض و کمیت و کیفیت دفتر موقوفات ممالک محرومیه موصوله بعریضه او واقعی و عرض نموده اند که در . . . از او تفسیریاته و بعضی باسم او برقرار است و بعضی رسانید که دخل قنده و بعلت آنکه متولی تکیه درویش علی و صاحبان وظیفه درحیوه اند دروجه . . . بدستور استمرار بعلاوه وظیفه که قبل ازین در وجه او مقرر و برقرار باشد مقرر شا.

خلاصه: ملامحمد جعفر وظایف شمس الدین و اولاد ملا صالح و ملازمین العابدین بالاتیجتی که بقید فوت بوظیفه شیخ صفائ مقرر شده و سیادت پناه عارض . . . درحیوه بوده اند دروجه شیخ صفائ مزبور معمول نشده و درین وقت موظفین مزبورین فوتشده اند و استدعان موده که بوظیفه ملا محمد جعفر . . . متوفی دروجه شیخ صفائ معمول نشده باشد بدستور استمرا رحسب الاستدعا دروجه ملا محمد جعفر موسی الیه مقرر شده و اقدام نموده هرساله حاصل و مداخل آنها را بمصارف مقرر مصروف ساخته دعای خیر بجهت ذات اقدس و وجود مقدس بندگان نواب [والا] همیون اعلا خلداشه تعالی ملکه و عظم سلطانه ابد اکردهند و هرساله وظایف مزبورها بتفصیل ذیل که در قوی قلمی شده هریک باز یافت و صرف معیشت خود نموده رفه الحال وقارغ البال بداعا گوئی دو[لت] . . . عمال خجسته اعمال مازندران بهشت نشان حسب المسطور مقرر دانسته سال بسال وجهه مزبورها بدستور استمرار بلاقصور و انکسار و اصل . . . قبض بازیافت نمایند که ازان قرار بخرج مجری و محسوب است و درین باب اهتمام تمام لازم دانسته هرساله مثال و خطاب مجدد طلب نمایند . . . بسم الله خير الاساء. السواد مطابق لامله الرفع العالی و کتب (مهر: عبدالله باقرین حسین بن محمد).

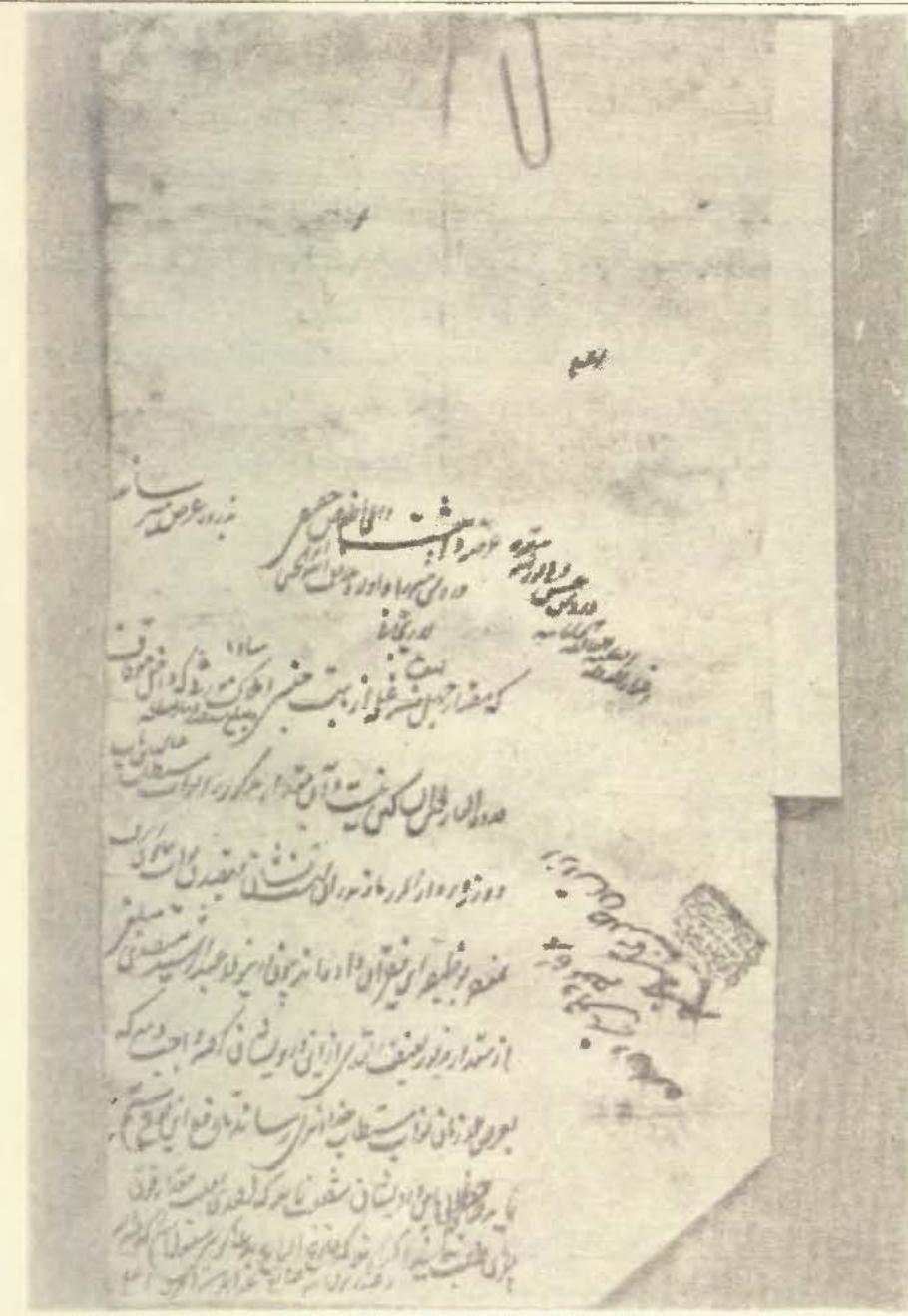


فرمانی در باره متولیان آستانه نورانیه حضرت سیدالسادات شیخ الشیوخ الزاہد
رفع الدنیا والدین امیر سید حسین طاپ تراه و ایتكه سید میرزا علی ناظر موقوفات
آذجاً باشد از مدة ۱۲۹۱

هو

متولیان آستانه نورانیه حضرت سیدالسادات ومنبع المدادات سیدالحسینب شیخ
الشیوخ الزاہد رفع الملة والدین امیر سید حسین طاپ تراه سیادت پناهان نقابت و نجابت دستگاهان
میر نعمت و میر حسن و میر گودرز را دعوات خوانده اعلام آنکه خواجه نواب سیادت و صدارت
پناه در قضی ممالک اسلام و مقتدا طوابیف اقام سیادت و صلاحیت شمار درویش میرزا علی
راناظر موقوفات آنجا ماخته و مثال لازم الامثال درین باب باشان داده . باید که سید میرزا
بیشکن علیورا ناظر موقوفات آنجا دانسته بی صلاح و صداد مدخل دو موقوفات آنجا تمایند که در وقت
حساب مکلفه بصلاح او خرج شد باشد مجرما خواهد شد و آنچه بی صلاح او خرج کنند مجرما
لطفاً هند کرد تواضع بوده باشد . (مهر ۰۰۰)

www.barestan.info



عربپسند رویش میرزا و اولاد ملاتعمت الله ابوالحسین لاریجانی به اعتماد دوله العلیة
الخاقانیه در باره موقوفات تدویه السالکین، از سده ۱۲۹۱، در پشت این سند آننه
«شخصی که نوشته شده بعمل خواهد آورد» با شهر: «محمد علی حسینی»

عرضه داشت داعی با خلاصه حقیقی درویش میرزا و اولاد ملاتعمت الله ابوالحسین
لاریجانی.

بذرورة عرض اعتماد دوله العلیة العالیة الخاقانیه میرساند که مقدار چهل من غله
(روی کلمه رقم میاگ هم دارد) از بابت جنس و مقدار سیصد دینار زر رایج املاک موروثی که
داخل موقوفات تدویه والغارفین والصالکین درویش حسن ولی نورالله مرقد نیست و آن مقدار را نواب
مستطاب عالیین مأب وزرایه دارالعلی مازندران بهشت نشان بتصدق نواب همایون اشرف شموده
بیشکش بتوییده این فقران داده اند چون درین ولا عیدالرشید متصدی مبلغی از مقدار مذبور بعنف
رساند تا لزفع این نوع ستم نماید.

چنانچه خطابی باین درویشان شفقت نماید که احدهی بعلت مقدار فوق چیزی طلب
نماید و کذا رند که فارغ البال بدعا گوئی مشغول باشیم. که عند الله و عن رسول الله ضایع نخواهد
شد. امر کم اعلی.

هر گاه نموده واقعی یا شد دوباره از ایشان طلب ننمایند (شهر: محمد علی حسینی)
بهشت: شخصی که نوشته شده بعمل خواهد آورد.

امام زاده کارکیا معتبر واقع در جلال اذرک ،
وابن عباس در بستان اذکر و امام زاده شاهزاده
العلیم اهل ابراهیم

بـلـمـلـنـوـاـ بـتـرـنـهـ نـمـهـ اـمـ اـمـ
وـبـرـنـغـهـ بـهـرـلـمـلـیـزـ وـوـاقـعـهـ لـهـ بـهـ
سـلـادـ بـهـرـلـنـ اـلـیـلـ بـهـرـلـنـ وـهـ
مـقـعـدـ وـدـسـلـهـ چـقـارـهـ دـلـمـ وـهـرـلـنـهـ
وـاسـوـدـ اـمـ رـهـ اـمـهـنـ بـهـرـلـنـ اـمـ اـمـ
امـصـهـرـهـ شـهـرـهـ اـمـهـ دـحـلـهـ بـهـرـلـنـهـ
بـهـرـلـنـهـ اـمـهـنـ بـهـرـلـنـهـ وـهـرـلـنـهـ

سند و روح ذق ۱۱۰۲ در باره یک تومان تبریزی عشرده نیم : امام زاده کارکیا در جلال
ادرک ، امام زاده عبدالله مشکاباد ، امام زاده روح الله شاه دربار در بالاتین

هو

مبلغ یک تومان تبریزی عشرده نیم امام زاده های واجب التعظیم:
امام زاده کارکیا معتبر واقع در جلال اذرک ،
وامام زاده عبدالله واقع در مشکاباد ،
وامام زاده روح الله و شاه دربار علیهم التحية والشاء واقع در بالاتین

بیشکل به تبریزکل بتویت سعادت و فضیلت پناهان سید میرزا علی و میرمحمد زمان و میرمحمد حسین
در ۱۱۰۲ سیچانیل وجه مزبور بمعروف متولیان واصل و عاید رفعت پناه محمد
یکه محصل و سمه الصداره العلیه العالیه شد ،
و این چند کلمه بر سیل قبض قلمی شد که تا عنده الحاجة حجت بوده باشد ،
تحریرا شهرذی قعده سنّه ۱۱۰۲ (مهر: شفیع روز جزا محمد).



فرمان مورخ رمضان ۱۱۰۹ با مهر ۱۱۰۶ در باره وظيفة میر محمد زمان
پسر میر عبد اللطیف حسینی لا ریجانی نوشته محمد باقرین سید حسن حسینی

در آغاز این فرمان دو طغرا است که در دو می آن نام «محمد باقرین سید حسن الحسینی»
دیده می شود.

چون از تصدیق مستوفی موقوفات ممالک محرومہ مستفاد شد که بموجب مثال تاریخ شهر ربیع الاول ۱۱۰۷ مبلغ سه تومان و یک هزار دینار تبریزی (با رقم سیاق روی عبارت) از بابت موقوفات متفرقه دارالسلطنه اصفهان بوعلیه میر ابوالماخرا و میر ابوالملکارم مجتملاً متبر بوده و در طومار نسق ایت تیل از آن جمله مبلغ نه هزار و سیصد دینار (رقم سیا رقم روی عبارت) داخل و قید فوت مشارالیه ما بوعلیه، ولانا محمد حسین مقرر شده و بعد از آن موافق پیشکش بعلیقه که در تو شقان تیل صادر شده هرساله بعا [ای] [جناب] میر مکارم سه تومان و یک هزار دینار تمام تخفیف داده شده و بعد از آنکه رسید مشارالیه بقید فوت بیانی آمده رسد میر مفاخر از قرار تخفیف خواهد داده شده و در سنه تنگوزی تیل رسد میر مکارم بوظیفه مقرر شد.

بای برطبق عرض میر ابوالماخرا که حیوة خود را بشوت رسانیده بود رسدوظیفه مستمر آن کما کان در وجه او محضی شد و مستوفی متفرقه دارالسلطنه مزبوره بعرض رسانید که حقیقت وظایف مزبوره ب نحویست که در توق عرض نموده اند و موافق طومار نسق ایت تیل ۱۰۹۳ دروجه ارباب وظایف مزبوره فوق مستبر و برقرار است. و درین وقت سیادت و نجابت و فضیلت و کمالات دستگاه میر محمد زمان الحسینی ولد میر عبد اللطیف لا ریجانی بعرض رسانید که میر ابوالماخرا مزبور به هندستان رفته و استدعاءه وظیفه او با اسم خود نمود و جمعی از فضلا و موقتین اعتبار و اهلیت مشارالیه را بشرح مجله ملصقه بعریضة او عرض نموده اند.

هر گاه میر ابوالماخرا به هندستان رفته باشد و وظیفه مستمری او بیانی آمده باشد از تاریخ تحریر در وجه عارض مومنی الی پستور استوار متبر شد که هرساله بازیافت و صرف معیشت خود نموده مرقد الحال بدعا گویی دوام دولت قاهره اشتغال نماید.

مباشین موقوفات مزبور حسب المسطور مقرر دانسته سال بسال رسدوظیفه میر ابوالماخرا را پستور استوار بلاقصور و انکسار واصل و عاید مشارالیه [ساخته] قبض بازیافت نمایند که پخرج مجری است و در این باب اهتمام تمام لازم دانسته هرساله مثال و خطاب مجدد نظایند.

پتاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۰۹ (مهر) «الراغم بقضاء الله العلک الغنی عبد
محمد باقرین سید حسن الحسینی ۱۱۰۶».

دریشت آمده: هو. ثبت نمایند. ثبت دفتر موقوفات شد. ثبت سرنشته نگار شد.
هو. صح.



فرمان همایون اعلیٰ [شاه سلطان حسین] مورخ چ ۱/ ۱۱۰ توشهة محمد باقرین
سید حسن حسینی پامهر ۱۱۰ در باره موقوفه آستانه امام زاده ابراهیم
در لله برجن آمل مازندران

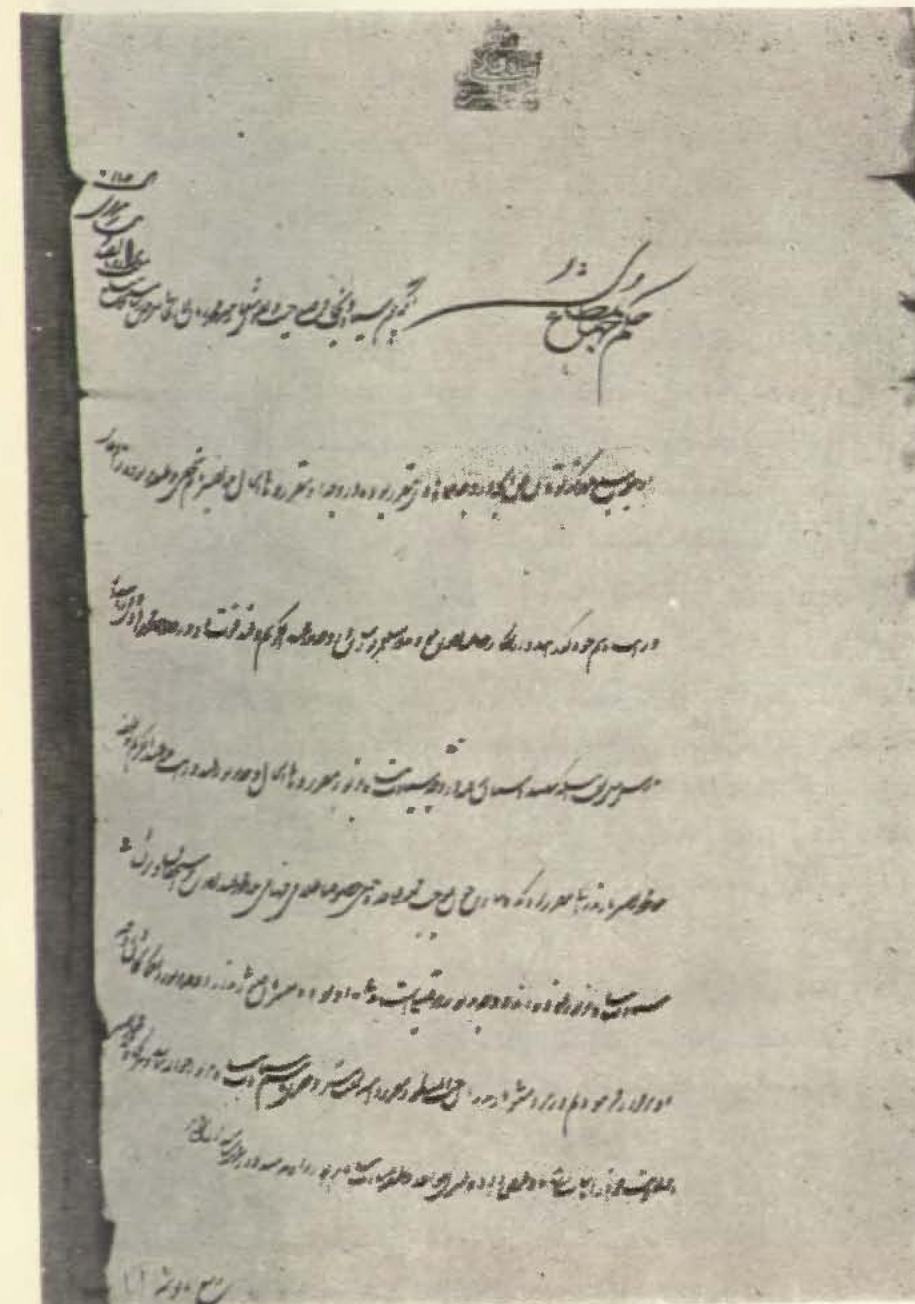
(دو طغرام ائمه فرمان پیش)

چون از تصدیق مستوفی موقوفات ممالک محروم و مستفاد شد که بموجب مثال دیوان الصداره
العلیة العالیة بتاریخ شهر شعبان سنّة ۱۱۰ از ابتداء تگوزی تیل تولیت آستانه منوره امام زاده
ابراهیم علیہ‌الحیة والثناه مشهور بدله برجن واقعه در آمل مازندران به ملام محمد صادق و مولانا
عبدالله و مولانا عبد الرحیم مازندرانی سفوش شده و برقرار است و حاصل و مداخل و فقی مناز مذکور
پیشکش به مبلغ نه تومان و هفت هزار و دویست و سی و پنج دینار ابواب جمع متولیان سرکار مزبور مذکور
است و سکرین وقت میادت و نجابت پناهن میر محمد زمان الحسینی و سید کاووس لاریجانی به
دیوان الصداره العالیة آمله بعرض رسانیدند که ملا عبد الله مزبوره هندوستان رفته و استدعاء
رسد تولیت او با اسم خود نمودند و جمعی بموجب مجلات ملاصقه یکدیگر تصدیق اهلیت و صلاح
عارفان مشارالیها و اینکه ملا عبد الله روانه هندوستان شده نموده‌اند بناء‌علی الواقع از ابتداء
چهار ماهه پارسی تیل رسد تولیت آستانه منوره که با ملا عبد الله بود پنچیرو او بمشارالیها
مفوض و مرجوع شد که کمایتبغی با سر مزبور و لوازم آن از نظم و نسق و رواج و رونق آستانه
منوره مزبوره قیام و اقدام و هرساله حاصل و مداخل آن سرکار را با تقاضای سایر متولیان ضبط
و بمقابل مقرر مصروف ساخته دعای خیر بجهت ذات مقدس بندگان توائب کائیا بسپهر
رکاب اشرف ارفع عیون اعلیٰ خلد الله تعالیٰ ملکه و عظم سلطانه ابداً حاصل گرداند و سال
بسال نسخه متفقه مشخصه مداخل و مخارج آن سرکار دوست داشته بنتظر رسانیدند که بعد از
ملحظه و رقم از آن قرار کتاب دفتر موقوفات ممالک محروم در دفتر عمل و محاسبه مفروغ
سازند.

عمال خجسته اعمال مازندران حسب المسطور مقرر دانسته سال بسال حاصل و مداخل
آن سرکار ایلاقصور و انکسار و اصل و عاید مشارالیها و سایر متولیان ماخته قبض بازیافت
نمایند که به خرج مجری است و درین باب اهتمام تمام لازم دانسته هرساله مثال و خطاب
مجلد تطلبند.

بتاریخ شهر جمادی الاول من شهور سنّة ۱۱۰ (مهر: «الراضی بقضاء الله الملك الغنی
عبده محمد باقرین سید حسن الحسینی» ۱۱۰).

در پشت سند آمله: هو، ثبت نمایند، ثبت دفتر موقوفات شد، ثبت سرمشته نگارشده،
هو، صح.



حکم و قرمان مورخ ع ۱۱۱۷/۲ از شاه سلطان حسین با مهر مورخ ۱۱۱۱ درباره
مقری میرمحمد زمان لاریجانی

طغرا: بسم الله . بنته شهر ولايت سلطان حسين ۱۱۱۱ .

حکم جهان مطاع شد آنکه چون سعادت و تجارت و صلاحیت و تقوی شعار میر محمد زمان لاریجانی بعرض رسانید که مبلغ هفت هزار پانصد بینار تبریزی (پاسیاق روی عبارت) از جمله مبلغ یکهزار توپان عین آنچه در وجه ملاهادی مقرر بوده دروجه او مقرر و ثانی الحال ملائمه نامشخص وظیفه مزبور مرایادعای وراثت را اسم خود گذرانید و از سر کارخانه تصدیق نمودند که بیشتر مبلغ مزبور سابق در وجه ملا عبدالکریم و بقید فوت او در وجه ملا محمد هادی واز اینده بار من بیشتر مبلغ اینکه به هندوستان رفته در وجه سعادت پناه مزبور مقرر و ثانی الحال و چند مبلغ بقید و راست ملا عبدالکریم به وظیفه ملامح مدنصیر مازندرانی مقرر گردیده بتایرین چون بموجب مجله همیشه جمعی خصوصاً علمی نهایی ملامح سعید تصدیق بر استحقاق و پریشانی سعادت پناه مزبور نموده اند و وجه مزبور که قلیلی است مدتی با او بوده تغییر آن صورتی ندارد و وجه مزبور را کما کان دروجه او برقرار فرمودیم وزیر و مستوفی مازندران حسب المسطور مقرر داشته بعلت مسترد چیزی . باسم سعادت پناه مزبور حواله نمایند و هرگاه ملا محمد تصریف اول اویت خود را بائبات رساند و عرض داده تغییری بقواعد وظیفة سعادت پناه مزبور را ندهند و در عهده شناسند .

بناریخ ربيع الآخر سنه ۱۱۱۷ .

لشتن :

از قرار نوشته سعادت و مشوکت و امانت پناه عظمت و حشمت و اجلال دستگاه خانزاده قدیم ولايت نشان عالی جاهی اعتضاد السلطنة السلطانية الالهیة سرکاری اعتماد الدوله العالية العاقانية .

(توقيع): ؟ ؟ ؟ (مهر) : دل مؤمن است . ۹۰۶ .

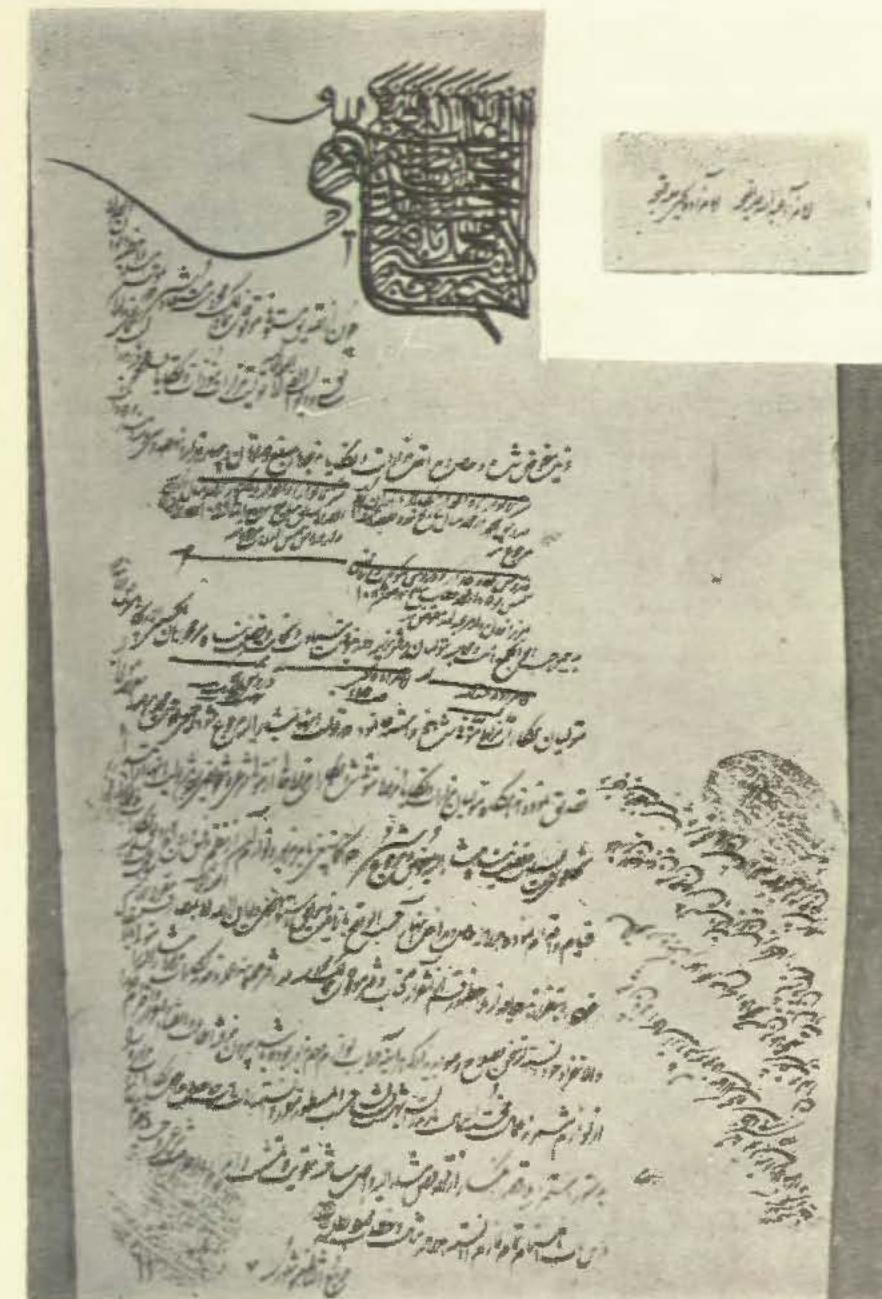
ثبت شد : افوض امری الى الله عبده محمد ریح .

ثبت دفترشد : افوض امری الى الله محمد .

مطرز : افوض امری الى الله عبده عبدالله الحسینی ۱۱۱۵ (مهر) .

صحیح است : ومن بتوكیل علی و هو حسبه عبده امام قلی ۱۱۱۵ (مهر) .

ثبت شد : بنته آل محمد هاشم .



فرمان مورخ ۱۰۱۷/۲ در باره تولیت مزارت و تکایای مازندران: امام زاده عبداله
مشکاباد و امام زاده عبدالله بابل کنار، نوشته محمد باقر بن سید حسن حسینی بامهر مورخ ۱۰۱۴

دوطرف‌امانندیش

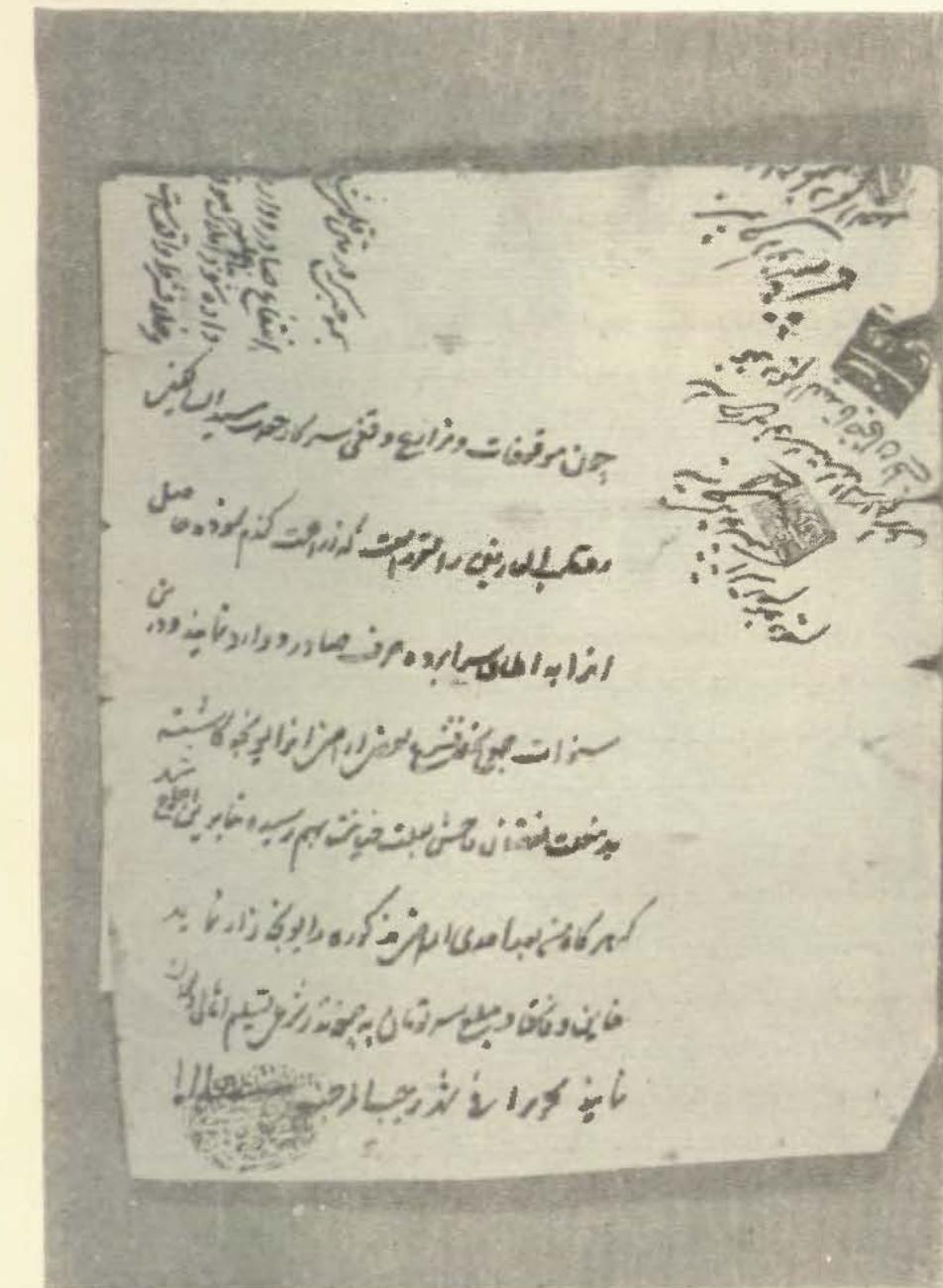
چون از تصدیق مستوفی موقوفات ممالک محروسه مستفاد شد که بهوجوب امثاله و اخطه
دیوان الصداره سابق و دیوان الصداره العلیة العالیه تولیت مزارات منورات و تکایای واقعه در
مازندران بجماعت مذکوره ذیل مفوض شده و حاصل و مداخل مزارات و تکایای مزبوره
مبلغ دو تومان و چهار هزار و نهصد و سی و سه دینار و دو دانگ :

میشکن مجھلیز از قرار مثال بتاریخ شهر ذی قعده سنه ۱۱۰۶ مرجع شد .

مزلو کثیر الانوار امام زاده یحیی علیه التحیة واقعه در بابل کنار از قرار مثال دیوان الصداره سابق ۱۰۸۷ به تاریخ شهر ربيع الثاني ۱۰۸۷ بملازین العابدین ولد درویش شمس الدین مرجوع شد
تکیه درویش علی وقادار و درویش کیومرث و درویش شمس فولاد از قرار خطاب بتاریخ شهر صفر سنه ۱۰۸۶ به میرزا خان ولد میرزا عبدالله مفوض شد .

بدین سوجب ابواب جمع است : مزار امام زاده عبدالقسیزده هزار دینار ، مزار امام زاده
یحیی پنج هزار و پانصد دینار ، تکیه درویش علی شش هزار و چهارصد سی و مهدی دینار .
و محاسبه متولیان به دفتر ترسیمه و درین وقت بسیادت ونجابت و فضیلت پناه سید محمد زاده ان الحسینی
اللاریجانی بعرض رسانید که متولیان سر کارات مزبوره مستوفی شده اند واستدعا نمود که تولیت آنها
بشار الیه مرجوع شود .

و جمعی بهوجوب مجلد موصولة معروفة مومن الیه تصدیق نموده اند هر کاه متولیان
مزارات و تکایای مزبوره مستوفی شده سر کارات مزبوره خالی از متولی شرعی و تقویضی بوده
باشد تولیت آنها از ابتداء تحققی تیل بسیادت و فضیلت پناه مشارالیه مفوض و مرجوع شد
که کماینی بامر مزبور و لوازم آن از نظم و نسق و رواج و رونق سر کارات مذکوره
قيام و اقدام نموده هرساله حاصل و مداخل آنها حسب الواقع بازیافت و موافق دستور العمل
دیوان الصداره العلیة العالیه بمحاصروف مقرر بر مسند سال بسال محاسبه خود را بنتظر رساند که
بعداز ملاحظه و رقم ازان قرار کتاب دفتر موقوفات ممالک محروسه در دفتر عمل تعایند .
عمله و خدمه سر کارات مزبوره مشارالیه را متولی بالاستقلال والانفراد خود دانسته از سخن
و صلاح و صواب دید او که هر آینه در باب لوازم مهم مزبور بوده باشد بیرون نزفه اطاعت و انتیاد
و اعزاز و احترام واورا از اوازم شمرند . عمال خجسته اعمال مازندران بهشت نشان حسب المسطور



سند مورخ رجب ۱۱۸ درباره موقوفات و مزارع وققی سرکار سیدالساکین و قطب
العارفین برای صرف وارد و صادر در اطاق مرا

چون موقوفات و مزارع وققی سرکار حضرت سیدالساکین و قطب العارفین را مقرر است
که زراعت گدم نموده حاصل آن را به اطاق سرا برده صرف صادر ووارد نمایند و درین سواب
جمعی بخلاف شرع بعضی اراضی آن را بونجه کاشته، بدین علت نقصان فاحش بعلت خیانت
بهم رسیده، بنا بر این اجماع شد که هر گاه من بعد احدي اراضی مذکوره را بونجه زار نمایند
خالی و فاسق و مبلغ مهتممان به صیغه نذر شرعی تسلیم اهالی دیوان نمایند.

تعزیراً فی شهر رجب المرجب ۱۱۱۸

(مهر: عبدالله باقر الحسینی)

(۱) بشری که نوشته شد الزام شرعی نمودیم العبد قاضی خان (مهر: یاقاضی الحاجات)

(۲) بشری که نوشته شد [الزام] نمودیم العبد.... (خطو مهر پارمشده).

(۳) بوجی که درین قلمی شد انتفاع صادر ووارد... داده شود بناء علیه اسلام
مو[قفه]... و خلاف شرط واقع است.

.....

دنباله فرمان ص ۹۳

مقرر دانسته سال بسال حاصل و داخل سرکارات مزبوره را بمستور استمرار بلا تصور و انکسار
از قرار قبض مشارا لیه واصل ساخته به تقویت و تمییز و امداد واعانت شرعی و حسایی بتقدیم
رسانیده درین باب اهتمام تمام لازم دانسته هرساله مثال و خطاب مجدد تطلبند.

بناریخ شهر ربیع الثانی من شهور منه ۱۱۱۷ (مهر: الراضی بقضاء الله الملک الغنی
عبدالله محمد باقر بن سید حسین الحسینی ۱۱۰۶).

چون ثانی فی الحال از دفتر موقوفات ممالک محرومہ ظاهر شد که تولیت مزار امام زاده
یعنی علیه التحیة و تکایای واقعه در بابل کناریه، لامحمد صالح و ملامحمد حسین و ملامحمد شریف
ولدان ملازمین العابدین مرجوع شده بنا برین تولیت سایر مزارات بشرح متن بسیار و تعجیبت
و فضیلت بناء بیرون احمد زمان مشارا لیه مفوض و مرجوع شد.

نفعه (مهر): الراضی بقضاء الله الملک الغنی عبد الله محمد باقر بن سید حسین الحسینی ۱۱۰۶)
پشت: هو. ثبت نمایند. ثبت دفتر موقوفات شد. ثبت سروشته نگار شد.

لرمان سورخ رجب ۱۳۲۰ در باره وظیفه میر محمد زمان نواده میر عبد اللطیف لارجاتی
نوشتہ محمد باقرین سید حسن حسینی باهر ۱۱۰۶

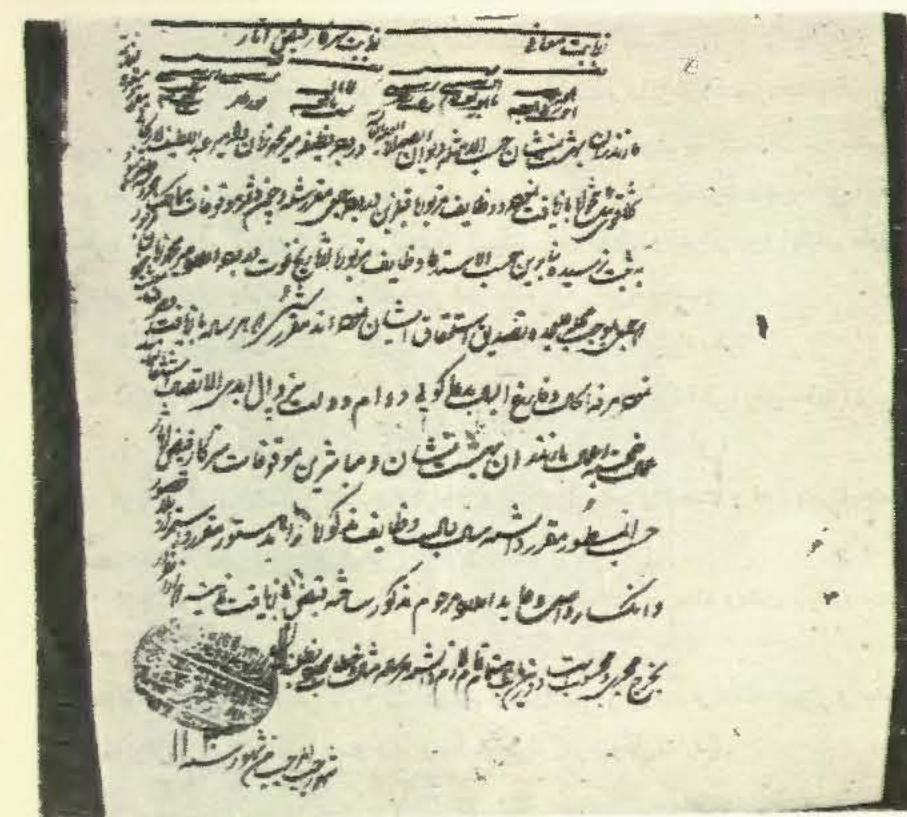
111

مازندران بهشت نشان حسب الامثلة دیوان الصداره العلية العالیة در وجه وظیفه میر محمد زمان نواده میرعبداللطیف لاریجانی مقرر و مسمتر و لغایت تاختاوی تیل تغواه بازیافت نموده و وظایف مزبوره قبل ازین درجه جمعی مقرر شده چون دفتر موقوفات ممالک محرومیه حاضر نبود به ثبت ترسیله بنا بر این حسب الاستدعاه وظایف مزبورهاز تاریخ قوت دروجه اولاد میر محمد زمان مزبور که جمعی بمحض مجلة علی حده تصدیق استحقاق ایشان نموده اند مقررشد که هرساله بازیافت و صرف معیشت خود نموده مرفقه الحال و فارغ البال بدعاعگویی دوام دولت بی زوال ابدی الاتصال اشتغال نمایند. عمال خجسته اعمال مازندران بهشت نشان پیشکش همراهین موقوفات سرکار نیفن آثار حسب المسطور مقرر داشته سال پسال وظایف مذکوره را با مستوار مقرر و استمرار بالاقصور و انکسار واصل و عاید اولاد مرحوم مذکور ساخته قืน پایانیت نمایند که ازان قرار به خرج مجری و محسوب است.

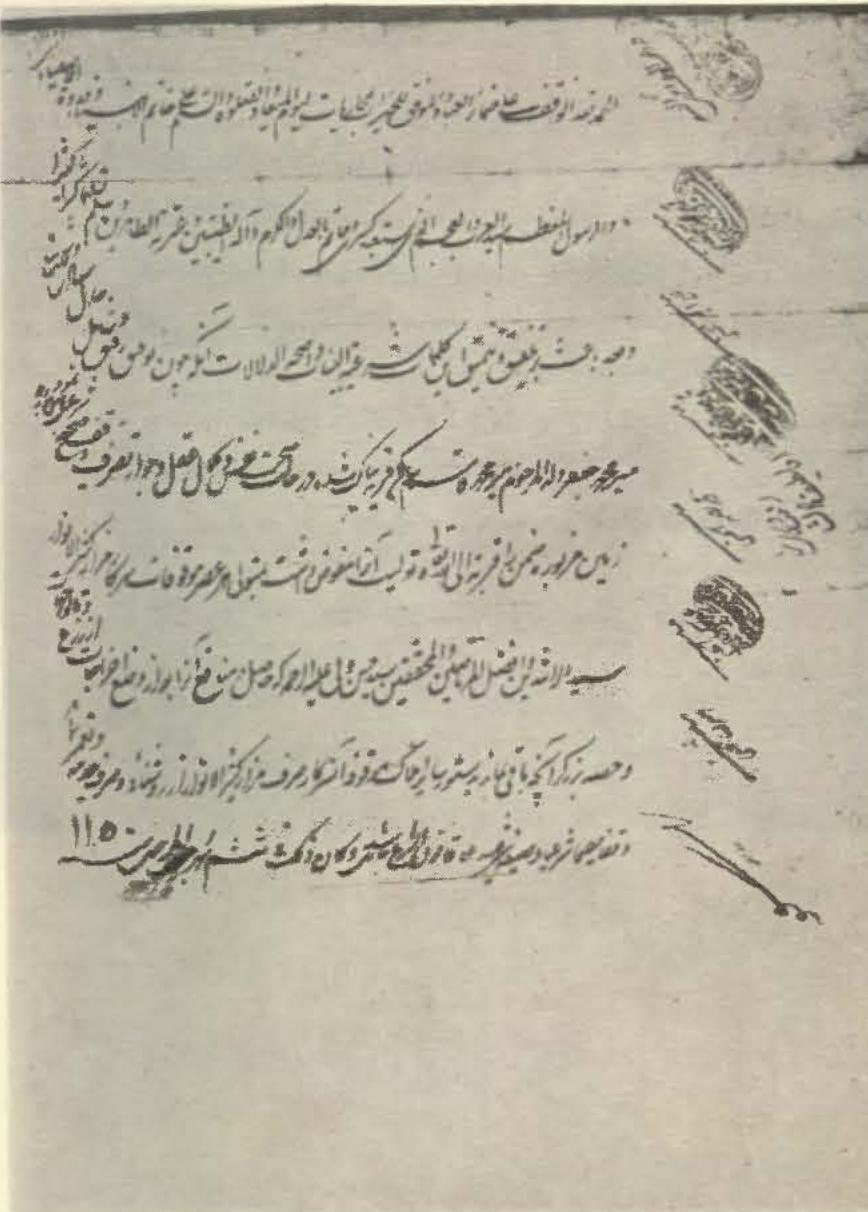
و در این باب اهتمام تمام لازم دانسته هرساله مثال و خطاب مجدد نظریته.

١١٣٠ سنة الموجب شهر رجب شهري تاريخ

شهر : «الراضي بقضاء الله الملك الغنى عبد محمد باقر بن سيد حسن العسيلي» (١١٠٦) ،
در پشت فرمان آمله : ثبت نماینده، ثبت دفتر موقوفات شد ، ثبت سر و شته تکار شد ،
شهر ناخوانا .



دنبالہ سند موخر ۱۱۰۴



سند مورخ ۶ ربیع‌الثانی ۱۱۵۰ (پشت سند ۱۰۹۱)

(باستمندی سند ۱۰۹۱)

- (۷) قدوقت الوق و جری الصیغة، العبد العذنی: علی الحسنی (مهر).

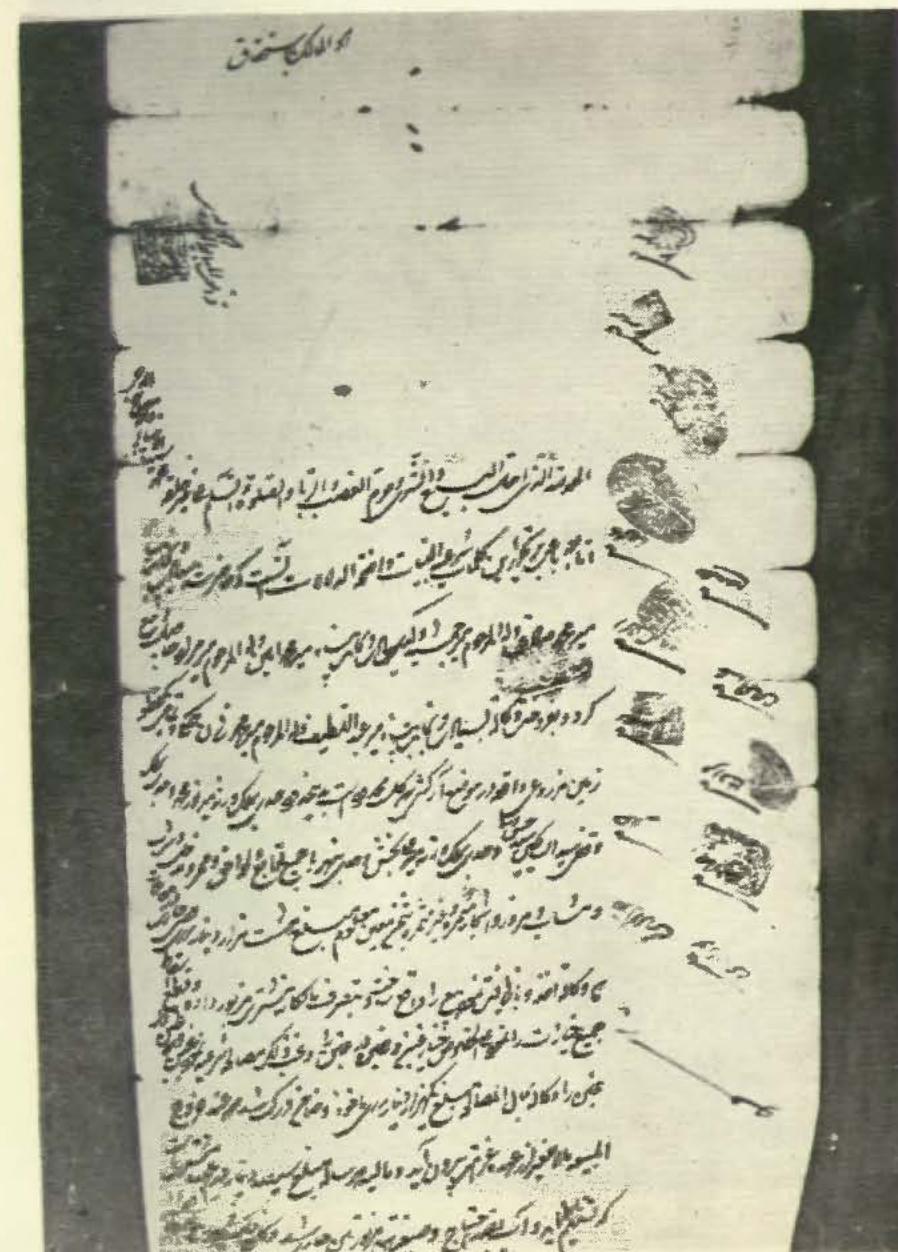
- (۸) محمد صادق الحسنی (مهر: افوض امری الی الله عبد محمد صادق الحسنی سنه ۱۱۴۰).

(۹) محمد قاسم الحسنی (مهر: عبله محمد قاسم الحسنی).

(۱۰) علی اکبر الحسنی.

- شهود:
- (۱) اشرف الحسنی.
 - (۲) عیامن الحسنی.
 - (۳) محمد تعمیر الحسنی.

الحمد لله الواقع على ضمائر العباد والموقق للخيرات الجاريات ليوم العياد والصلوة و
السلم على خاتم الانبياء وقدوة الامميات النبي المكرم والرسول المعظم سید العرب والجم الذي
استعبد کسری وحاتم بالعدل والکرم وعترته الطا هرین وسلم تسليماً کثیراً کثیراً .
وبعد باعت بر تلقیق وتمیق این کلمات شرعیة البینات واضحة الدلالات آنکه چون
توفیق رفیق و شامل حال بیادت و تجابت پنهان میرمحمد جعفر ولد المرحوم میرمحمد قاسم
ساکن قریه نیالکشنه درحالت صحت نفس و کمال عقل و جواز تصرف وقت صحیح شرعی و
بیشکش جسیں موید ملی نمود زمین مزبوره ضمن را قربة الی الله و تولیت آنرا مفوض داشت به متولی
هر عالمی تقویفات سرکار مزار کثیر الانوار سید الرشیدین وفضل المرتضیین والمحققین سیدحسن
بوزکر آنچه باقی بماند بستور سایر املاک موقوفة آن سرکار صرف مزار کثیر الانوار ازوشنائی
وصرف خدمه و تعمیر نماید. وفقاً صحیحاً شرعیاً وصیفۃ شرعیہ علی قانون الشرع جاری شد و کان
ذلك فی ششم شهر ربیع المرجب ۱۱۵۰ .



سند مورخ ۱۱۵۷/۱

هو المالك بالاستحقاق

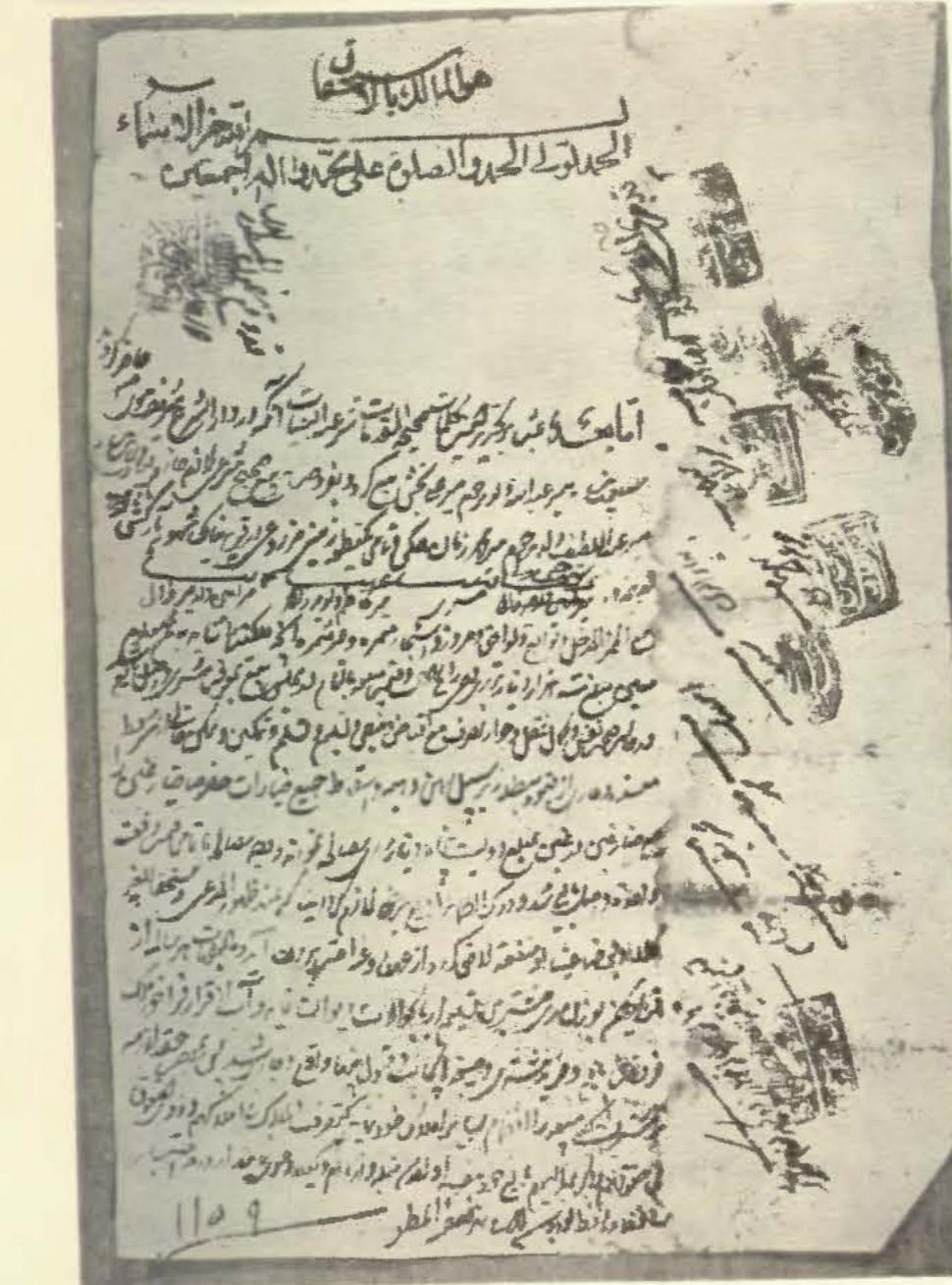
الحمد لله الذي احل البيع والشرى وحرم الغصب والربا والصلوة والسلام على خير خلقه
محمد سيد الانبياء وآلله مصايفي الدجى .

اما بعد باعث بر تحريراين كلمات شرعية البيانات واضحة الدلالات آتىست كه حاضر شهادت
وتجابت پناه میر محمد صادق ولد المرحوم میر چمشیدو کیل شهادت پناه میر محمد امین ولد المرحوم
پیشکش میر مراد حاصل و بيع کرد و بفرودت وكالة بسیادت و تجابت پناه میر عبد اللطیف ولد المرحوم میر
محمد توان همگی و تمامی یک قطعه زمین مزروعی در موضع آر کشی که کل محدود است بدین حدود:
حدی بملک ورثة میر نور محمد ،
حدی بملک وقی سید السالکین سید حسن ولی ،
حدی بملک ورثة میر علی یخش ،
حدی به نهر ،

باجمیع توابع ولوحاق و مسر و مدخل و شرب و مساب (؟) و مروز و اشجار مشعره و
خیر مشعره به ثمن معین معلوم مبلغ هشت هزار دینار تبریزی فضی جاری دو معاملات که
وكالة اخذ و بازیافت نموده بیع را واقع ساخت و به تصرف مالکانه مشتری مزبور داده
وقطع اسقاط جمیع خیارات را نموده علی الخصوص خیار غین و غین در غین را و غب ذلك مصالحة
شرعیه نمود غین و غین در غین را و کالة بحال المصالحة مبلغ یک هزار دینار تبریزی ماخوذ
و ضامن درکشید که عند خروج المیعنة مال الالغیر از عهده غرامت پیرون آید و مالیه هرساله
مبلغ سیصد دینار در عهده مشتری است که تسليم بایع نماید و آب بقدر احتیاج و صیغتین
مزبورین جاری شد و کان ذلك في ربيع الاول سنة ۱۱۵۷.

مهر: افوس امری الى الله عبده محمد صادق الحسنی سنة ۱۱۴۰.

شهود: جلال الدین محمد ، نور الدین ، جعفر ، صادق (مهر: عبده صادق [بن]
محمد) ، نصر الله (مهر: عبده نصر الله) ، مراد علی (مهر: مراد علی) ، ابراهیم (مهر:
.... ابراهیم الحسنی ۱۱۰۲) ، عبدالحسین ، علی رضا (مهر: افوس امری الى الله الغنی
عبده علی رضا الحسنی ۱۱۰۵) ، حسن علی ، شهد بعافیه العبد (مهر: ۱۱۱۲....)
شهد بعافیه (مهر: یا امام علی النقی) ، شهد بعافیه (مهر: عبده محمد وفع) ، هو قد
وقعت المبايعة المزبورة لدى (مهر: بسم الله افوس امری الى الله عبده محمد سلیم الحسنی
۱۱۲۰) (یشت: قبله آر کشی) . مهر: بسم الله افوس امری الى الله عبده محمد سلیم الحسنی ۱۱۲۰



سند مورخ صفر ۱۱۵۹

پشت : قبائل آرکشی عبدالله
هوالمالک بالاستحقاق

بسم الله خير الاسماء . الحمد لله الحمد والصلوة على محمد وآلـه اجمعين .
لما بعـد باعـث بـر تحريرـاـين كـلمـات صـحيـحة المـقـدـمـات شـرـعـية الـبيـنـات آـنـكـه درـدارـالـشـرـعـ
شـرـيفـ نـبـوـيـ (صـ) حـاضـرـ گـرـدـید سـيـادـتـ پـنهـاـ مـيرـ عـبدـ اللهـ وـلدـ مـرـحـومـ مـيرـ عـلـيـ يـخـشـ يـعـ کـردـ وـ
يـفـروـختـ بـهـ يـعـ صـحـيـحـ شـرـعـيـ لـازـمـ جـازـمـ بـهـ سـيـادـتـ وـنـجـابـتـ پـنهـاـ مـيرـ عـبدـ اللـطـيفـ وـلدـ مـرـحـومـ مـيرـ
مـحـمـدـ زـيـانـ هـمـكـيـ وـتـامـيـ يـكـ قـطـعـهـ زـيـنـ مـزـرـوـعـيـ دـرـقـيـهـ نـيـاـكـ مشـهـورـيـهـ آـرـکـشـيـ مـحـدـودـ
لـيـنـ حـدـودـ شـرقـيـ مـيدـ حـسـنـ ولـيـ ، قـبـلـاـ مـشـتـرـيـ ، غـربـيـاـ مـيرـ کـاظـمـ وـلدـ مـيرـزاـ مـحـمـدـ ، شـعـالـيـاـمـيرـ
بـيـشـكـشـ اـشـخـشـ وـلدـ مـيرـذاـلـ .

معـ المـرـ وـ المـدـخـلـ وـ تـوـابـعـ وـ لـواـقـ وـ مـرـوـزـ وـ اـشـجـارـ مـثـرـ وـغـيرـ مـشـرـ آـنـجـهـ مـلـكـيـتـ رـاـ شـايـدـ
بـهـ عـلـمـ عـلـمـوـنـ معـنـ مـبـلـغـ سـهـ هـزـارـ دـيـنـارـ تـبـرـيـزـ فـضـيـ رـايـعـ الـحـالـ وـ قـيـمـ مـيـعـهـ بـالـتـعـامـ وـمـجـلسـ
يـعـ بـعـرـفـ مـشـتـرـيـ واـصـلـ يـاـعـ شـدـ درـ حـالـ صـحتـ نـفـسـ وـكـمـ عـقـلـ وـ جـواـزـ تـصـرـفـ بـعـ معـ
أـقـيـاسـ وـقـبـشـ وـ تـسـلـيمـ وـ تـسـلـمـ وـ تـمـكـنـ وـ تـمـكـنـ خـالـیـ اـزـ شـرـوطـ مـفـسـدـ وـعـارـیـ اـرـقـيـوـنـ بـيـطـلـهـ نـهـ
بـرـسـيـلـ رـهـنـ وـهـبـهـ وـاـسـقـاطـ جـمـيعـ خـيـارـاتـ خـصـوـصـاـ خـيـارـغـنـ رـايـعـ خـيـارـغـنـ دـرـغـنـ بـدـمـبـلـغـ دـوـيـسـتـ وـبـنـجـاهـ
دـيـنـارـ تـبـرـيـزـ مـصـالـحـهـ نـمـودـنـ وـجـهـ مـصـالـحـهـ بـاـ تـامـيـ قـيـمـ دـفـعـهـ وـاحـدةـ واـصـلـ يـاـعـ شـدـ وـ
درـکـ الضـمانـ رـاـ يـاـعـ بـرـخـودـ لـازـمـ گـرـدـانـدـ کـهـ عـنـدـ ظـهـورـ الـدـاعـيـ وـمـسـتـحـقـاـ لـتـقـيـرـ کـلـاـوـعـضـاعـيـنـاـ
اوـ مـنـفـعـةـ لـاحـقـ گـرـدـ اـزـ عـهـدـ وـغـرـامـ بـيـرونـ آـيـدـ وـبـالـجـهـاتـ هـرـسـالـهـ اـزـ قـرارـ يـكـسـنـ بـوـزـنـ رـيـ
مـشـتـرـيـ تـسـلـيمـ اـنـابـ حـوـالـاتـ دـيـوانـ تـمـاـيـدـ وـآـبـ اـزـ قـرارـ فـراـخـورـ مـلـكـ . فـروـختـ يـاـعـ وـخـرـیدـ
مـشـتـرـيـ وـصـيـفـةـ اـيـجـابـ وـقـبـولـ لـيـنـهـاـ وـاقـعـ وـجـارـيـ شـدـ . يـسـ بـهـ مـوجـبـ عـقدـ لـازـمـ بـرـمـشـتـرـيـ
اـسـتـ کـهـ مـيـعـهـ رـاـ اـنـضـعـامـ بـسـاـيـرـ اـمـلاـكـ خـودـ تـمـاـيـدـ کـتـصـرـفـ الـمـلاـكـ فـيـ اـمـلاـكـهـ وـذـوـيـ الـحـقـوقـ
فـيـ حـقـوقـهـ . وـاـگـرـ بـعـدـ الـيـوـمـ يـاـعـ خـودـ بـنـفـسـهـ اوـ اـحـدـمـ قـبـلـهـ وـاـزـنـاـمـ اوـ وـکـيـلاـ دـعـوـيـ تـمـاـيـدـ
اـزـ درـجـةـ اـعـتـبـارـ سـاقـطـ وـهـابـتـ بـوـهـ باـشـدـ .

بتـاريـخـ شـهـرـ صـفـرـ المـقـلـفـ مـنـهـ ۱۱۵۹ ، مـالـيـهـ هـرـسـالـهـ موـازـيـ دـوـکـيـلـهـ گـنـدـمـ . . . تـسـلـيمـ
بـاـعـ مـزـلـوـرـ . . . (مـهـرـ: الـوـضـ اـمـرـىـ الـلـهـ الغـنـىـ عـبـدـ مـحـمـدـ اـبـراهـيمـ الحـسـنـىـ) (۱۱۴۴) .

[الـشـهـودـ] : شـرـيفـ ، بـهـرامـ ، اـسـعـيـلـ ، مـحـمـدـ ، مـحـمـدـ حـمـيـنـ ، بـهـاءـالـدـينـ ،
مـعـيـداـ (مـهـرـ: عـبـدـ مـعـيـدـ حـسـنـىـ) ، مـيرـ مرـادـ عـلـىـ (مـهـرـ: مـيرـ مرـادـ عـلـىـ الحـسـنـىـ) (۱۱۵۸) ،
مـيرـ عـبـدـ الحـسـنـ (مـهـرـ: الـمـذـنـبـ الـعـاصـيـ عـبـدـ الحـسـنـ) ، شـهـدـ بـمـاـقـيـهـ مـحـمـدـ صـادـقـ الـحـسـنـىـ
(مـهـرـ: . . . صـادـقـ الـحـسـنـ) ، مـحمدـ حـسـنـ خـرـازـ (مـهـرـ: عـبـدـ مـحـمـدـ حـسـنـ) (۱۱۵۸) ، قـدـجـرـىـ
الـمـسـطـوـرـ لـدـىـ (مـهـرـ: . . . عـبـدـ مـحـمـدـ اـبـراهـيمـ الـحـسـنـ) ، قـدـوـقـ مـضـمـونـ الـمـسـطـوـرـ لـدـىـ حـرـزـ (مـهـرـ:
لـاـلـهـ اـلـلـهـ الـمـلـكـ الـعـقـلـ الـمـبـينـ عـبـدـ مـحـمـدـ رـفـعـ (۱۱۵۱) .

امانه دارین شاهزاده کن مان کن
قف
الله در رحمة بشیش و هزار عیاشیش را بیدر کرد
خند کرد نه لیقظه زمین و زمین و سرمه کرد
کنم او ش واقع در بال بیزد شت که از کنم
مذکور بکندر که بود بود لایه منش
لور و خوش این فیضه بشیش
بایخ تواید و این صفات و مهات را
که وقف خدا کنی و بسیط اینکه کنم
ومقرر کرد که متو اعتماده هم کار این سلطان
لو پیر در جهت که در مصل و مصالح از اسراری فرض
ان از زن و نایر و بیج کنند و تغیر و تبدیل
و هنده بلعنت از اینها را شوواه کن

سند سوراخ ۱۱۲۹/۲ (روی)

مندو رویه:

اما بعد چون [سعادت] شامل حال و کافل مآل تعاب و معالی پناهان استاد محمد رضا
بلش و استاد علی بلش گردید که وقف مخلد نمودند یک قطعه زمین مزروعی مساحت چهار کیله
تخم افشار واقعه در بال بیزد دشت کنارنگام مشهور به کندی لو محدود بحدود:

شرقی و ستم بلش،
قبلاً لوی،

غريا و رؤثه فخر الدین بلش،

پیشکش به نیرستان شالیا چشمید بشش ،
بالجیع توانی و لواحق و بیضافات و منسوبات را که وقف قطب السالکین واجب التعظیم
والشکران نموده مقرر نمود که هر که متولی آستانه شرکار واجب التعظیم والتکریم بوده باشد
زراعت نموده حاصل و منافع آن را سرکار نیض آثار خرج نماید و بع کننه و تغیر و تبدیل
دهنده بلعنت خدا گرفتار شود.

حرر ذلک شهر بیانی من شهریور سنه ۱۱۷۹.

شهود:

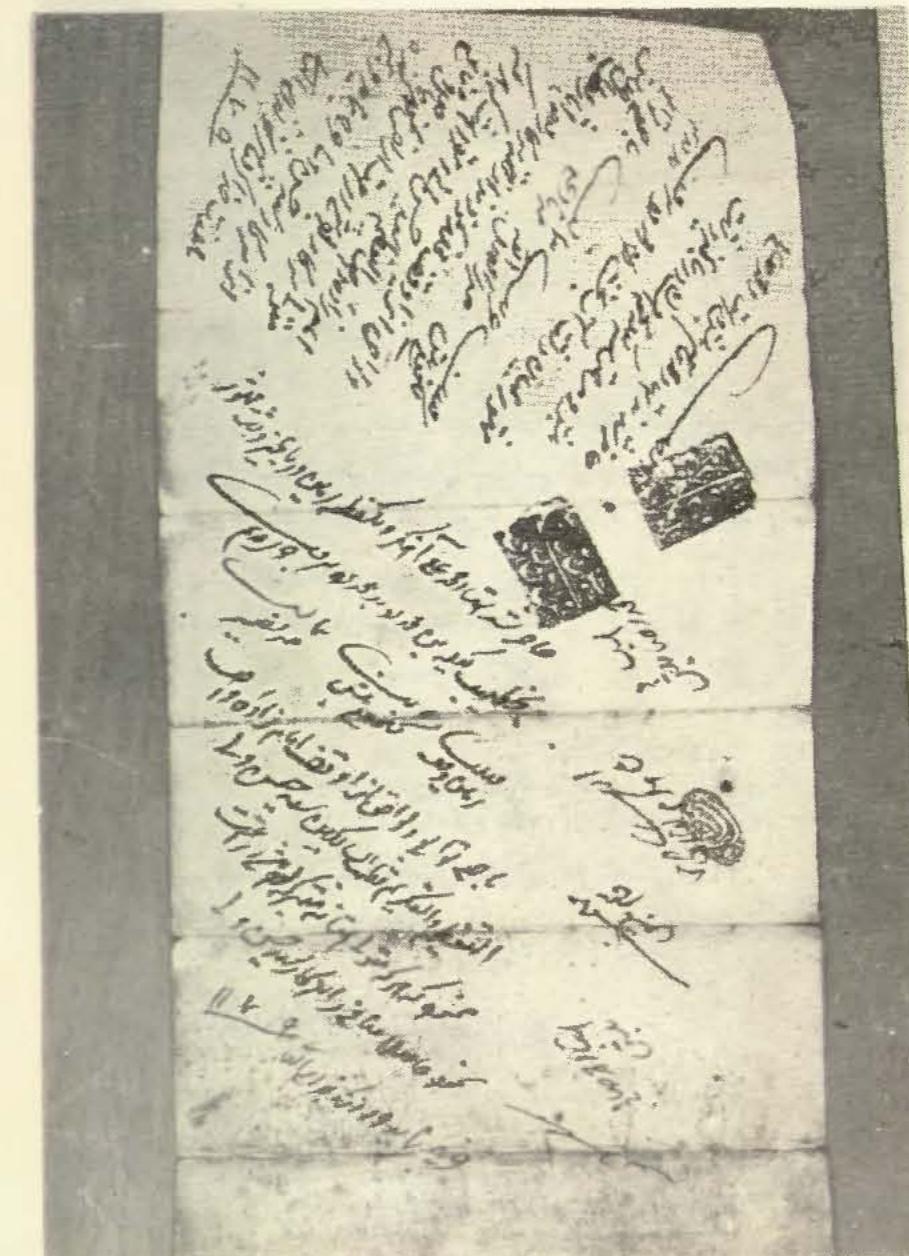
قوز علی آهنگر.

صالح ولد سلیمان بلش.

شاهکرم کنارنگامی (مهر: عبده شاهکرم ۱۱۷۰).

مهر: بسم الله التوكل على الله الغنى عبده مراد على الحسني ۱۱۴۰

(روی)



سند مورخ ۱۱۷۹/۲ (پشت)

روی دیگر بالا:

حاضر شدند استاد محمد قاسم بلش و استاد محمد صالح بلش و مساحت سه کیله تخم
اقشان در بالغیر داشت مشهور به میان داشت آب بخشان محدود:

شرقیانه ر قدیم ،

قبلیاً گجعلی بلش ،

غربیاً میرزا فضل الله ،

شمالیاً میرزا فاضل علی ،

با تشکیل به تبرستان
tabarestan.info
با پنجیع توابع و لواحق آن را وقت مخلد نمودند از جهت سرکار فیض آثار قطب السالکین
امام زاده واجب التعظیم سیدحسن ولی و مقررات است که هر که متولی سرکار بوده باشد زراعت
ارضی نموده حاصل و منافع آن را سرکار سیدحسن ولی خرج نماید و بیع کننده پلعت خدا گرفتار
شود ، شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۷۹.

مهر: بسم الله العتوكل على الله الغنى عليه مراد الحسني ۱۱۷۹.

روی دیگر پائین:

حاضر شد استاد محمد علی آهنگر و یک قطعه زین در بالغیر داشت مشهور به خطیب
کیله دین محدود بدین حدود:

شرقیاً جوی قدیم ،

قبلیاً زمین وقف ،

غربیاً گجعلی بلش ،

شمالیاً میرزا فاضل ،

با پنجیع توابع و لواحق آن را وقت امام زاده واجب التعظیم و التکریم قطب السالکین مید
حسن ولی نموده که هر که متولی آستانه متبرک است زراعت نموده حاصل و منافع را
سرکار سیدحسن ولی خرج نماید ،

حرر ذلک شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۷۹.

شهود:

استاد محمد صالح بلش ، قاسم بلش ، شاهکرم کنانگامی (مهر: عبله شاهکرم
۱۱۷۰) ، استاد محمد رخایلش ، مهر: بسم الله العتوكل على الله الغنى عبله مراد علی الحسني ۱۱۷۹.



تقسیم نامچه املاک و اشجار و خانه سرا و اثاث الیت قطب السالکین سیادت و نجابت

درویش سید حسن ولی مولخ ۱۲۱۱

تقسیم نامچه املاک و اشجار و خانه سرا و اثاث الیت قطب السالکین سیادت و نجابت پنهان درویش میر محمد رضا [متولی] (۹) سید حسن ولی که فیما بین اولاد و بنوه خود پموجب تفصیل ذیل حصه و رسید نموده در حضور جمعی تصرف ایشان داده بدین موجب و میزان که قلمی میشود که مه سهم تقسیم نموده که دو سهم با دو سر و یک سهم با دو سر زاده باشد، حصه و رسید میر حیدر علی بدین موجب است : خانه سرای قدیمی دو باب با یک ایوان و یک باب خانه بالامرتبه که مشهور است به کز کا با سطیخ پیش کز کا از تعتانی و فرقانی که مشاهده تصرف دارد (مهر: عبد محمد رضا حسینی) که هیل با پیش ایشان (مهر: محمد رضا پیشیتی) مهمن خانه و راه همگی فیما بین ایشان مشترک است . حصه و رسید میر مؤمن بدین موجب است : بالاخانه و ایوان کوچک با خانه پایین مرتبه و خانه مشهور به کز کا بالاخانه فرقانی که تفصیل است به سر دروازه و طوله و ایبار و سطیخ خانه پیرون سر دروازه با سرطوله کوچک و یک سمت او متصل است بطوله ایبار میر قاسمعلی (مهر: عبد محمد رضا حسینی) حصه و رسید میر قاسمعلی بدین موجب است : خانه سرای ساخته جدیدی که تاویع نوشته در تصرف میر قاسمعلی میباشد . خانه پیرونی با ایوان پیش خانه و دو باب خانه اندرونی که مشهور است به کز کاوبالاخانه که مشهور است به خانه مکس عسل و کوهن که بسامان میر سید علی است (مهر: عبد محمد رضا حسینی) باع پشت خانه زیر در میان میر حیدر علی و میر مؤمن و میر قاسمعلی و میر سلیمان از تواری که در فوق قائم شد در مه حصه میان ایشان مشاع] و مشترک است، نهایت پشت خانه هر کدام ایشان تصرف نمایند و داشته باشند و رو بدل ننمایند تا واضح بوده باشد (مهر: عبد محمد رضا حسینی) حصه و رسید میر سلیمان بدین موجب است: خانه سرای بالا مرتبه یک باب که میانه خانه میر قاسمعلی و میر حیدر علی واقع شده و دو باب خانه نساخته پایین مرتبه سمت شمالی که یک سمت شرقی او متصل است باع میر محمد زمان مشروط بر آنکه درخت و پردو همگی را برادرها و پدر او و عمومی او میر مؤمن بدنه و او را هم کوک و مدد نمایند که بازند طوله میر سلیمان که بالا[ی] جعله که متصل است به مهمن خانه مشروط بر آنکه هرجایی که همگی صلاح داشند یک ایبار باو بدنه و درخت و پردو همگی بدنه و در ساختن کوک و مدد با او باشند که تاساخته شود . بهار بند و دنگ هستیز در میان ایشان مشاع] بوده باشد و همگی شریک آنده بی توفیر و تبدیل (مهر: عبد محمد رضا حسینی) درختستان همگی و باع رسنم که بهلوی باع میر امین می باشد و یک کیله تخم افشار زمین آرکشی با درختستان پشت زمین مزبور و درختستان زیر نهریزگ قریه نیاک که واقع است در میانه املاک سید حسن ولی و مرحوم میر بهاء الدین که مشهور است به تعیین زار و درختستان بهلوی درختستان میر امین شاعر و درختستان زیر نهرده بهلوی درختستان میر هاشم و میر صفر علی و زمین میانک مشهور به خانه سرای آقاییک و پانصف یک اصله درخت گرد و یک قلعه

(دنباله سند سورخ ۱۲۱۱)

تخم افشار زمین بوالغیر دشت پهلوی زمین میر صالح و میر سید علی وزمین کاشهل گیلان و
شمر پایین اسماعیل خطیب با اشجار بشراکت میر شاهرخ و نک قطعه زمین علی روبار با
درختستان آباد و خرابه تابستان میر محمد حسین و درختستان انجیلا و بشراکت میر شاهرخ
پهلوی با غ انجیلا و بکشمان میر کاویں و بالاسان میر عبد الحسین نصفه با غ میر ابراهیم
و سر عیامن که حالا با میر علی محمد است و دریش مشارا لیه رسد خود را بولدخود میر حیدر
علی داده و هبه نموده که میر مؤمن و میر قاسم علی و میر سلیمان را رجوع نیست بادرخت وغیره
تا دانند و نصفه درختستان میر مقیم زیر زمین میر باقر تا روبار اینها همگی درسه حصه بی
توفیر شریکند تا واضح بوده باشد . با غ میر عبد العظیم با میر حیدر علی میباشد و با غ میر محمد
زمان بامیر مؤمن میباشد با غ میر مقیم با میر قاسم علی و میر سلیمان میباشد و نصفه درخت گردوبی
میر مقیم و نصفه درخت گردوبی میانک و سایر درختهای کوچک در هرجا باشد فیما بین ایشان
مشاعر] و مشترک است و درختستان چشم هر با درختستان میرزا محمد تمامی میان ایشان
مشاعر] و مشترک میباشد . سنه ۱۲۱۱ (مهر : عبداله محمد رضا حسني) .

(۱) شهد بعافیه (مهر : عبداله جمشید الحسني ۱۲۱۱) .

(۲) شهد بعافیه (مهر : عبداله الراجحی اسماعیل الحسني ۱۲۰۷) .

(۳) مهر : محمد رضا حسني .

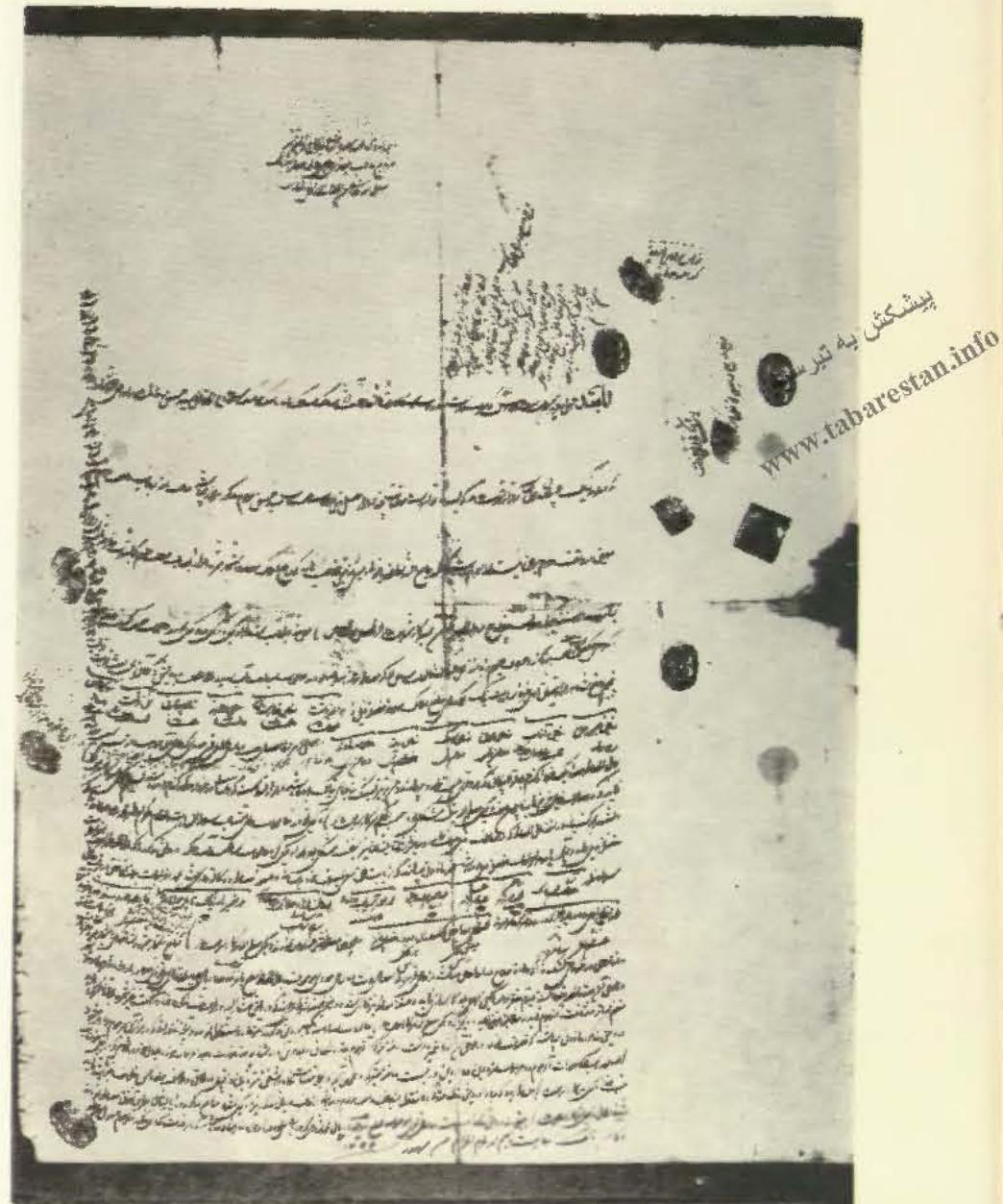
(۴) شهد بعافیه (مهر ناخوانا) .

(۵) شهد بعافیه لدى (مهر : اسدالله عبد الله الحسني) .

(۶) شهد بعافیه لدى (مهر : لا اله الا الله الملك الحق العین محمد کاظم الحسني ۱۲۰۴) .

(۷) اقواع اترف بضمون المسطور لدى (مهر : عبداله عیدالله الحسني) .

(۸) مهر ناخوانا .

(۹) شهد بعافیه العبد محمد الحسني (مهر : الم توکل علی الله الغنی محتاج حق محمد حسني)
پشت درویش میر قاسم علی و میر سلیمان .

سند سورخ ۲۲ محرم ۱۲۰۵ در اینکه وقفا نامه و توقفات سیل حسن ولی و برادرش مید علی
که در تیا کل لاریجان مدقونند در دست نیست و دستور حاجی ملام محمد جعفر استاد بادی در این باره

رونوشت سند مورخ ۱۲۵۵ در تاریخ ۱۳ ادی ماه قدیم ۱۲۷۱ درباره موقوفات ناج الدین
سیدحسن ولی و برادرش میبدعلی که در نیاک مدفونته و وقف‌نامه آن دردست نیست و در
۱۲۰۰ به حاجی ملا محمد جعفر استرابادی ←

۴- ارجاع آشده و اوپاخوند ملاعلی محمد هزار چنی و اگزار کرده واوهم با پاپا شریت محمد علی مرکب لارجانی به سید علی درویش که با رث مدعی تولیت بوده است و اگزار کرده است

(۱۱) زمین ارا دویمانه (۱).

(۱۲) زمین رینه هفتمن رای.

(۱۳) زمین دماوند [پانز] دهن رای.

[سهو شده پنج من ری بخراج درویش سید یحیی محسوب است . ایضاً سهو شده دویمانه در ایرا . ایضـاً سهو شده باعجه اسک . این دوقرفه هم بخراج سید مشارالیه و اگذار شده . عبده الرأجـی علی [محمد] ۱۲۵۰ (مهر)] (میانه دو سطر درستند ۱۲۵۰) .

از حال تحریر الی اقضای مدت ده سال کامل قمری عددی که هرسال آن عبارت پیشکش به از سید و شصت روز بوده باشد مال المصالعه مقدار یکصد خروار گندم بوقر لار ریجان که هر ورقی ثابت است بیمانه و هر بیمانه ای دومن تبریز بستگی نه عباسی نیاک بوده باشد از قرار قسط سنده که عالی ده خروار گندم بوده باشد تسلیم و کیل سر کار شریعت مدار نمایند که در مصارف ذیل خرج نمایند و چون حرف و کیل معظم الیه بنفسه مشکل بود حسب الحکم سر کار شریعت مدار و کیل نمودند عالی یعنی قدمی انساب سلاطین السادات العظام المکرم آقا میر محمد علی لار ریجانی نیاکی الشهیر بعمر کب را در اخذ مال المصالعه که در مصارف ذیل صرف نمایند و باشند ایشان نیز بنفسه مشکل بود لهدا کیل کرد عالی یعنی سعادت ماب مذکور درویش مذکور را که مال المصالعه و اصرف اخراجات مفصله ذیل نماید و آنچه زیاده بر اخراجات مفصله ذیل بوده باشد خود مذاونی باشد که از بایت حق سعی خود بمصرف بر ماند و صیغه مصالعه و کالت جاری شد .

(۱) بجهت اخراجات برف انداختن در برف چال سر راه غلوون آرد دوازده بن ری، روغن چهارین تبریز دوازده هزار دینار، عسل دو من تبریز پنج هزار دینار.

(۲) بجهت تعییر برف چال هرسالی پنج هزار.

(۳) بجهت تعییر آسیاب هرسالی دو تومان .

(۴) بجهت غسالی و حفاری اموات نیاک هرسالی سه تومان .

(۵) بجهت تعییر راه نیاک تا پل مون هرسالی پنج هزار.

(۶) نهار بجهت لا روب نهرده با خواری آن : آرد دمن رای، پنیر و ماست یقدره کتف .

(۷) بجهت افطار اهل ده در عین غطر که در روضه متیر که حاضر می شوند : آرد ده من

ری، پنیر سه من تبریز .

(۸) بجهت فعل انداختن گوسفدان ده در فصل پائیز : میش فعل رام، بز فعل راس .

تعین وجوهات مذکوره از قرار ریال محمد شاهی است که در ذیل موصوف است .

۱- این یکی درسته مورخ ۱۲۷۱ است و در شمارش هم این دو یک که ترتیب نیستند .

اما بعد غرض از تحریر این کلمات شرعیه الدلالات آنست که حضرت هدایت [پناه] ولایت دستگاه ارشاد شعار حقیقت آثار سالک مسالک ربانی نامک مناسک سبحانی تاج الملک والحق مید حسن ولی طیب الله ثراه وجعل الجنة مشواه با برادر آن جناب مرحوم مبرور جنت آرامگاه سید علی که در قریه نیاک لار ریجان مدقون می باشند از قرار شهرت خارجه که بسرحد تو اتر رسیده موقوفات چند اقرار تفصیل ذیل از جناب مستطاب سینه مرحوم مذکور برقار می باشد وقف نامه ای از جانب واقف مرحوم در دست نمی باشد و متولی شرعی معین از واقف مرحوم مبرهن نیست لهذا لازمت است که مجتهد جامع الشرایط خود را متولی اینی از قبل خود نصب نمایند که مثابع املاک موقوفه و اشجار مشرمه و غیره هارا بمصارف موقوف عليهم که بشهرت خارجه ثابت است از قرار تفصیل ذیل صرف نماید فباء عليهذا درسته یکهزار و دوست و پنجاه و پنج در دارالخلافه طهران سر کار شریعت مدار فخرالحقین و قدوة الملحقین وحدالدورانی مجتهدالعصر والزمائی خیرالجاج والمعترین مروج مذهب جعفری حایی ملام محمد جعفر امیر ابادی سلمه الله تعالی عن البیانات الارضی والسموی (ن: والسموی) عرض شد آن جناب شناهاو کیل و و کیل در توکیل نمودند عالی یعنی اکتساب جامع الاصول والفرع آخوند ملاعی محمد هزار جریبی را (مهر : عبده الرأجـی علی محمد ۱۲۵۰) که به نوعی مصلحت موقوفات واقع بزرگوار و موقوف عليهم بدانند عمل نمایند لهذا عالی یعنی ساقی الذکر مصالحة شرعیه دینیه اسلامیه نمودند به عالی یعنی سعادت ماب سید علی ملقب بدرویش که الان بحسب الارث نوبت تولیت باود مرتبه پنجم واقع شده (ن: باور سید) از قرار تصدیق اهل خبره سادات نیاک هنگی و تمامی مثابع موقوفه مفصله ذیل را :

(۱) بواخیر دشت چهارده بیمانه .

(۲) زمین خارستان دوازده بیمانه .

(۳) زمین ولازی چهل و دو بیمانه .

(۴) زمین چهارین ده بیمانه .

(۵) زمین آن دشت چهار خروار [و] دوازده بیمانه .

(۶) زمین ده گیلان هشت خروار [و] پنج بیمانه .

(۷) زمین صبوران سه بیمانه .

(۸) زمین آزاد دویمان مسوای (ن: مع) علف چین .

(۹) زمین مون دومن ری .

(۱۰) زمین امکش دومن ری .

و همچنین مصالحة شرعیه اسلامیه نمود و کیل معظم الیه سرکار شریعتمدار منافع اشجار مشعره و شاخه های اشجار مشعره و غیره را و انداختن درختهای خشکیده را که عادت اصلاح در آنداختن می باشد از حال تحریر الى اتفاقی مدت دصال عددی موصوف بحال المصالحة مبلغ پانزده عدد ریال جدید محمدا شاهی می نخودی صیرقی و زنا و هزار دینار قیمتایوده باشد در عوض آن بقدر الحببه و قسط السنه هیزم بفرا و مسأکین اهل بلد کارسازی تعاون و صیغه مصالحه نیز جاری شد و در ضمن صیغه شرط شرعاً شد که درویش مشارا لیه در ظرف مدت مذکوره هزار اصله درخت غیر مشعره مجاناً غرس نماید متهم بساير موقوفات آن مرحوم نماید و مطالبه عوض ننماید و دیگر آنکه و کیل معظم الیه سرکار شریعتمدار عالیجناب میادت متاب درویش مذکور را متولی بالاستقلال نموده و آنچه نذوراتی که در مزار آن مرحوم وارد می شود درویش مذکور ماذون می باشد که تصرف نموده در عوض آن اولاً تعزیر و مرست روضه متبرکه آن مرحوم بقدر امکان و بعد فرش و روشنایی بقدر ضرورت و بعد اخراجات خود و عیال خود و بعد اشخاصی که از قبل خود نائب گرفته بهجهت رسیدگی امورات آن مرحوم و اخراجات متعددین و واردین درست روضه متبرکه و همچنین آنچه از جمله متدمات نگاه داشتن متعددین از قبیل اوطاق و لحاف و تدوس و ظروف و غیرها باشد نماید.

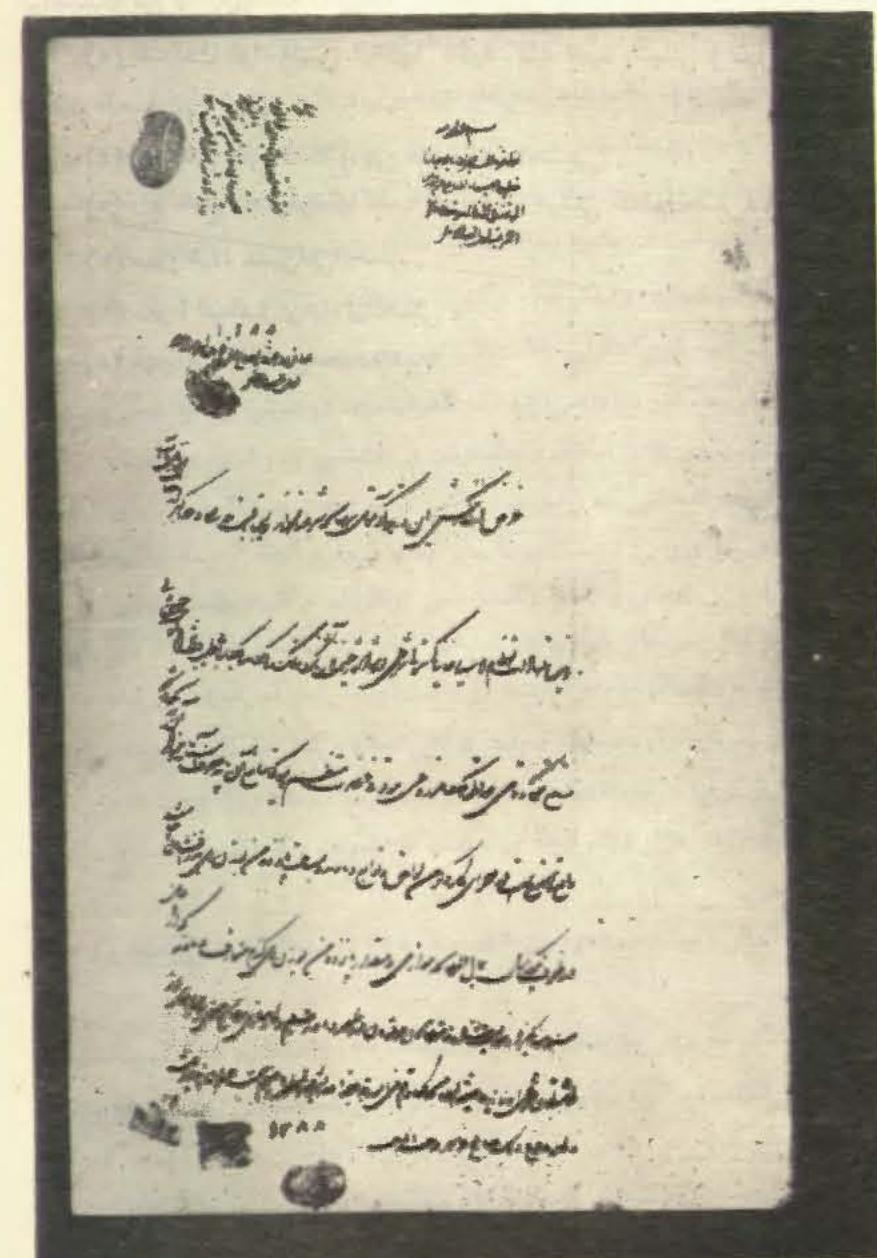
غیر هذا و کیل سرکار شریعتمدار احتیاط کرده که میادا درویش مذکور متولی بالاستقلال از جانب واقع مرحوم بوده باشد از جانب درویش مذکور نیزو کیل شده منافع مذکوره را باشان بطريق فوق مصالحه نمودند و ثانی الحال و کیل سرکار شریعتمدار اجبر نمودند درویش مذکور را در مدد ده سال قمری موصوف بمبلغ دو عدد ریال محمد شاهی که هر ریالی می نخود و زنا و هزار دینار قیمتاً بوده باشد که با مرخد متکذار آن مرحوم مذکور مشغول بوده باشد.

و كان ذلك في بيست و سیم محرم من شهرسته ۱۲۵، عبد الرأجی على محمد ۱۲۵۰
(مهر).

[و كان ذلك تحریر افی سیزدهم اركمه تدبیر سنه ۱۲۷۱] [سند دوم که رونوشت است]

(۱) مخفی نماناد که آنچه در این ورقه ثبت شد اقل خلق الله محمد علی الحسنی الاریجانی النبا کی الشهیر بمکتب در مجلس فخر المجتهدين و قدوة المدققین حضور داشتم که آن جناب شفاه او کیل و کیل در توکیل فرمودند عالی جناب علامی فهامی جایع الاصول والفروع آخوند ملاعی محمد هزار چربی مذکور درمن را بر تهیج مذکوره و در اجرای صیغه مسطوره و کیل شریعتمدار تیز حضور داشته کمارقم، عبد محمد علی الحسنی ۱۲۲۱ (مهر).

- (۲) قدوخ م الواقع و ليس لوقتها كذب (با مهر ناخوانا) شهادت خط حاجی مید ابوالقاسم نیا کی .
- (۲) قدوخ الواقعه ليس لوقتها كاذبة كتبه العبد العجاني (مهر: عبد الرأجی اسعیل الحسنی).
- (۴) لاشک فی وقوع ذکر (مهر: صح ابراهیم الحسینی).
- (۵) وقع م الواقع و ليس لوقتها كذب شهر: عبد الرأجی کاظم الحسنی ۱۲۴۸.
- (۶) مهر: عبد حسین قلی الحسنی .
- (۷) مهر : اسماعیل بن صادق الحسنی .
- (۸) شهر: عبد الرأجی محمد هاشم .



سند مورخ ۶ ربیع ۱۲۸۸

غرض از نگارش این وریثه آنکه قبول مصالحة شرعیه نموده‌اند عالیجناهان ملاعلی و ملاکبر از جانب فضایل مأب زیده السادات العظام آقای سید رضا نیاکی متولی شرعی ارشاد شعار حقیقت آثار ناسک مناسک سالک ریانی طیب الله ثراه آقا سید حسن ولی منافع همگی و تمامی دو قطعه ملک مزروعی موقوفی حضرت معظم الیه که منافع آن باید صرف آستانه و مزار آن بزرگوار شود .

واقع و موضوع است در صحرای کاردگمن لواحق و توابع دعاوند و بمساحت پانزده من بیشکن بوزن ری پدر افشار میباشد در ظرف یک کشال بمال المصاحف موافق و مقدار پانزده من بوزن ری کلام تبارف دعاوند که از اول سنبه منه یکهزار و دویست هشتاد و نه مصالحان مرقومان در دعاوند تسلیم و کارزاری مصالح معزی الیه و با احدي از گماشته‌گان شرعی او نمایند و صبغة الاعظمة کمارقم فی الورقة بقواعد الشريعة المطهرة یعنیهم سمت جریان پذیرفت و کان وقوع ذالک بتاريخ ۶ شهر ربیع الحرجی ۱۲۸۸ .

- (۱) مهر: عالی‌الاکبر .
- (۲) مهر تاخوانا : سید رضا ،
- (۳) مهر: پاعلی ،

(۴) بسم الله الرحمن الرحيم . لقد اعترف المستاجران بالاجارة فعليهم استيفاء المنافع من الأرض الموقوفة في المدة المعلومة على قانون الشريعة لدى العبد الأقل ،
 (۵) اعترف المصالحان بالمصالحة المرقومة لدى فعليهما ردماها في زمن المعينة المعلومة المنظورة في تاريخ ۶ ربیع الحرجی ۱۲۸۸ (مهر: الم توکل على الله عبده عبد الوهاب)
 (۶) قد اقرنا واعترفنا بالصالح المسنود في غرة شهر ربیع الحرجی من ۱۲۸۸ لدى العبد الاخر (مهر: ابوالفضل امری الى الله عبده عبدالله) .

من جمله موقوفی حضرت آقا میدحسن ولی سرچشمه آرکشی نیاک است. از سمت جنوب بالب سنگ تانهرده ، و از غربی دره بزرگ، از شرقی معتبر پاده ، از شمالی با غوجه مرحده حاجی میرهاشم نیاکی.

و من جمله موقوفی حضرت آقا مید حسن ولی طاب ثراه تجنزار و او طاق سرای و پیش طاغیه نیاک است که سامان آن با چشمۀ زیرتل و خط استواه با چشمۀ زیر کمر که الحال میان لش جریان نموده واژ چشمۀ زیر کمر مزبور ولد دره تا نهر ده و طرف غربی تجنزار سطح ملک میر بهاء الدین و سطح با غات مخروبه الى زیر باغ مرحوم میر سلیمان که الحال ورثه مرحوم پیشکش بطيجي مید باقى داردند ، از زير سدان خط استواه محاذی معتبر که محل عبور ثلاثه است : مبور قریل تیباک ، عبور طرف وودبار ، عورست قبله تفرنگ و نیز معتبر عام سازمان چاک میباشد [www.abarestan.info](http://abarestan.info) معرفت به شوراست الى او طاق سرا ، زیر قبرستان قدیم ، مبوران که محل او طاق و چشمۀ در آنجا بوده است ، سامان شرقی او طاق سرا پایه قدیمی سنگ چی مزرعه مرحوم حاجی مید قریان و متصل بملک مرحوم حاجی میرهاشم که معروف به نوی است .

حضرت مید

میر خود را چشمۀ لاریجان نسبت داشت خود را نیکت ناخوا

ولطفه احمد نیکت لاریجان سرپل رشنا ، خود را عم را نیک

حضرت مید ناین نیک

در گذشته بخوبیه از طلاق نیز کشی خود را نیکت کرد ، این خدمت ایشان

و خدمت ایشان با چشمۀ زیر سدان نیز کشی خود را نیکت کرد

در گذشته کشی خود بر سر ایشان خدمت خوبی ایشان را نیک

روم ایشان را نیز کشی خود را نیکت کرد

عطفه ایشان بعد نیز کشی خود را نیکت کرد

سرازیر سرتانیم میدن که مادر ایشان همچویه میکند نیکت داشت

سرازیر سرتانیم میدن که مادر ایشان همچویه میکند نیکت داشت

سند مورخ

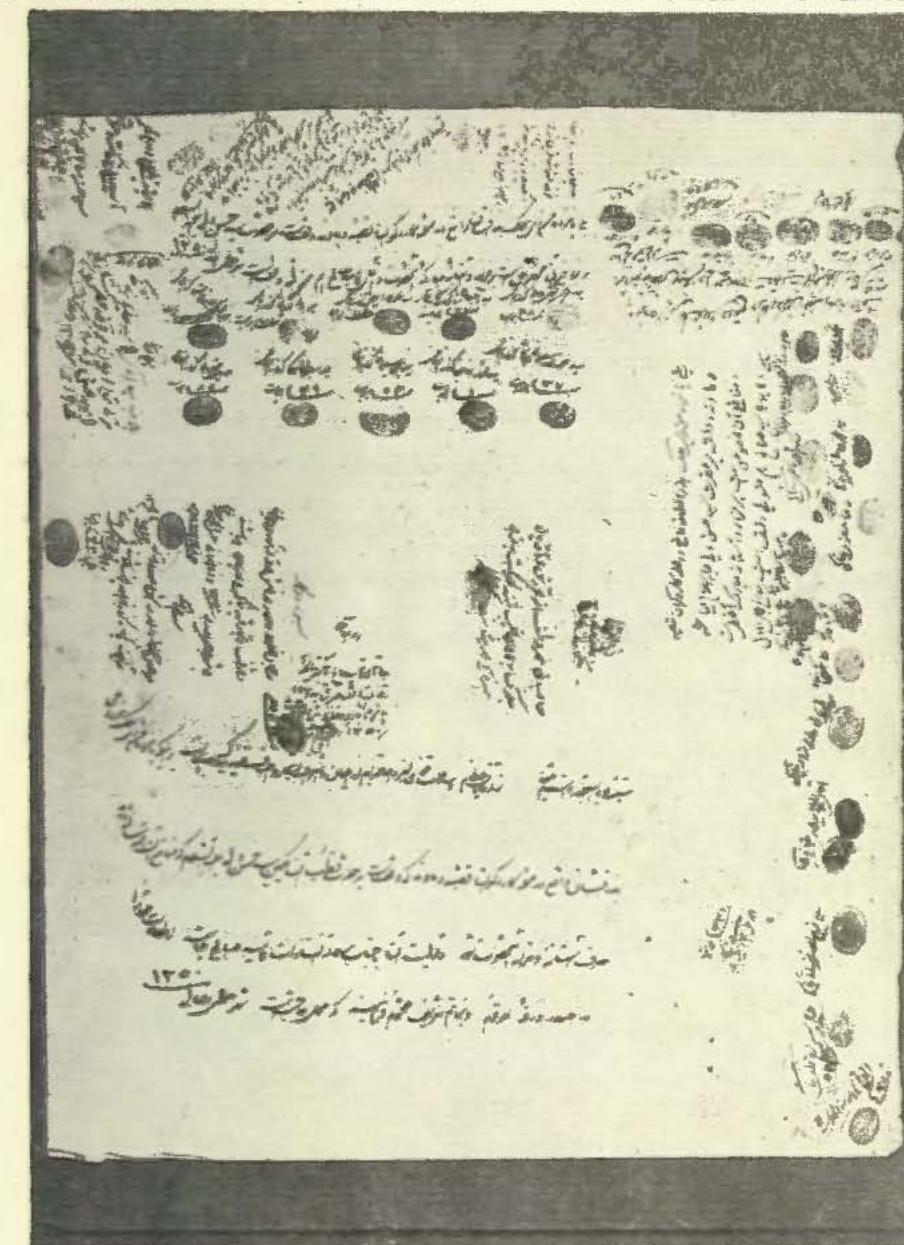
بیانات و قرائت

بعد الحمد والصلوة ، حاضر مسند عصمت شعار وعفت آثار ميد ليلا دوخت مرحوم حاجي سيد قربان نياكى باللغة عائلة رشيدة مختاره و بعد الحضور مصالحة صحيحة شرعية منجزه لازمه تعود من مقدار پائزده ييمانه از سی پيهانه ملك مزروعی موروثی و پدری مشاعی میان مشارليها و خواهرش سید معصومه بود و كائنه است در قرية گیلام با تمامی توابع و لواحق از مرد و مدخل و مروز و سنجین و سایر ملحقات بهرامی و رسم باشد من غير استثناء پيشکش شيني را بدارنده اين ورقه و هوعزت شعار آقا بابا سرخوردی به مال المصالحة المعلوم مبلغ هشت تومان و جد سفید ماخوذ و صيغة الصالح با استطاف كافه خيارات حتى غيار البنين ولو ياعلى ملقب الفحش ايعبا و قبولا بسمت جريان پذيرفت قبض و اقراض و تسلیم و تحصیل موصول .

ثم صالح له فوق مقدار ملكه رقوم را تماماً وقف مؤيد وجيس بمخذلته مدلر شاه القوطيا
خرفاته كه منافع آن صرف چراغ وروشنایی جناب مستطاب قطب الاقطاب آقای سید حسن ولی
و على اجداده المعصومين سلام الملك الخفي والجلي شود و ثواب آن عايد واقف مزبور ووالدینش
شود در يوم لا ينقم مال ولا بنون .

وتوليت آن مفروض و مرجع داشت بمسالله الاطياب آقای میدا سد الله متولی میدبزرگوار
بحيث لا يبع ولا يوهب ولا يرهن فمن بدله بعد ما سمعه فانما تنه على الذين يبدلونه وكان
وقوع ذلك في سنة ألف و ثلاثةمائة و ثلاث عشر وصيغة الوقف جرت في اربعة و عشر بعد الالاف
[وثلاثمائة] ١٣١٤ اللهم اغفر لمالكه و لواقفه بحق الخمسة عليهم السلام ١٣١٤ .
مهير: عبد اسماعيل الحسني.

قد وقع مارقمن في الورقة لدى الجانى ١٣٤ (مهر: عبدالله اسماعيل الحسنى).
قد وقع مارقمن في الورقة لدى الجانى ١٣٤ (مهر: عبدالله حسنين الحسنى).



استشهاد مورخ ج ۱/ ۱۳۵۰ در باره پانزده من رو زمین کوی کاردگران
دماوند که وقف است برقطب السالکین میدحسن ولی

سندي است از سده ۱۰

این خطاب آنست که حاضر آمدند:

ابراهيم آزاوي چنان قرار دادند [که] يك قطعه زمین
که تهاده است در قريه آزاب مشهور به گاليلان چهار حدسين:
حداول باجو[ي].
حد دوم با گاليلان نو.

نامه ايست از سده ۹ که در پشت آن مهر:

ازوسي خواه تعصى بنده شاه ولی حسین ۱۸۹۶

دیده شود

جناب تقوی پناه ارشاد

پيشکش به تبرستان بتجديد تسليمات واقره و تعحيات متکاثره مبلغ شد.

درین باب شکایت نوشته بود مطالعه
اعنى [که] غیبت آنجباب گوید يا مدعی گری کرده کس گوش کرده باشد که
این جانب خبر از این معنی . . . را چه حداین است که آنجباب را ابراد گيرد و آنجه نموده نشان
همت درو ثاقه سرای حضرت درویش بمعدم میدهم که [رشک ندارد] و [اکرند] هند [ازروح]
پندگان حضرت درویش قدس سره بترسند و براین جانب است واگر اینچنین اندیشه و فکر
در روح پاک و همت عالی آن حضرت می باید گرد و اندیشه از دیگر مردم و دیگر چيزها
تدارند و خاطر مبارک جمع دارند و آنجه دریاب کردن درزی نموده ايشانرا نوشته
شد و چون چند روز دیگر بدموند اتفاق افتاد استقرستاده شود توقع که از روح حضرت ولايت
نهائي در خواست همت فرمایند برود احوال سلامتی اعلام نموده مهمات لا يقه رامتصد
دانند زيادت املال نرفت . توفيق رفيق باد.

• • • • •

drin.tabarestan.info

حد سیم با زمین مشتری .
حد چهارم بانو.

در حق درویش محمد است درویش حسین بليسن کرد. که من بعد فرزندان و خیشان
هیچ آفریده درک دعوی نباشد. اگر کسی دعوی کند تا حق باطل باشد در لعنت خدا و رسول باشد
درویش محمد مذکور مرد که مررت (۹) کرد.

بعضیور گواهان:

- (۱) بگواهی درویش امیر علی عسکری .
- (۲) بگواهی درویش علی بلحسین .
- (۳) بگواهی درویش رستم بلحسین .
- (۴) بگواهی محمود بلحسین .
- (۵) بگواهی کیخسرو ملاح .

مسئلہ مورخ شوال ۱۰۰۳ کے پشت آن آمدہ : معاوضہ نورالله العز

معاوضہ و مبادله نمودند درویش نورالله و یعقوب با تقوی شماران مولانا نعمت الله و
درویش میرزا ابوالحسین ، زمین اندرزرا به درویش نورالله و یعقوب دادند. درویش میرزا
ومولانا مذکور زمین و رسه بن رابدل زمین خود متصرف شدند و رضا مذکورین . و مقر نمودند
آنچہ حصہ آب آمرد اولاد درویش رحیم ابوالحسین باشد ، نصف از مولانا و درویش میرزا
مشاریعه باشد و نصفہ ازان ایشان .

تحریراً فی شهر شوال یا اقبال سنہ (۱۰۰۲).

- (۱) بشهادت گودرز ابوالحسین .
- (۲) بشهادت داود .

- (۳) بشهادت درویش محمد .
- (۴) بشهادت محمد یامت (۹) .

(۵) الاقل العبد ناصر ابوالحسین ابوالحسین .

وقف ذامجه آزاد [مورخ شوال ۱۰۳۹]

(پشت نامہ)

درویش سید حسن ولی

الحمد لله خالق البرايا والشكر لواهب العطايا . والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله
خير الورى .

و بعد باعث بر تحریر این حروف شرعیه و غرض از تسطیر این مقالات سمعی آنکه
حاضر آمدند کدخدایان محترم حاجی آزادی ووردان آزادی قی حالت عقل و کمال عاقیت
از برای یوم لا ینفع ولا بدن الامن [اتی] الله بتقلب سليم مساحت چهار پارچه املاک که از راه
ما کتسی تعلق باها و اجداد ایشان است مشهور است به کالیبان و قبل از تحریر آن را بوقف
نامزد کرده بودند و محاذ بحدود :

آفتاب در آمدن به املاک درویش میرزا ابوالحسن وعلی دوم .

غیریا به املاک ابراهیم ولد قاسم آزادی .

حلیم قبلایه سنگ بزرگ در میان املاک ایشان واقع است
املاک درویشان ...

.....

.....

ابوالحسین املاک مذکور را ... وقف مزار سلطان ... و مداخل املاک مذکور را
مع وقیه آن را مباح میادت پنهان مید میرزا ابوالحسین نمودند... ابوالحسین از حاصل و منافع
و وقفیه املاک مذکور قطع کردن و آنچه حاصل و منافع املاک ک... واولاد او بطن اعد بطن
قرنا بعد قرن مباح و حال نمودند که بعد الیوم حق نیست و جمع درویشان اولاد
درویش حسن ولی را در آن وقیه و حاصل او دخلی نیست و هر کس او تصرف
کند باطل و عاطل دانسته خلاف کننده بعلت خدا و فرین رسول گرفتار آیند. و کان ذلك
فی شهر شوال ختم بالخير والاقبال سنہ ۱۰۲۹ .

قرارنده : املاک هرساله آب زراعت .

املاک بلا مضایقه به درویش میرزا داده زراعت .

الشهود :

(۱) رئیس بن محمد آزادی .

(۲) ابراهیم ولد رستم آزادی .

(۳) باپوی آزادی .

(۴) وجلال آزادی .

(۵) رئیس جلال نوابی .

(۶) رسم پاطیب نو [ابی] .
شهد بعاییه محمد زمان نوابی .

(۷) املاک مذکور را قربة الـه و طلباً لمرثاته وقف مزار کثیر الانوار گردند و
حاصل و منافق آن را مباح شرعیه درویش میرزا و اولاد او بطننا بعد بطن نمودند وهذا خطی
العبدالاقل (مهر: غلام بن محمد تقی) .

سند مورخ شعبان ۱۰۵۹

یک قطعه باع مشجر از موضع آرکشی موروشی خودرا سیادت و نجابت پناه میر محمد
تمیرمع برادر و میر مرادعلی و میرزا محمدولد میر مرتضی و میرحسین ولد میر رفیع سیادت پناه
میر قاسم داده که آنچه ارضی که [عمل] نیا [ور] ده است باصحابان باع بوده باشد
و آنچه ارضی که بعمل آورده و قرض نماید با حاصل هرچه بعمل آید از قرار تصفه بوده
باشد و آنچه لازمه تمیر و آبادی بوده باشد در هریاب بعمل آورد و مالوجهات باصحابان ملک
بوده باشد و این چند کلمه بجهت اقرار نامجه قلمی گردید .

تحریرا فی شهر شعبان المعلم سنة ۹۰۵ (باشهر ناخوانا).
سیدحسن (مهر: عبد العین) .

نقیبیم نامه مورخ شعبان ۱۰۹۴

نقیبیم املاک میر کاووس و میر محمد و میر جمال ولدان میر عبدالوهاب بین موجب :
حصہ میر کاووس :

میر محمد و جمال هر روز نوبت آب از کاووس کلید بطلبند ، قطعه میدان نصفه ،
قطعه آمرد نصفه ، قطعه جور باع آنچه درویش جمال داشته سامان کتس رج ، قطعه گیلاز
سامان و زئه میر حبیب الله ، قطعه چال دیمه دره بآن طرف سامان اویس بطلبند نصفه و نصفه
دیگر از جمال است ، قطعه لیکرک باع سامان پائین ، قطعه واوز سامان قاسم علی دره باین
طرف کنج آن طرف ، قطعه خانقاھه پنج حصہ ، قطعه آرده سامان کمال ، قطعه وسیع حصہ ،
قطعه اورازل سرحد حصہ کاووس است ، درخت آبدرسه حصه .

حصہ میر محمد :

قطعه میدان نصفه ، قطعه آمرد نصفه ، قطعه جور باع حصہ پدری با جمال و

محمود است ، قطعه گیلاز حصہ محمود و جمال زین خطيب سامان میر اینها ، قطعه چال دیمه
سامان کمال مع پانزده اصله درخت مذکور از محمود و جمال است برسملک گیلاز است ، ایضاً
قطعه چال دیمه سرچشمہ با محمود و جمال است بر سر گیلاز است ، قطعه لیکرک سامان
شرف الدین با محمد و جمال است دوارش راه بکا [وس] بدنه ده قطعه واوز سامان میر محمد باقر
با جمال و محمود است ، قطعه خانقاھه همه (؟) شریک اند ، قطعه آرده درخت نشا بشراحت
سحد و جمال است ، زین سامان میر بهرام از محمود است ، قطعه آرده سامان میر نامور از جمال
پیشکشیت ، قطعه رسمح سه حصہ ، قطعه میدان ساز جمال است ، قطعه آرده ملک دولتشا برادران ،
قطعه ذریعت نشا برسامان کمال سامان قلهار شراکت برادران است ، قطعه دمهزار و اسکشیم
ترکیت است ، قطعه جور باع محمود و جمال دوارش راه بکاوس بدنه و از کاووس راه آب
نخواهند .

هر کا احدی تخلف نماید مبلغ دوازده هزار دینار تبریزی به وکلای دیوان دادنی
باشد فی [تاریخ] سلح شعبان سنّة ۹۰۱ .

شهود :

(۱) محمدرضا (مهر: «المتوكل على الله الفتنی محمدرضا الحسنی») .

(۲) عنایت الله (مهر: «عبد الله عنایت الله الحسنی») .

(۳) شمس الدین ولد خاکل (؟) .

(۴) قاضی خان .

(۵) محمد امین .

(۶) محمد ولد عزالدین .

(۷) مهر: حسبک فی الآخره محمود و عتره الطاهرة با باقر ۱۰۸ .

(۸) حرره (مهر: محمد رسول الله) .

پشت

هو .

ایضاً حصہ میر محمد و میر جمال بین موجب : قطعه آرده بی لو زمیج .

حصہ میر کاووس : آرده سامان کمال پایین سامان کیله صدر بالامامان قلهاری
شروعی دره ، چال دیمه پایین محمود بالامامان کنار انگامی شمالی دره .

قطعه خانه آب با آن طرف آرده سه شریک کاند میان دره مه بخش است .
هو .

میوه زمین کمال جو را باع میر کاووس مع برادران شریک کاندو روز آب جاه، کاووس
عبور و تاره روی نباشد فی تاریخ .
حرره (مهر: . . . محمد رسول الله . . .).

سند هورخ صفر ۱۱۰۷

• • • • • • • • • • • • •
بعد
• • • • • • • • • • • .
• • • • • • • • • • .
• • • • • • • • • .

قاسم داده در مدت نود سال تمام که میرمذکور آباد و درخت ثمرات از هر زنگ غرس
نموده که تمامی باع درخت نشانگردیده واصل ملک و حاصل و درخت ثلث بامیر [محمد رضا]
و ثلث بامیر محمد نصیر بوده باشد و مالوجهات نیز اثلاطاً بدیوان پنهان و میر محمد رضا
مذکور تعهد نمود که درین باب تغافل و تکاهم ننماید و هرگاه درخت غرس نکند شرکت
نداشته و هر درخت که حال نیز غرس است اثلاط اتمشت که غیر از سه اصله درخت سفیددار ...
جری ذلک شهر صفر ۱۱۰۷ (مهر ناخوانا) .

الشهود:

(۱) مهر: عبله میرعلی ۱۱۰۲ .

(۲) خط و مهر ناخوانا .

(۳) عبداللطیف (مهر ناخوانا) .

(۴) محمد (مهر: محمد حسین حسنه) .

(۵) محمد صادق (مهر: معادی الی الله محمد صادق الحسنه) .

سند هورخ رمضان ۱۱۵۴

[تقسیم نا] مجده املاک و باغات و اشجار مرحوم میر محمد زمان که فیماین ولدان مرحوم
و هم میر محمد مقیم و میر عبداللطیف و میر بهاء الدین تقسیم شده است بدين قرار است :

حصه میر محمد مقیم :

سند هورخ ۲۰ محرم ۱۱۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

سبب تحریر این مسطور شرعیه اسلامیه آنکه چون حضور آمد سعادت و نجابت پناه میر
محمد شفیع ولد مرحوم میر روح الله الحسنه به وکالت زوجة خود دری مروارید ، باصالحت میر
مراد ولد محمد ، معاوضه قطعیه شرعیه کرد زمین آرکشی که سعادت پناهان میر علی رضا و میر
بیشکش قاسم ولدان میر قاسم عمارت کردند با بائمه ده که متصل است بشارع عام که ابیاع نمودند
به درویش سلیمان که با غجه ده بامیر مراد باشد و زمین آرکشی به میر علی رضا و میر قاسم بوده
باشه اگر صدعی بهم رسید طرفین خود از عهده بیرون آیند و مالیه هر کدام خود بدهند و آب
هر کدام خود را بدارند . چنین اقرار شده است فیماین که جوز درخت در بائمه است نصف میر
مراد ولد میر محمد و نصف از میر علی رضا و میر قاسم قاسم بوده باشد .

و این چند کلمه بجهت معاوضه قائم شد . تحریراً فی یستم محرم الحرام

سنه ۱۱۱۴ .

الشهود:

(۱) میر محمد شفیع .

(۲) سهراب .

(۳) فتح علی .

(۴) ابراهیم .

(۵) اشرف .

(۶) قدوقعت المعاوضة لدى العبد گنہ میر الحسنه .

(مهر : عبد گنہ میر الحسنه) .

خانه مطبخ مع طویله و انبار تھانی مع خانه مرسووان تمام او پیش سرافایین میرستیم و میر بهاء الدین بالمناصفه و چهار ارش راه به میرعبداللطیف ورثه میر محمد حسین میدهند.

شرح :

و میر دروازه و بارانداز پیش اطاق فیماین سه نفر برادر بالمناصفه و مالوچهات از قرار شرط نامجه مبلغ دوهزار دینار (با رقم سیاق دربلا) فیماین اولاد میرمحمد زمان از قرار اثلاطاً بدنه و باقی مالوچهات بموجب شرط نامجه فیماین ورثه میرمحمد حسین و اولاد میرمحمد پیشکش زمان از قرار ارباعاً هرساله تسليم ارباب حوالات دیوان نمایند و اسلام هر کدام که مدعی کلامشود هر برادر جواب گویند ثانی میرعبداللطیف زمین تاسعی را بمیر محمد مقیم داده بوده باشند^{۲۷}

تعزیراً فی شهر رمضان المبارک موافق سنّة ۱۱۰۴.

قدوقعت وقت المقادمة الشرعية لدى (مهر) : « بسم الله افوض أمرى الى الله الغنى عبده محمد... الحسني ».

سنّة هجرة رمضان ۱۱۶۱

بعد العمد والصلوة باعث بر تحریر این حروف شریعت ملوف آنکه حاضر شد عالی حضرت رفع مرتب سلالة السادات میرحسین علی ولد المرحوم میرعلی قی العسّنی و بدیعومت ورثه مرحوم میر طاهر ولد میرمؤمن که سرخون مذکور مبلغ چهار تومان و چهار هزار دینار تبریزی سکینه زوجة میرتنقی میخواست که قیم مذکور محتاج به اسلام شده بنابرین فروخت بعبایعه صحیحه شرعیه لازمه دینیه ملیه به سیادت و نجابت پناه میرعبدالغفور برادرخود و ولدان خود سید مفید و میرعلی نقی همکی و تماسی یک قطعه باع مشجر واقعه در نیاک مشهور به باعث محدود بدنی حدود:

شرقیاً نهر.

قبلیاً ورثه میر عبد الغفار.

غربیاً ورثه میر محمد زمان.

شمالیاً ورثه میر محمد مصادق.

زمین مزروعی چال زمین
قطعه

کحیل و انبار بالا زمین ورث بن از سیلاپ روتا سامان
تماماً

زمین تیز نگه دشت زمین بی تالحان پائزده کیله آردۀ سامان ولکان تمام

تماماً که دو و قرامت بشاراکت و روزه جلال
خانه مشهور بخانه آقا مع کزکا و ایوان پیش خانی سامان خانه پیش درویش میر محمد حسین طرف قبله.
حصه میر عبد اللطیف.

زمین گرجی چال سه راب سر زبان زمین رئیس فلها ر زمین میدان
قطعه قطعه

کحیل انبار یا بن تمام زمین قاسم علی بالته تمام
قطعه قطعه

اشجار استان چنانین شاه سر زمین پایین زمین قاسم گاویاهفت تندی قائمان
قطعه دو قطعه ده بتمامه

آردۀ سنجک بشراکت میر و ستم باع کمال پیش اطاق فیماین میر مقیم
و میرسلیم و ورثه جمال تمام
اطاق مع خانه به روز و روز آخر برابلا و از قرار آنطرف ایوان تا سامان روزنۀ اطاق
وسرا فیماین ورثه میر محمد و میرعبداللطیف بالمناصفه
حصه میر بهاء الدین:

زمین هل زرگ فلها ر زمین دم زار فلها ر منوی چینکا زمین
قطعه قطعه

ولار زمانی زمین منوی بالا با اشجار تمام سرخ زمین گیلان بالته سامان
میر شاه نظر چهار قطعه با اشجار

درخت استان ورث دار
قطعه

لش علاء الدین سامان یعقوب علی تمام سبزی کار مع طویله ابار اوجان سامان میر
شفیع لی سامان میر محمد یوسف تمام.

ثبت المضمون عندي ياقوي.

مهر: پندت شاه ولايت ميد ميرزا ابوالحسين.

سند هورخ خرداد ۱۳۰۷

بعد الحمد والصلوة . چون بعد از وفات قطب الاقطاب وزیدة اولواللایب وحضور از ساده من اولاد برگزیده حضرت احمد آقا مید حسن ولی على آیاته سلام الملک الغنی والجی املاک موقوفه بود و مصارف معینه مذکوره در وقت نامه هست و متولی شرعی بود که از منافع اخذ می کرد و در مصارف صرف میکرد و زمان حاضر سال که هزار و سیصد و هفتاد و سی باشدم تویی موجود نیست و کسی که صلاحیت داشته باشد مراتب مرقومه را نیست مگر سلالة الاطیاب آقا مید اسد الله خلق مرحوم آقا میر عبا من . لذا به صواب دید جمعی از افضل و آقایان املاک موقوفه را واگذار نمودند باو که مواظب خدمات و عهدہ شرایط مرقومه در وقت نامه پراید که من جمله تفصیل میت و تعمیر آسیا و غرس نمودن اشجار و سایر امور کما ذکر شده در صحیفة الوقف کلمات مختلف فی الامور العزیزة فهوم منعزل و کان ذلک فی العشر الثاني من ربيع المولود موافقا للعشر الثاني من الخرداد سنه ۱۲۰۷ .

(۱) مهر: الواقع صادق الحسنی ۱۲۸۰ .

(۲) مهر: عبده حسين الحسنی ۱۲۷۱ .

(۳) مهر: عبده اسماعیل الحسنی .

(۴) مهر: الواقع بالله الغنی عبدالحسین الحسنی ۱۳۰۰ .

(۵) اتوکل بالله الغنی حسين الحسنی .

(۶) محمد باقر الحسنی ۱۳۰۰ .

سندی است که اصل آن در این مجموعه نیست

برقیهان کشور یئش و مراد و سوهدان افسر دانش و راد و پیران و کندخدايان خجسته تهادو مقتصی قشیل القریه من هذالبلاد ستور و مخفی نماناد بر اینکه مزرعه بوالغیر دشت که متعلق بطائفة کنار نگام لا ریجان بوده بمرور دهور ایام ضباط و حکام مزرعه بوالغیر دشت کنار نگام را در جمع شکستگی املاک آقایان نیاک آوردند و مزرعه مذکور را به تصرف مخصوص بود تا آنکه پادشاه اسلام بالهای غنی ملک علام ویژه شفاعت خیر الانام طویق

عبدیت خدمت از توکری و رعیتی در ریقه زمرة سادات ذوالعز والاحترام در آورده و متال دیوانی املاک شان را نیز قلم عفو در کشیده و خط باطل بر جمیع حوالجات طایفه عالیه بر دفاتر اعلی کشیده حتی از برکات ذات همایون سادات عالی درجات نیاک و بشفاعت آن بهین سلاله دودمان میدلولالاک سلطان سریر عرصه خاک طائفة کنار نگام فلهار میانک و گیلان که وابستگان آقایان نیاک بودند ایشان را نیز از ریقه توکری و حواله اطلاق دیوانی سعاف فرمان قضا نشان خارا شکاف ابدی داده و بعد آزانی که سادات پاک قریه نیاک بیشکن لب خدمات سلطانی مرفوع القلم شدند دل در عبادت سیحانی محکم نمودند . آنچه در اطاعت ریقه سلطان ظاهر کم کردند در عبادت عبودیت عبود زیاد کردند و آنچه املاکی آتحال به تحکم و شخص به جهت شکستگی ملکه خویش داشتند بال تمام همه را بصاحبانش^۱ رد نمودند و از مالکین استرضاء تصرفات مایه نمودند . من جمله مزرعه بوالغیر دشتی که خاصه مال کنار نگامی بود که بطور غیر مشروع داشتند بال تمام همه سادات رفیع الدرجات نیاک بمالکین ملک رد نمودند و بتصریف شان دادند مگر آنکه سلاله السادات العظام المسید ابراهیم نام برخی از مزرعه بوالغیر داشت را بطريق سابق نگه داشته و دارد وبصاجان ملک اصلی رد نموده و با ایشان راه منازعه و مشاجره پیش گرفته هر که از این معنی شاهدو گواه باشد اثمار هار فیض اثرو گرامی(?) را بث تمايند شاید که سید عالی تسب گرامی لقب دست تصرف غاصبانه بر مزرعه مذکوره بردارد و احراق حق بن له الحق شود والسلام على من اتبع الهدى و نهى النفس عن الهوى والجنة هي الماوی .
(پاچندین مهر).

نامهر: عبده محمد علی الحسنی .

مهر: عبد العجلیل ۱۲۶۰ .

فرمان بخشودگی سربازی و توکری از سادات نیاک از فتح علی شاه

(۱۲۱۱-۱۲۰۰) در ۱۲۴۷

چون سادات نیاک لاریجان از نیاکان پاک و آبای گرام بشرافت حسب و سعادت نسب معروف و بطيب اصل و باکی نسل مشهور، دعاوی سعادت ایشان[به] بر اهین و اضجه مدلل و سعادت و اتساب ایشان بخاندان بوت و امامت بدلایل لایحه مسجل با هوای نفسانی و اغوای

فرمانی است مربوط به سید کلایه رستمدار وقف مزار سید فضل الله
مورخ ۱۰۰۸ از شاه عباس که بعنوان تنظیر در اینجا نقل می شود
الملک لله .

مهر: اللهم وصلي على النبي والوصي بند شاه ولایت عباس

پیشکش به تبرستان فرمان همایون شد آنکه چون بعرض رسید که موضع سید کلایه رستمدار نور و قفس مزار
کثیر الانوار رسید فضل الله عليه الرحمه والرضو ان است و موضع آن حسب الشرع الانور رسیدت
پنهان www.tabarestan.info که اولاد سید فضل الله است تعلق دارد و موضع مذکور برسر راه واقع است
از متعددین آزار بسیار بدرویshan و رعایای سوچ مذکور میرمدد بنا بر این مترقب فرمودیم که هیچ
آفریده ای از غازیان عظام و قورچیان گرام و آینده و رونده و ملازمان و حکام و غیر ذلک م تعرض
احوال قریه مذکور نشده بعلت علله و علوفه و پیشکار و شکار و قتلها و طرح و دست انداز و
غیرهم حوالی نشوده و مزاحمت بحال متولی و درویshan مزار مذکور نماید و احدی در
خانه های ایشان نزول نماید و گذارند که از روی فراغت درویshan مذکور بدرویshi خود
خود اشتغال نمایند و هرساله حکم مجدد طلب ننمایند ،
صفر نمان و الف .

مهر پشت فرمان: صقی ز جان غلام شاه است ۱۰۶۴

مهر: بند شاه ولایت حاتم .

شیطانی و معادات اهل بدعت و موافق همچواران ولا يتطلعوا و كرها رغبا و رهبا درجرگه
چریک و سپاهی منخرط و در مسلک اهل جور و مناهی مسلک و از مسلک اجداد طاهره و
آبای طیبه منحرف بودند ذات مؤيدو نفس مقدس ما که بهم آسمان سیر آفتاب اژران انصاف
عالیم گیر پیغیم بپور همواره بدغ ظلم و اجحاف عرصه جهان روش و بردع بدغ و اعتراض خاطر
جهانیان گلشن دارد با تضای رافت کامله ملوکانه و رحمت شامله شاهانه در همه السنۃ
توشقان ییل مطابق یکهزا رو دویست چهل و هفت هجری علی مهاجرها الاف الاف الصلوات
الراکیات والتعیيات المتوازرات آن جمع مادات را از تکمیل دیوانی و تکلیف توکری من ای
جهات وای وجوهات مرقوم القلم و مقطع القلم داشتیم تا آنکه از سکب رسوم و مواجب
بعکتب علوم واجب درآیند و از جانبازی صفحه دغا نابازی مسیحة دعا گرایند از بس جندی
وعوانان بزی ذی شان اجداد اهل ایمان امتحان جویند و بالتزام شرایط و عمود دعای ذات اقدس
و بقای وجود ذی جود مقدس که متضمن رفاه رعیت و مطابق بقای بلاد است بطن بعد بطن و تسلا
بعد نسل رعایت کنند و خلفاً بعد خلف بوصایت سیارند .

کار پردازان سملکت و کارگذاران دولت کشور خدایان باتعکین [و] [جهانداران باداد
و دین که بتویت آیند و روند و کفاایت گیرند و دهن چنانچه بتجدد بدغ از اهل سداد و فرع
پردازن از مدلول حکم محکم معروض و باخذ وجوه دیوانی و طلب توکر و چریک کاین سلسۀ
جلیله را متعرض آیند بقانون متبینه سلطنت مطعون و در طریقته شریعت مطهر مطرود و ملعون
خواهند بود مقرر آنکه داری کریتهای ؟ عمال خلافت و دری آسمان سلطنت لالی شاهوار احکام
متینه را در گوش جان کشند و اوامر علیه را بیهود جان استوار دارند و تخلف از مدلول آنرا
موجب سخط الهی و سیاست شاهنشاهی می شمارند .

مقرب الحاقان اسنای دولت علیه و وزرای شوکت بھیه و مستوفیان دیوان و منشیان
عطارد نشان و کتاب دفترخانه مبارکه شرح احکام مطاعده را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نمایند
و جمیع سادات عالی درجات قریه نیاک را از رعیتی معاف ابدی دانند قلم و قدم از حواله و اطلاق
از ایشان گوتاه دارند . عمال و مباشرین دیوانی از توجیه ولایتی بر حسب مقرر ایشان را معاف
و احترام مادات را واجب شمارند .

از منشایت شماره ۲۷ د کتابخانه دانشکده ادبیات تهران (ص ۹۶ فهرست شن ۳۱)

علی الاصح بفرموده حضرت مخصوصه تمامی رفتند به روضه عرش درجه جناب رسول پیک یک سلام مینمودند جواب نشیدند تا اینکه امام زاده ابراهیم فرزند موسی کاظم علیه السلام که مدفون در بلده طبیه شهر آمل موضع لله برگین استسلام نمود، از روضه مبارک جواب نشید که علیک السلام یا ولدی چون ایشان استماع نمودند همه دست او را بوسیدند و تثیت نمودند آنرا همتر گردانیده علم بریا کرده سپهسالار خود ساختند از مذیته بیرون آمدند چون بولایت ساقمش شهربار رسیدند در شب یکشنبه یست و یکم شهر محرم سکنه خاتون بنت امام موسی خواهی دید برخواسته برادران گفت که مرغی را دیدم در میان زین و آسمان ایستاده بود پیری رو و قطرو قطرو خون زهرآلودی ازوی می چکید. قطوهای از آنرا استشام نمودم بوی جناب امارضا پیشکن به نهضت السلام پر شام رسید. آن مرغ گفت اتفاک بر این قوم را اجل می دواند که هر یک را بدیاری رساند چون این سخن را بشنید آتش بر بمصیبت یکدیگر گریستند.

تهران نام خارجی که در قلمه شهربار بودند نامه بمالون فرستاد که این قدر اولاد ائمه از عربستان رو بولایت عجم آمدند که اگر خیل و حشم باین ولايت برسند شمارا زنده نگذارند. چون آن ملعون مطلع شد ترسیمه در همان شب جناب امام رضا را زهرداده و شهید کردند و نامه به محمد شیبانی نوشته روانه نمود و نامه بحسن صباح نوشته بقزوین فرستاد و نامه به سیاه گوش بن عامله سمنانی نوشته: چون نامه من بشایرسد باید که دیار از ابوترابیان برآورد و نگذارید که یکنفر از آنها از ساقمش زنده بیرون روند چون تامة آن ملعون بان جناب رعید تمام یاران مقرر کردند که نگذارند امامزادگان بیرون روند. دلاوران راههارا گرفته نگذاشتند که ایشان مدت شش ماه از ساقمش بیرون روند. امامزاده ابراهیم گفت ای برادران در خواب دیده ام لشکر بسیار بزم رما آمدند و حرب عظیم در پیوست. چون روز شد محمد شیبانی ملعون بقایی چهل هزار کس از خارجیان با علمهای زرد و کبود و میاه بزم امامزادگان ریختند بنای محاربه شد. و از تعاقب ایشان سیاه گوش سمنانی ملعون بقایی بسی چهل هزار کس و در عقب او حستک صباح قزوینی با قریب چهل و پنج هزار از محله دان الموت رسیدند و مناقان هر دیار با امامزادگان برانگیختند جنگ عظیم بریا نموده امامزاده ابراهیم چندان محاربه و قتال نموده و از خوارج بقتل رسانیده که جای اسب تاختن بود.

امامزادگان بقدر شش هزار کس از آن تاریخ را داخل بدر که نمودند و عبد الرحمن نام کمس کرده محله دان الموت بود بست امامزاده ابراهیم متول گردید. لغایت شش ماه نمودمان(؟) شهریار برای رساندن اخبار نمی توانستند آمد و وقت نمایند تا آنکه شب بر سر امامزادگان تاخت و تاز آورده و ایشان را مغلوب نمودند و متفرق گردیدند.

چون در سن مورخ ۱۱۰/۱ نامی از امامزاده ابراهیم لله بر چین آمل برده شده وقف نامه و کتبه های آنرا اینکه می بینیم:

الحمد لله الواقع على السراير والمطلع على الضماير والصلوة والسلام على محمد وآله صاحب المفاخر وبعد بمنطق آية واقى هداية الحال والبنون زينة الحياة الدنيا و الباقيات الصالحات خير ثوابا واحسن عملا وبمقاد حديث صريح از حضرت رسالت پناهی /صلی الله علیه وآلہ الدنیا مزرعة الآخرہ پس بر سالکان جادة هدایت مقیم و راه یا فنکان وادی اطاعت و تسليم سزاوار کرده است که بجهت ذخیره اخروی و وسیله ابدی اندک تأملی نمایند و نظر بکلام جناب مرتضوی بمصداق ائمه الدینیا فناء لیس لتفانی ثبوت چندان اعتمادی براین دارفانه و منزل عاریت سرای نبودمو نمی باشد.

بهترین اعمال و شریفترین افعال از خیرات و میراث که باقیات صالحات و ذخیره دار بقاست وقف کلام الله مجید و املاک و اجرای قنوات و بنای مساجد و ساختمان پل و رباط و تکایا بجهت تعزیت داری جناب سید الشهداء چیز دیگر نخواهد بود.

لهذا منظور از تحریر این کلمات و نظم این فقرات آنست که چون مأمون ملعون حضرت امام رضا علیه السلام را بظمو آوردند از اطراف و اکناف کرامات آنجناب را مشاهده نمودند اهالی آن مزو بوم مطلع و متقاد آنجناب گردیده و از اطاعت مأمون ملعون انحراف ورزیده آن ملعون از آوردن آنجناب نادم و پشیمان شده و در خیال شهادت آنجناب افتاد آنجناب نامه با ولاد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و سایر امامزادگان نوشته که چون نوشته بسما بررس بدون توقف روانه طوم شوند.

آنچه از اخبار مرور است دوازده هزار و سیصد و هفتاد و سه نفر بعضیون نامه باین عمل نموده از شوق زیارت شرف ملاقات آنجناب بسیار گریستند و روانه خراسان گردیدند. ابراهیم فرزند امام موسی علیه السلام فرمود ای برادران ما را یک بزرگی میایند که خیل و حشم را تواند دارد امامزادگان فرمودند بروم روضه رسول القسلم میتوانیم هر که را جواب سلام فرمود آنکس مهتر و بزرگ باشد.

بعضی از ایشان را بشرح جدول در قراءه متواتر نمودند و شمعت نفر از آنها را در سارقمش شهریار بدروجہ شهادت رسائیدند و سرهای ایشان را جدا نموده و عنون بن امام موسی علیہ السلام را مقید نموده تزد مأمون فرمادند. بعداز آن امامزاده ابراهیم که مهتر ایشان بود با والده آن و امامزاده یعنی با چندتن از امامزادگان وارد دارالمرز شهر آمل شدند و جدال و قتال با اعدای نمودند. آخرالامر از شقاوت کریم نهمتر(؟) آصلی و حسن ریس باطایف رئیسیه و ابوالقاسم نام کاردگر با طوایف آملی باعانت و باری یکدیگر امامزاده ابراهیم را پاسایر امام زادگان که بودند در موضع نله چین آمل بدروجہ رفیعه شهادت رسائیدند لعنة الله علی قاتلهم الى يوم الدين و بعداز شهادت ایشان توفیقات مسحانی شامل حال و کافل احوالات سعادت مآل عالیشانان سعادت پناهان سلاله الاعیانان آقا عبدالله و نامدار و لصرحوم درویش حاجی نام کلاهها خراسانی الاصل مدعوبه کفسکروقاضی گردیده از جهت رونق اسلام و رعایت شان دین حضرت خیر الانام واعانت و همراهی بدودمان طبیین و طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین روضه ویقعه شرقیه بجهت امامزادگان و ساکنان اعلی علیین برپانموده بزحمات تمام بقعة شرقیه را با تمام رساندند.

بعد از اتمام روضه منوره و بقعة متبر که چناب سیادت انتساب اجل السادات شیخ بهاء الدین سهوردی لعنة الله علی الحجاج که بعضی از راه تقدیم و خوف آن ملعون از صاحبان نسب خارج النسب گردیدند و تولیت امام زاده ابراهیم را به شیخ مزبور مفوض نمودند و بعد از آن نسلا بعدنسیل و بیطنی پعدیطن تولیت و خدمتگزاری و چراچی گزی و حراست و پاسبانی و کلیدداری بقعة متبر که را باولاد ذکور شیخ مزبور قراردادند و اگذار نمودند که تولیت و خدمت بقعة متبر که از اولاد شیخ سابق الالقب الى يوم يقوم العصاب نباید متفرض و خارج شود و قریه درهم کلا و شیروانی محله و دودانگ از بعمله مه دانگ قریه داران سر و یک قطعه باعجه طاس گیر محله و هجده جریب زمین مزروعی که در جنب امامزاده مکرم است واقعه در سمت غربی مفوض بچناب شامخ الالقب شیخ مزبور واولاد ذکور موصی الیه شده که همساله منافق اسلام و مداخل قراء مزبور را دریافت نمایند و معارف روشنایی و تعیین بقعة متبر که نمایند.

مخالفت کشته بفقرات مزبوره بلعت و سخط الهی و عدم شفاعت چناب رسالت پناهی گرفتار آید و هر که از معجان و دوستان خاندان طبیین و طاهرین موقوفات مزبور را تغیر و تبدیل نماید یا آنکه امر تولیت را از دست چناب شیخ مزبور بیرون آورد گرفتار مخطوتویران خداوند جبار و عدم شفاعت رسول مختار واولاد اطهار آن باشد و هر که بدون معاذیر شرعیه

خلاف کند در روز قیامت و در عرصات محشر در مقام عدالت خداوند دادگر از قاتلین آن بزرگواران باشد.

و بعد از انفراض اولادو ذریة شیخ مزبور امر تولیت مفوض بعلماء عصریلد مزبور است فمن بدلله افه بعد مسامعه فاما ائمه علی الذین بدلونو و کان ذالک تحریرا فی ششم شهر ربیع المی ۹۲۶ والسلام علی من اتیع الهدی و نهی النفس عن الهوى.

محل مهر: یانادعلی عبدالله، و محل مهر: المتوکل علی الله عبدیه نامدار.

اقوالو اتفاق المسطوران فی المتن کمارقم وزیرلی و لسنہ العادم الریعه الاول(؟) محل
مهر علیه الراجی ابوالقاسم .

هم برج جوزا یونت نیل ۱۳۲۶ . در دفتر اوقاف آمل ثبت گردیده امین اوقاف آمل و لا ریجان اهتمام محمد هادی مهر اداره اوقاف آمل .

محل مهر: یانادعلی عبدالله .

محل مهر: المتوکل علی الله عبدیه نامدار .

موقوفاتی که در متن ذکر یست: باع حسن آباد و کل محمد، باع یعقوب طرف شعالی بقعة شریف، دکان مسکونی مشهدی محمد یوسف آملی، میدانچه تیمچه سید حسن عطار یک دانگ واقع آقا میر عنایت الله شاهانشی. ابن قتروق ق آن بزرگوار است دهم جوزا ۱۳۲۶ .

محل مهر اداره اوقاف آمل، مقابله شد .

بر صندوق بارگاه امامزاده ابراهیم لله پرچین شهر آمل
چنین فوشه شده است :

هذه الروضة المقدسة لسبطی ائمۃ الابرار فی العالم ابو محمد ابراهیم الالقب بالاطھر و الكاظم و اخوه وابو المعالی یعنی وامهما سلام الله علیهم و علی ائمۃ ابوابراہیم موسی بن الامام الهمام حجۃ الله بین الانام ابو جعفرالنقی محدثین الامام الشهید الغریب المدقون بالطوسی فی الفضالام علی بن موسی الرضا علیه السلام .
بانی هذا الخیر الجناب الصاحب الاعظم الخواجہ نامدار ابن الدرویش حاجی الکفشدکر

وقد تم ذلك في شهر شوال ٩٢٥ باعثها و ساعيها و بانيها عبد الله ابن شاه حسين القاضي
بمحروسة طبرستان البواب لهذه البقعة الطيبة.
عمل محمد نجاري بن حسين ماري.

درستگت پایین دیوار شرقی مسجد این آستانه نوشته شده:

« هوالباقي بتاریخ پانزدهم رمضان المبارک منه ٩٧٣ فرزند عزیز خواجه عنایت
دولت بن خواجه حسین دولت بن خواجه علی دولت آملی وفات نمود ».
دوران صدوات بر معصومان است.

کنیة دیگر:

قد وقف هذا الباب على مزار امام زاده واجب التعظيم امام زاده ابراهيم بن امام موسى
کاظم عليه الصلوة والسلام.

فقطنامه

ص ۲۰ من ۱ بخوانید ج ۱.

ص ۲۰ من ۱ بخوانید ج ۲.

ص ۱۷ من ۱۰ بخوانید: که نیمة آن باشد شانزده تنگجه.

ص ۸۰ من ۱ بخوانید: حرم [المضاعفة والربوا].

ص ۸۰ من ۱۲ بخوانید: مسطور.

ص ۱۰ من ۳ بخوانید: رفیع الدنیاء.

ص ۱۱۲ من ۱ بخوانید: مزارات.

ص ۱۱۲ من ۲ بخوانید: امام زاده یحیی.

ص ۱۲۰ من ۱ بخوانید: ۱۱۳۰.

ص ۱۳۶ من ۱ بخوانید: او کمال قدیم.

در پایان از دوستان ارجمند آقای سیف و آفای میرسیرانی و از پسرخاله هایم آقایان
توفیقی ها و از متصلی کنوی آستانه بسیار سپاسگزارم که بارویی گشاده و دلی بالا این استاد را
دو دسترس نگارنده گذارده اندو تو انستم این برسی کوچک را در ریارة آنها بکنم تاشاید خدمتی
ناچیز به تاریخ برویوم خویش کرده باشم.

محمد تقی دانشیزه

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info



صحيح	غلط	صفحة سطر	صحيح	غلط	صفحة سطر
نذاکاری		۱۱ ۲۰۱	تحلیلهای	۶ ۳	
تذکرات	تذکرات	۱۰ ۲۰۳	(لیست کامل...) اضافی است	۲۹۲ ۴	
اعمال	عمال	۱۱ ۲۰۵	که	۱۲ ۵	
زمزمها	زمزمهای	۶ ۲۱۵	می شود.	۲ بین ۸۷	
ناشر	ناشر	۳ ۲۲۲	سید رضا فیروزآبادی	۲ بین ۱۱۹۱۰	-
تایع انحلال	تایع انحلال	۲۲ ۲۲۱	بدون شاره		۱۰ ۱۲
احتیاجی			نمیتواند	۹ ۲۱	
مطالب متدرج در این صفحه بروط به صفحه			کندی	۱ ۲۱	
۲۴۶ می باشد. این صفحه سفید است.		۲۶۴	لائوس	۲۲ ۲۲	
سوگات	سوقات	۱۱ ۲۶۲	وامید		
جنایتها	جنایهای	۳ ۲۶۴	عموماً	۲ ۴۹	
جنایانی	جنایانی	۲ ۲۷۲	اصلاح	۱۵ ۴۹	
باصلاحات		۲۵ ۲۷۹	نبود.		۱۱ ۵۰
کشته		۲۲ ۲۸۸	ملت ایران		۱۲ ۵۲
برقیکه		۱۴ ۲۹۷	روزی ام		۱۱ ۵۷
اجنبی		۱۰ ۲۹۸	اساسی		۲ ۷۵
ساقریندا		۲۴ ۲۹۸	کافتراروزده		۲۰ ۸۷
دانشجویان		۱۱ ۳۰۱	چوبیدار		۸ ۹۲
شاره	شاره	۲۱ ۳۱۳	و دینا		۲۰ ۹۳
رفرازوم		۴ ۲۱۵	اشخاصی حمایت میکرده		۱۴ ۱۱۸
گرفت	گرف	۱۴ ۳۱۷	میارند میارند...		۱۳۵
حفظ	فقط	۱۵ ۳۲۲	مبنی مبنای		۲۲ ۱۲۷
ملت	حکومت	۲۲ ۳۲۲	تحلیلهای		۹ ۱۳۸
آبروی	آبروئی	۱۷ ۳۲۷	دوز		۱ ۱۴۵
انجام دهنده	انجام می دهنده	۲۶ ۳۲۷	تحمیلی		۱۰ ۱۴۵
مجلسی کبه	مجلسی به	۱۱ ۳۲۸	تكلیف		۲۱ ۱۶۲
مینیک	مینیک	۱۰ ۳۲۱	قانونی		۶ ۱۶۴
روزنامه	رونامه	۱۹ ۴۴۰	در دفاع		۱۶۴
انگلیس	انگلیس	۵۹۱ ۳۴۵	میلیونها		۷ ۱۶۵
گذشته	گذشته	۲۱ ۳۴۸	ارضی		۲ ۱۶۹
حساب	حساب	۶ ۳۷۱	آزادیخواهان		۶ ۱۸۲
پر	پر	۲۰ ۲۸۰	دانشگاه		۲۵ ۱۸۸
قرارداد	قرارداد	۲۲ ۲۸۱	جای		۱ ۱۹۸
			ادامه دادند		۲۲ ۲۰۰

پیشکش به تبرستان www.tabarestan.info

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

L-284-75-2
www.sabrestando.com